

امور و لغات رشد

شماره مسلسل ۱۹ - سال ششم - زمستان ۱۳۷۷ - بهار ۲۰۰۰ ریال
همراه با ویژه نامه آموزش زبان انگلیسی

Foreign
Language
Teaching

سعدی

بنیاد وقت گل آمد که بنالند آرشوق
به کم از بلبل مسنی تو بنال ای هشیار



مجله رشد آموزش راهنمایی تحصیلی نوشته ها و حاصل تحقیقات پژوهشگران و متخصصان تعلیم و تربیت، پژوهز آموزگاران، دبیران و مدرسان را، در صورتی که در نشریات عمومی درج نشده و مرتبط با موضوع مجله باشد، می پذیرد. مطالب باید یک خط در میان و در یک روی کاغذ نوشته و در صورت امکان تاپ شود. شکل قرار گرفتن جدولها، نمودارها و تصاویر ضمیمه باید در حاشیه مطلب نیز مشخص شود. نیز مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت لازم مبذول گردد. مقاله های ترجمه شده باید با متن اصلی معنوی داشته باشد و متن اصلی نیز ضمیمه مقاله باشد. در منتهای ارسالی باید تا حد امکان از معادلهای فارسی واژه ها و اصطلاحات استفاده شود. زیرنویسها و منابع باید کامل و شامل نام اثر، نام نویسنده، نام مترجم، محل نشر، ناشر، سال انتشار و شماره صفحه مورد استفاده باشد. مجله در رد، قبول و ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده مختار است. آرای مندرج در مقاله ها، ضرورتاً مبنی نظر دفتر انتشارات کمک آموزشی نیست و مسئولیت پاسخگویی به پرسشهای خوانندگان، یا خود نویسنده یا مترجم است. مجله از بازگرداندن مطالبی که برای چاپ مناسب تشخیص داده نمی شود، معذور است.

۲ سرمقاله

۲ حکیم عمر خیام

۴ سؤال‌های «تیمس» TIMSS

۸ تقدی بر آموزش فارسی

۱۱ معرفی کتاب

۱۲ شرح واژه‌های دشوار در فارسی

۱۶ تربیت و اقتصاد

۱۸ اسلام و حقوق مشترک انسان‌ها

۲۰ لطایف ابوحیان

۲۲ آموزش زبان خارجی در گفت‌وگو با کارشناسان

۳۰ روش آموختن زبان خارجی

۳۴ The man and the Donkey

۳۶ همنشینی واژگانی

۳۷ معرفی کتاب

۳۸ گزارش یک تحقیق و چند پیشنهاد

۴۱ سید حسن مدرس و آموزش زبان خارجی

۴۲ گزارش فعالیت‌ها ...

۴۴ عربی

۴۷ گفت‌وگو با استاد هاشم ظریف تبریزیان

۵۰ دانستنی‌هایی درباره‌ی تاریخ اول راهنمایی

۵۲ ارزش‌یابی در جغرافیا (قسمت دوم)

۵۵ سرنوشت علوم اجتماعی در دوره‌ی راهنمایی ...

۵۶ تفکیک قوا در نظام‌های سیاسی

۵۹ ریاضیات چیست؟

۶۴ نامه‌ها



طرح جلد، از پریسا سندوسی

○ مدیر مسئول: سید محسن گل‌دانش‌ساز

○ سردبیر: جعفر ربانی

○ مشاوران: محمود امانی طهرانی، منصور ملک‌عباسی

○ مدیر داخلی: رحیم شکری‌روشنق

○ صفحه‌آرا: پریسا سندوسی

○ چاپ: شرکت افست (عام)

○ نشانی دفتر مجله: تهران، صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۱۵۸۵

○ تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۹۱۸۱



وزارت آموزش و پرورش

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

دفتر انتشارات کمک آموزشی

دفتر انتشارات کمک آموزشی، این مجله را منتشر می‌کند

رشد کودک اولیه پس‌دندان و دانش‌آموزان کلاس اول دبستان؛ رشد نوجوان آرای دانش‌آموزان دوره چهارم و پنجم دبستان؛ رشد نوجوان آرای دانش‌آموزان دوره راهنمایی؛ رشد جوان آرای دانش‌آموزان دوره متوسطه؛ مجله رشد معلم؛ رشد تکنولوژی آموزشی؛ و رشد‌های آموزش ابتدایی، آموزش میزنگ، آموزش تخصصی، آموزش زبان و ادب فارسی، آموزش زبان، آموزش راهنمایی تحصیلی، آموزش ریاضی، آموزش زیست‌شناسی، آموزش جغرافیا، آموزش معارف اسلامی آرای دبیران، آموزگاران، دانشجویان تربیت معلم، مدیران مدارس و کارشناسان آموزش و پرورش

مطبوعات، تلویزیون، مطالعه

یکی از پژوهش‌های فرهنگی که امسال از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان پژوهش برگزیده‌ی سال معرفی شد، پژوهشی است با عنوان ارتباط جمعی در کشورهای اسلامی. این پژوهش بالغ بر ۱۴۰۰ صفحه است و با حمایت دانشگاه امام صادق (ع) و با تلاش دوساله‌ی دکتر مهدی محبین‌زاده و همکاران، احرار شده است. در بخش نخست پژوهش وضعیت کشورهای اسلامی در جهان امروز و سپس وضعیت رسانه‌های مختلف آنان به صورت تطبیقی بررسی شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که عقب ماندگی نسبتاً عمیقی در میان کشورهای اسلامی نسبت به سایر کشورها (کشورهای غیر اسلامی) وجود دارد؛ به طوری که شاخص توسعه‌ی انسانی در کشورهای غیر اسلامی ۱/۵ برابر، امید به زندگی ۱/۲ برابر، سهم یاسوآدان ۲ برابر و متوسط سالیانه‌ی تحصیل بیش از ۲ برابر کشورهای اسلامی است. وضعیت مذکور در مورد رسانه‌ها عمیق‌تر و چشم‌گیرتر است؛ یک فرد غیرمسلمان هر روز ۴ برابر یک فرد مسلمان به عنوان روزنامه‌ها دسترسی دارد. ضمن آن که متوسط افرادی که در کشورهای غیر اسلامی روزنامه می‌خوانند چهار برابر ساکنان کشورهای اسلامی است و دسترسی ساکنان کشورهای غیرمسلمان به مطبوعات (شامل روزنامه و مجله) ۷/۵ برابر ساکنان کشورهای اسلامی است. نتیجه‌ی پژوهش نامبرده در مورد رادیو و تلویزیون نیز قابل توجه است.

بررسی روند تحولات سی سال گذشته حاکی از آن است که رشد تلویزیون در این کشورها، که تقریباً به طور کامل در انحصار دولت هاست بسیار بیشتر از مطبوعات بوده به طوری که فاصله‌ی دسترسی به تلویزیون در کشورهای اسلامی با غیر اسلامی فقط ۱/۶ برابر و رادیو ۲/۳ برابر است. (یعنی فاصله کشورهای اسلامی با غیر اسلامی از این نظر، در مقایسه با مطبوعات زیاد نیست) در واقع مسلمانان فقیرترند به مراتب کمتر مطبوعات می‌خوانند و بسیار تلویزیون می‌بینند.

این مقایسه‌ی میان کشورهای مسلمان و کشورهای غیرمسلمان که به طور محققانه و علمی صورت گرفته خوشحال کننده نیست اما می‌تواند هشدار دهنده و بیدار کننده باشد. حداقل این هشدار را دارد که مسلمانان، و از جمله ایرانیان، را با واقعیت‌های ناگزیر جوامع خودشان آشنا می‌سازد. چه بسا از این رهگذر بتوان به علل فنور و ضعف مسلمین و مشکلات عظیمه‌ای که با آن دست به گریباید دست یافت. طرح این مطلب در متن مقاله‌ی این شماره در واقع به این معنی است که ما معتقدیم از طریق رسانه‌های دستگاه تعلیم و تربیت کشور می‌توان چنین آگاهی‌هایی را به طیفی معلم و دانش‌آموز انتقال داد و آنها را که سازندگان جامعه‌ی فردا هستند به اندیشه واداشت. در کشور ما وضعیت مطالعه‌ی مطبوعات و کتابها در مقایسه با استفاده از رادیو و تلویزیون، بویژه رادیو، نتیجه پژوهش فوق را تأیید می‌کند. اگر خیلی خوش بینانه نگاه کنیم یک کودک دبستانی یا نوجوان دوره‌ی راهنمایی روزانه حداقل یک ساعت تلویزیون می‌بیند. اگر فقط برنامه کودک را تماشا کند، اما می‌توان گفت در بیشتر جابه‌ها تلویزیون از اوگ تا آخر شب روشن است و پی در پی بینندگان را به تماشای انواع برنامه‌ها دعوت می‌کند و همه را به خود سرگرم می‌سازد. به ویدئو و ماهواره و ... کاری نداریم. آیا در مقابل این وضع چه اندازه روزنامه و کتاب حواله می‌شود و افراد خانواده می‌توانند با یکدیگر تبادل و تعامل فکری و فرهنگی، و یا با فرزندان دانش‌آموز خود مباحثه‌ی درسی و تحصیلی داشته باشند؟ حتی با این فرض نسبتاً قابل قبول که برنامه‌های رادیو و تلویزیون از مقبولیت نسبی برخوردارند، از رهگذر این «دیدن‌ها» و «شنیدن‌ها» چه حاصل می‌شود و در مقابل، «خواندن» و «فکر کردن» و «تبادل نظر فکری و فرهنگی» چه حیاسی را اشغال می‌کند؟ این امر وقتی بیشتر اهمیت می‌یابد که بدانیم نزدیک است میلیون از جمعیت ایران با دانش‌آموزان و دانشجویان تشکیل می‌دهند که مهمترین دوره‌ی زندگی خود را می‌گذرانند. به راستی چه باید کرد؟

دربینوس

۱- برنامه فرهنگ و پژوهش شماره ۶

۲- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۱۳۷۷

۲- محمدی

حکیم عمر خیام^۳

جسته به تحقیق در علم و استوار کردن آن پردازند. و بیشتر عالِم نمایان زمان ما حق را جامه ی باطل می پوشند و گاهی از حد خودنمایی و تظاهر به دانایی فراتر نمی نهند و آنچه را هم می دانند جز در راه اغراض مادی پست به کار نمی برند، و اگر ببینند که کسی جشن حقیقت و برگزیدن راستی را وجهه ی همت خود ساخته و در ترک دروغ و خودنمایی و مکر و حيله جهد و سعی دارد او را خوار می شمردند و تمسخر می کنند. و در هر حال خدا یاری دهنده و پناه همه است.»

می توان تصور کرد که شاید چنین وضعی در روحیه ی خیام، این ریاضی دان حکیم، آن گونه تأثیر عاطفی بجا گذارده که تفکر فلسفی او را شکل داده است. شاید به همین دلیل بوده که خیام به سرودن رباعیاتی - هر چند اندک - روی آورده و شعرهایی را در ردیف عالی ترین اشعار زبان فارسی به یادگار گذاشته است.

آنان که محیط فضل و آداب شدند
در جمع کمال شمع اصحاب شدند
ره زین شب تاریک نبردند برون
گفتند فسانه ای و در خواب شدند



اگرچه اروپاییان بویژه جهان انگلیسی زبان عمر خیام را به عنوان یک شاعر می شناسند، ولی خیام در عصر خود پیش از آن که به شاعری شهرت داشته باشد به فیلسوفی و دانشمندی مشهور بوده است. در ایران امروز نیز بیشتر از لحاظ آثار ریاضی او و سهمی که همراه با منجمان دیگر در طرح ریزی تقویم جلالی داشته است، و همین تقویم از زمان وی تاکنون در ایران به کار می رود، مورد توجه قرار گرفته است. از زندگی این حکیم اطلاع زیادی در دست نیست جز این که در نزدیکی شهر نیشابور به دنیا آمده و بیشتر عمر خود را در این شهر گذرانده و در همین محل نیز از دنیا رفته است. آرامگاه او در این شهر است. در حدود دوازده اثر از خیام در فلسفه و علم بر جای مانده است که مهم ترین آنها کتاب جبر اوست که بهترین اثر در نوع خود در ریاضیات دوره ی قرون وسطی است.

در خیام چندین چشم انداز اسلام با یکدیگر متحد شده است. وی عارف بود و شاعر و فیلسوف و منجم و ریاضی دان. بدبختانه، با ظاهر آکم چیز نوشته، و از آن اندک نیز برخی مفقود شده است. با وجود این، آثار بازمانده از او که علاوه بر ریاضیات مشتمل است بر رساله هایی در وجود و کون و فساد و کلیات علم و ترازو و مابعدالطبیعه و نیز تألیفات ریاضی مشتمل بر تحقیق در اصل موضوع اقلیدس و حساب و جبر - برای نمایاندن مقام جهانی او در علم کفایت می کند. جبر خیام یکی از برجسته ترین متون ریاضی قدیم به شمار می رود، معادلات را تا درجه ی سوم مورد بحث قرار داده و آنها را طبقه بندی و - معمولاً به طریق هندسی - حل کرده است. همه جبا ارتباط میان مجهولات و اعداد و اشکال هندسی، و از این طریق، حلقه ی اتصال میان ریاضیات را با معنای مابعدالطبیعی که از خصوصیات هندسه ی اقلیدسی است محفوظ نگاه داشته است.

ویژگی بارز خیام شیفتگی او به علم و تحقیق بوده است. اما به نظر می رسد روزگار از این جهت نظر خوشی با وی نداشته است زیرا در مقدمه ای که بر کتاب «جبر» خود نوشته، پس از حمد خدا و درود بر پیامبر اسلام و خاندان او چنین می آورد: «... و من همواره سخت اشتیاق به تحقیق استدلالی این اصناف (علم و جبر) داشتم، لکن تصاریف زمان همواره با پیشامدهایی همراه بود که پرداختن به این امر را به عهده ی تعویق می انداخت ... زیرا اما گرفتار روزگاری هستیم که از اهل علم فقط عده ی کمی، مبتلا به هزاران رنج و محنت باقی مانده که پیوسته در اندیشه ی آنند که غفلت های زمان را فرصت

همین نمونه بتواند مورد توجه دبیران علاقمند و دیگر صاحب نظران قرار گیرد.

مجله از دریافت نظرات شما درباره ی این سؤالات استقبال می کند و میادرت به چاپ آن ها می نماید. در شماره ی آینده نیز «اتشاء الله» نمونه ی سؤالات های ریاضی مطالعه ی تیمس را مطالعه خواهید کرد.

رشد

باید دانست که مطالعه ی تیمس با به عبارت روشن تر «امتحان» شامل سؤالات های بسیار و متنوعی است که در دفترچه های متعدد، البته همراه با سؤالات های ریاضی، چاپ شده و در اختیار دانش آموزان مناطق مختلف جهان و به تبع در مناطق مختلف کشور ایران قرار گرفته است. بنابراین آنچه شما ملاحظه می کنید تمامی سؤالات های علوم نیست بلکه مثنی است از خروار امیدواریم

ما تاکنون در این مجله چندین بار از «سومین مطالعه ی بین المللی ریاضیات و علوم» سخن به میان آورده ایم اما هیچگاه سؤالات های این «مطالعه» را در معرض دید و نظر شما دبیران محترم و دیگر علاقمندان به این گونه مباحث قرار نداده ایم. اما در این شماره به چنین کاری اقدام کرده و ۳۲ سؤال از دفترچه آزمون شماره ۸۰ ویژه ی راهنمایی را در اختیار شما قرار می دهیم.

بخش علوم

سؤالات های «تیمس» TIMSS

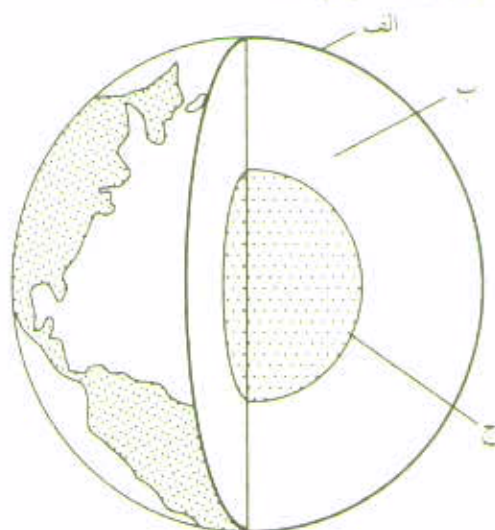
۱. شکل زیر سه لایه ی اصلی از لایه های تشکیل دهنده ی کره ی زمین را نشان می دهد:

شماره	جرم شیء	حجم شیء
W	۱۱ گرم	۲۴ سانتیمتر مکعب
X	۱۱ گرم	۱۲ سانتیمتر مکعب
Y	۵٫۵ گرم	۴ سانتیمتر مکعب
Z	۵٫۵ گرم	۱۱ سانتیمتر مکعب

الف: W
ب: X
ج: Y
د: Z

۱. شکل زیر سه لایه ی اصلی از لایه های تشکیل دهنده ی کره ی زمین را نشان می دهد:

کدام لایه از همه گرم تر است؟



الف: لایه ی الف

ب: لایه ی ب

ج: لایه ی ج

د: درجه حرارت همه لایه ها مساوی است

۲. هنگامی که سزین سوخته شده در اتومبیل به طور کامل صرف حرکت اتومبیل نشود و به چیز دیگری تبدیل شود، انرژی شیمیایی زیادی به هدر می رود. آن چیز کدام است؟

الف: الکتریسیته

ب: حرارت

ج: مغناطیس

۳. درست قبل از یک مسابقه دو ۵۰ متر و بلافاصله بعد از آن ضربان قلب و تعداد نفسهای فرد دوینده اندازه گیری می شود. به نظر شما این دو اندازه گیری چه تفاوتی با یکدیگر خواهد داشت؟

الف: ضربان قلب تغییر نمی کند ولی تعداد نفسها کم می شود.

ب: ضربان قلب زیاد می شود ولی تعداد نفسها فرقی نمی کند.

ج: ضربان قلب و تعداد نفسها هر دو کم می شوند.

د: هیچکدام تغییری نمی کنند.

۴. شکل بعدی یک کوه را نشان می دهد. جهت وزش باد و جهت حرارت متوسط هوا در ارتفاعات مختلف در هر دو طرف کوه مشخص شده است.

الف. احتمالاً تعبیری نمی‌کند.

ب. عمیق‌تر و سریع‌تر می‌شود.

ج. وسیع‌تر و کندتر می‌شود.

د. صاف‌تر می‌شود.

۱۴. کدام جمله توضیح می‌دهد که چرا کره زمین در روز روشنائی و در شب تاریکی دارد؟

الف. زمین دور محور خود می‌چرخد.

ب. خورشید دور محور خود می‌چرخد.

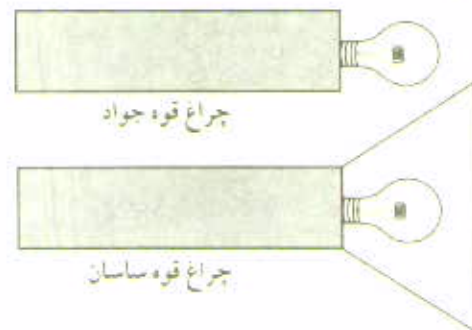
ج. محور زمین مایل است.

د. زمین دور خورشید می‌چرخد.

۱۵. جواد و ساسان هر کدام یک چراغ قوه با بطری‌ها و لامپ‌های مشابه هم ساختند. چراغ قوه ساسان یک حباب هم داشت ولی چراغ قوه جواد حباب نداشت.

کدام چراغ قوه نور بیشتری روی یک دیواره در فاصله ۵ متری می‌تاباند؟

(یکی را علامت بزنید.)



چراغ قوه جواد

چراغ قوه ساسان

پاسخ خود را توضیح دهید.

۱۶. وقتی در فلزی یک شیشه محکم شده باشد باید آن را در آب داغ بزنیم تا در آن باز شود. دلیل این موضوع چیست؟

الف. منقبض شدن شیشه

ب. منبسط شدن در فلزی

ج. منبسط شدن شیشه پیش از منبسط شدن در فلزی

د. منبسط شدن در فلزی پیش از منبسط شدن شیشه

۱۷. مخلوطی از گوگرد و براده آهن را گرم می‌کنیم. چه چیزی تشکیل می‌شود؟

الف. یک عنصر واحد

ب. دو عنصر دیگر

ج. یک محلول

د. یک آلیاژ

ه. یک ترکیب

۱۸. کدام یک نمونه‌ای از یک تغییر شیمیایی نیست؟

الف. جوشاندن آب

ب. رنگ ردن آهن

ج. سوزاندن چوب

د. پختن نان

۱۹. چقدر طول می‌کشد تا نور بر روی یک ستاره غیر از خورشید، به زمین برسد؟

الف. کمتر از ۱ ثانیه

ب. از حدود ۱ ساعت

ج. از حدود ۱ ماه

د. از حدود ۲ سال

۲۰. یک دلیل بنویسید که چرا ما با دو چشم بهتر می‌توانیم همه چیز را ببینیم تا یک چشم.

۲۱. یک لیوان پر از یخ ۳۰۰ گرم وزن دارد. بلافاصله پس از آب شدن یخها وزن این لیوان چقدر خواهد شد؟ پاسخ خود را با توضیح دهید.

۲۲. وقتی که روی پیراهن پروین نور سفید می‌تابد پیراهن او آبی به نظر می‌رسد. چرا پیراهن آبی به نظر می‌رسد.

الف. پیراهن همه نور سفید را جذب می‌کند و بیشتر آن را به نور آبی مبدل می‌سازد.

ب. پیراهن بخش آبی نور را منعکس و بقیه‌ی آن را جذب می‌کند.

ج. پیراهن فقط بخش آبی نور را جذب می‌کند.

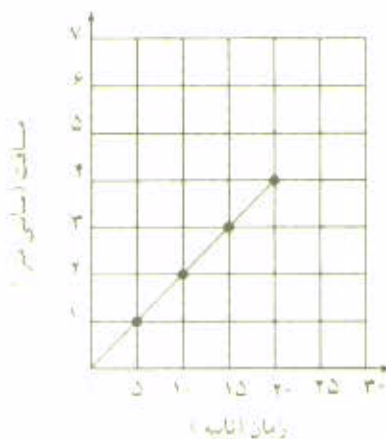
د. پیراهن نور آبی خود را منتشر می‌کند.

۲۳. اگر یک گونه جدید (یک حیوان یا یک گیاه جدید) وارد یک منطقه بشود نتیجه‌ی ناخواسته‌ی آن چه خواهد شد؟ یک مثال بزنید.

۲۴. یک دلیل بنویسید که چرا آله‌ی اوزون برای موش‌دلت گمراه زمین مهم است؟

۲۵. اکسید کربن یک ماده فعال در خاموش کردن آتش است. چگونه اکسید کربن آتش را خاموش می‌کند؟

۲۶. نمودار زیر مقدار مسافتی را نشان می‌دهد که یک نفر چه روی یک خط مستقیم طی کرده است.



اگر این مورچه حرکت خود را به همین ترتیب ادامه دهد بعد از ۳۰ ثانیه چقدر راه رفته است.

الف. ۵ سانتیمتر

ب. ۶ سانتیمتر

ج. ۲۰ سانتیمتر

د. ۳۰ سانتیمتر

۲۷. اگر چراغ قوه ای را نزدیک دیوار نگه داریم یک دایره ی کوچک روشن روی دیوار تشکیل می شود و اگر آن را دور نگه داریم یک دایره ی بزرگ. آیا اگر چراغ قوه از دیوار باشد نور بیشتری به دیوار می رسد؟

آری _____

نه _____

پاسخ خود را توضیح دهید.

۲۸. مهدی و حسین درباره ی یک زندگی خیالی روی یک سیاره دیگر صحبت می کردند. معلم علوم آنها اطلاعاتی راجع به کسره ی زمین و یک سیاره ی خیالی به نام آتنا به آنها داد. جدول زیر این اطلاعات را نشان می دهد.

آتنا	زمین
شرایط جوی	
۱۰٪ اکسیژن	۲۱٪ اکسیژن
۸۰٪ اکسید کربن	۰٫۰۳٪ اکسید کربن
۵٪ نیتروژن	۷۸٪ نیتروژن
بدون لایه اوزون	لایه اوزون
فاصله از یک ستاره مانند خورشید	
۱۰۳،۶۰۰،۰۰۰ کیلومتر	۱۴۸،۶۴۰،۰۰۰ کیلومتر
چرخش دور محور خود	
۲۰۰ روز	۱ روز
چرخش دور خورشید	
۲۰۰ روز	$365\frac{1}{4}$ روز

یک دلیل مهم بنویسید که چرا زندگی روی آتسنا، اگر وجود داشت، برای بشر مشکل بود.

۲۹. چه چیزی اتفاق می افتد وقتی که یک حیوان به خواب زمستانی می رود؟

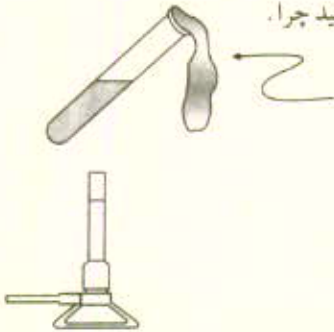
الف. در هیچ قسمت از بدن او حیات وجود ندارد.

ب. نفس کشیدن او متوقف می شود.

ج. درجه حرارت بدن او بالاتر از زمانی است که او فعالیت دارد.

د. او برای زمان فعالیت خود انرژی جذب می کند.
هـ. او نسبت به زمانی که فعالیت دارد انرژی کمتری مصرف می کند.

۳۰. آب داخل یک لوله آزمایش را همان طور که در شکل می بینید حرارت می دهیم. به محض گرم شدن آب بادکنک سر لوله باد می شود. توضیح دهید چرا.



۳۱. هر وقت دانشمندان کمیت چیزی را چند بار اندازه می گیرند انتظار دارند که

الف. همه ی اندازه گیری ها پاسخی درست مثل هم داشته باشد.

ب. فقط پاسخ دو اندازه گیری درست مثل هم باشد.

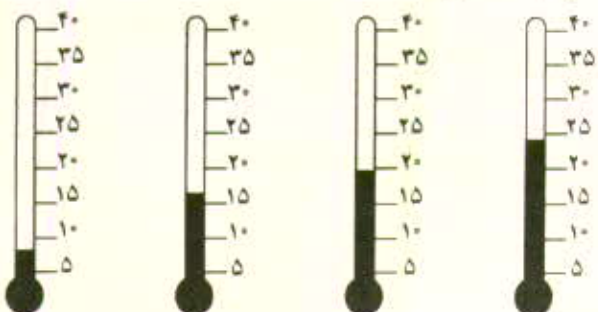
ج. پاسخ همه ی اندازه گیری ها به استثناء یکی از آنها مثل هم باشد.

د. پاسخ بیشتر اندازه گیری ها نزدیک هم باشد ولی نه درست مثل هم.

۳۲. این جدول درجه حرارت هوا را در اوقات مختلف روزهای یک هفته نشان می دهد.

درجه حرارت هوا					
۶ صبح	۹ صبح	۱۲ ظهر	۳ بعدازظهر	۸ بعدازظهر	
۱۵°	۱۷°	۲۰°	۲۱°	۱۹°	دوشنبه
۱۵°	۱۵°	۱۵°	۱۰°	۹°	سه شنبه
۸°	۱۰°	۱۴°	۱۳°	۱۵°	چهارشنبه
۸°	۱۱°	۱۴°	۱۷°	۲۰°	پنجشنبه

کدام میزان الحرارة درجه ی حرارت هوا را در ۸ بعد از ظهر روز دوشنبه نشان می دهد؟



نویسنده‌ی این مقاله آن را در نقد آشپزی
برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های فارسی
راهنمایی نوشته است. رشد راهنمایی ضمن
استقبال از دریافت دیدگاه‌های صاحب‌نظران
اقدام به چاپ این مقاله می‌نماید.

رشد

نقدی

بر آموزش فارسی

زیبا اشراقی کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

شده است.

کودک یا نوجوانی که در غایت بیاد و
در میان اهل زبان زندگی می‌کند و شب و روز
او در حشر و نشر با همین زبان سپری می‌شود
و استعداد تنگ و نامحدود او در بیان
حمله‌ها و ادای مقصود و ارتباط با محیط،
از او آن سه سالگی به برگشت همین ارتباط
تنگانگی با هر چشمه‌های اصیل زبان یعنی
پدر و مادر و سایر افراد جامعه حیرت
آفراننده را برمی‌انگیزد. چگونه می‌تواند
با زبانی که تکرار همان زبان خسته‌شود و
فارسی را در می‌کشد و می‌کشد و می‌کشد
شمارد.

به نظر چامسکی و پیروانش کودکان در
زمان‌های کوتاهی زبان را فرا می‌گیرند و
قسمت اعظم فعالیت و انجمنی زبان در ظرف
هجده ماه از هجده ماهگی تا سی و شش
ماهگی، یا شاید فراتر می‌شود و همه‌ی
کودکان حتی آنهایی که بسیار کم‌دین هستند
بدون هیچگونه تلاش و یا تشویقی همانند
زبان را می‌آموزند.^۱

وقتی که کودکان با این سه عنصر زبان
می‌آموزند، از همه «دستور زبانی» که در تمام

زبان‌آموزی که به عنوان یکی از
هدف‌های آموزش فارسی دوره‌ی راهنمایی
عنوان شده است و کتاب‌های فارسی این
دوره و طیفه دارد زبان را به عنوان وسیله‌ی
برقراری ارتباط آموزش دهد آن دانش‌آموزان
باید درگیری صحیح و از راه‌ها بتواند منظور
خود را به راحتی بیان کند. احساسات خود
را ابراز کند. با محیط اطراف خود ارتباط
برقرار کند و ...^۲

فکر می‌کنم بسیاری با من هم عقیده
باشند که نوجوان بازده ساله‌ای که با
به دوره‌ی راهنمایی می‌گردد زبان را
در این حلقه خوبی آموخته است. با این همه
می‌بینیم که وی پس از شش سال دوره‌ی
پیش از دبستان که لافیل چهار سال آن
به فراگیری زبان مادری به شکلی اصیل و
بی‌واسطه سپری گشته است و پنج سال
دوره‌ی ابتدایی که به صورت منظم و
کلاسیک، زبان را از حروف تا کلمات و
سپس جمله‌سازی و نگارش و اشیا آموخته
است، در دوره‌ی راهنمایی با درسی‌ها و
متون کم‌حادثه و کم‌محتوایی روبرو
می‌شود که تنها هدف زبان‌آموزی به او ارائه

جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش و پرورش
تیم پژوهش و توسعه

فارسی

اول دوره راهنمایی تحصیلی

جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش و پرورش
تیم پژوهش و توسعه

فارسی

سال سوم دوره راهنمایی تحصیلی





شده است و البته این به معنی جدایی زبان از ادبیات نیست بلکه نمونه های ادبی و زبانی در کنار هم و حتی آمیخته با هم قرار گرفته اند. با این استدلال و با قرار دادن هدف های ارزشی^۵ در صدر اهداف آموزش زبان و ادبیات فارسی، در کتاب های فارسی این مقطع ما با انواع متون جغرافیایی، تعلیمات دینی، تاریخی، هنری، علمی و متون ختای دیگر روبرو می شویم که شکل کامل تر و عمیق تر آن را دانش آموز در کتاب های درسی دیگر خود دارد. نتیجه این که در فارسی سه ساله دوره ی راهنمایی مکرر به متونی بر می خوریم که نه ارزش زبانی بیشتری از متون موجود در درس جغرافی یا اجتماعی و ... دارند و نه ارزش ادبی یا موضوعی ویژه ای آنها را برجسته کرده است. بگذریم از این سؤال که اصولاً مرز بین متون زبانی و ادبی کجاست؟ کدام یک از متون را می توان متن زبانی خواند و آیا این متون زبانی باید فی البداهه نوشته و آماده شوند تا در کنار متون ادبی که شناخته شده است و معمولاً در ادبیات هر کشوری وجود دارد بنشینند و رسالت زبانی خود را به انجام برسانند؟

با تقسیم کتاب فارسی دوره ی راهنمایی به هفت فصل:

- ۱- اسلام و انقلاب اسلامی
- ۲- آشنایی با طبیعت
- ۳- ضروریات زندگی
- ۴- مردم شناسی
- ۵- اخلاق
- ۶- هنر
- ۷- علم

که می تواند تا هفده فصل یا بیشتر گسترش یابد و عنوان های مهم و متنوع دیگری را نیز در برگیرد، و حتماً حجم کتاب درسی پرداختن به همه ی آن عناوین ضروری و مهم را ایجاب نمی کرد! آن قدر از راه دور افتاده ایم که مشکل بتوان به هدف اصلی نایل گشت. اگر در تقسیم بندی مطالب کتاب راهنمایی، از تقسیم بندی

مراحل قانونمند است و هرگز در هیچ زمانی، گزینش اتفاقی یا گونه ی غیر معیاری از گفتار بزرگترها نیست، بلکه همواره دستور کاملی می باشد با قواعدی مخصوص به خود^۶، آیا شایسته است که ما ساعت های دیگر عمر او را صرف خواندن و آموزش متونی کنیم که تنها هدف زبان آموزی دارند و نه ارزش ادبی یا زبان شناسی - و او شکل کامل تر بسیاری از آنها را در درس ها و کتاب های درسی دیگر در اختیار دارد؟!

آموزش مهارت های چهارگانه ی زبان که کتاب فارسی آن را یکی از هدفهای خویش در دوره ی راهنمایی بر می شمارد، به طور ضمنی از طریق متون و درس های دیگر نیز دنبال می شود و هدفی است که درس های دیگر نیز در گسترش و عمق بخشیدن به آن با فارسی سهیم هستند. تنها در بخش اجزا و عناصر سازنده ی زبان و درک محتوای خاص متون، راه فارسی از درس های دیگر جدا می شود و این فصل مهم است که کتاب فارسی را فارسی می کند نه ابزاری اباشنه از تاریخ و جغرافیا و اخلاق و آداب و هنر و ...

۱. هر چند فارسی این همه هست اما همه این نیست و نباید باشد.

چه کسی می تواند مدعی شود که مهارت گوش دادن در درس ریاضی یا زبان انگلیسی کمتر از درس فارسی اهمیت دارد یا مهارت گفتن در درس اجتماعی از درس فارسی کمتر به کار می آید و پرورش می یابد و یا خواندن در بیش دینی یا تاریخ از اهمیت کمتری از خواندن در فارسی برخوردار است. همین طور است مهارت نوشتن که در پاسخ گویی به پرسش های تشریحی و انجام تکالیف و ... در تمام دروس به کار گرفته می شود اما در درس انشا به شکلی خلأی بروز می کند و به اوج می رسد.

در کتاب معلم - روش تدریس کتابهای فارسی راهنمایی - آمده است که در کتاب فارسی اول راهنمایی اولویت به زبان داده شده است و در پایه های دوم و سوم به تدریج از سهم زبان کاسته و به سهم ادبیات افزوده



معرفی کتاب

علم در خانه

علم بیرون از خانه

تألیف: آیتا گاتری

ترجمه: احمد خواجه نصیر طوسی

۴۴ صفحه، ۶۵۰۰ ریال

انتشارات فاطمی، ۱۳۷۷



علوم پیاموزیم (جلد ۳)

ترجمه: محمدرضا افضلی/مجید ملکان/هاله واحدی

هر جلد، ۲۲۰ صفحه، ۱۰۰۰ تومان

تهران- نشر نی، ۱۳۷۷

در بازار ناسالم کتاب های کمک درسی که همه ی کتب درسی دانش آموزان را به کتاب های تست و سؤال و جواب تبدیل می کنند کتاب هایی نیز نشر می یابد که می توان آنها را «کمک آموزشی» به معنی صحیح کلمه دانست. مجموعه ی ۳ جلدی علوم پیاموزیم از این گونه است و لذا قابل امعان نظر دبیران و دانش آموزان علاقه مند است. این مجموعه در ادامه ی مجموعه ی دبستانی آن منتشر شده است.

یک ضرب المثل چینی می گوید: می شنوم و از یاد می برم، می بینم و به خاطر می سپارم، انجام می دهم و می فهمم. انجام دادن و فهمیدن مصداق آموزش علوم است. انجام هر آزمایش، هر چند جزئی، سرگرم کننده است و بهترین روش آموزش علوم به حساب می آید. تحقیق، کاوش و مشاهده ی جهان پیرامون به دانش آموزان یاد می دهد که به شیوه ی علمی بیندیشند. دانش آموزان از تجربه ی شخصی لذت می برند. باید با انجام کارهای عملی و از طریق پرسش هایی که صرفاً تکرار آموخته ها نباشد به تفکر وادارشان کرد.

دانش آموزان سالهای آخر دبستان و دوره ی راهنمایی که با مقدمات مطالب علمی در کتاب های درسی آشنا می شوند، غالباً با توجه به محیط اطراف خود پرسش هایی به نظرشان می رسد که اگر پاسخ این پرسش ها با زبانی ساده برای آنها بیان شود علاوه بر تقویت حس کنجکاوی و میل بیشتر برای خواندن متون علمی، حوزه ی دانسته های علمی آنان نیز گسترده تر می شود. مثلاً در بیرون از خانه ممکن است به پرسش هایی از این گونه برسند که: چرا آسمان آبی رنگ است؟ خورشید ناچه جلد داغ است؟ علت تغییر فصول چیست؟ چرا در زمستان در حاده های یخ رده تمک می پاشند؟ ... و یاد در خانه چنین سؤال هایی برایشان ایجاد شود: چرا در آینه تصویر خودمان را می بینیم؟ چرا برای شستن لباس مواد شوینده به کار می بریم؟ چرا برای پختن کیک از پودر شیرینی پزی استفاده می کنیم؟ چرا ... دو کتاب علم در خانه و علم بیرون از خانه با هدف پاسخ دادن به این گونه پرسش ها تنظیم شده است. زبان ساده به تصاویر رنگی همراه با آزمایش های عملی از ویژگی های برجسته ی این دو کتاب است. اما آنچه کتاب ها را از امتیاز بیشتری برخوردار می سازد، ترجمه ی شیوا، روان و دقیق آنها است که توسط یکی از با تجربه ترین مؤلفان و مترجمان کتب درسی و آموزشی به عمل آمده است. توجه شما را به پاره ای از عبارات کتاب علم بیرون از خانه که با عنوان آبا می دانید؟ آمده است جلب می کنیم.

- درخشندگی قطعه ای از سطح خورشید، به اندازه ی ناخن شست شما. در حدود ۲۰۰۰۰۰۰ شمع است.
- یک اتومبیل در هر سال چهار برابر وزنش کربن دیوکسید (CO_2) از خود بیرون می دهد.
- یک شبانه روز در سیاره ی مشتری ۹/۹ ساعت، در زمین ۲۴ ساعت و در سیاره ی زهره ۲۴۳ شبانه روز یا ۵۸۳۲ ساعت است.
- اگر ابر به هوای گرم تر برسد تبخیر و ناپدید می شود و اگر به هوای سردتری برسد قطره های موجود در آن منجمد شده به صورت برف می بارد.
- صدها روستای دور افتاده در کشور مغولستان برق لازم برای تلویزیون هایشان را از توربین های بادی می گیرند.
- دورترین سیاره از زمین سیاره ی پلوتو [در منظومه ی شمسی] است. اما نزدیک ترین ستاره به زمین بروکسیما قنطورس است که در حدود ۷۰۰۰ برابر دورتر از سیاره ی پلوتو است. نزدیکترین سیاره به زمین سیاره ی زهره است که فاصله ی آن از زمین در حدود ۴۱/۳۶۰۰۰ کیلومتر است.

شرح واژه‌های

شرح صرفی و اشتقاقی پاره‌ای از واژه‌های دشوار فارسی اول
راهنمایی

آباء (ع ب و) : ۱- پدران : جمع آب ۲- در اصل ابو بوده است
که حرف عقه بعد از الف به همزه تبدیل می‌شود ۳- آب در اصل
«ابو» بوده است.

ائمه (ع م م) : ۱- جمع امام : پیشوا ۲- جمع ورن افعاله در
اصل بوده است : «آئمه» که حرکت میم اول را به همزه می‌کنند
می‌دهیم و دومین میم را در هم ادغام می‌کنیم : مشتقات : ائم، ائمه،
ماؤم، امام، ائمت، امهات، ائمی، ائمل (ام + ال محقق ام السلامه و
امثال آن است) اصطلاحاً یعنی کسی که به آداب تمدن آئمه است و
بیشتر در مورد زنان گفته می‌شود.

ارانه (و ع ی) : ۱- نشان دادن ۲- ورن افعال است : مشتقات :
رویت، رأی، مرضی، مرآت ریه (رئی)، مرآت (رپا کردن)، مرآتی
(رپا کار)، رؤیاء، رأیت ریه.

ازدحام (ز ح م) : ۱- اسوهی ۲- هرگاه واء الفعل دال یا دال یا راه
باشد در باب افعال تاء به دال تبدیل می‌شود : ازدحام به ازدحام یا
ازتواج به ازدواج : مشتقات : زحمت، مزاحمت، مزاحم، زحام و
زاحم (البوهی کردن)

استثنا (ث ن ی) : ۱- جدا کردن ۲- در اصل استثنای و ناقص یابی
است : مشتقات : ائت (جمع ثنی میانه‌ها) ثناء، اثنان، ثانی، ثنوی،
مثنی و مثنی (دو تا کننده) اصطلاحاً در معاجمت و ادبی استثناء
مثنی

استعالت (م ی ل) : ۱- دلجوئی ۲- ورن استعلاء در امور

علم صرف در پیرامون اصل کلمات و اشتقاق آنها به طور کلی
قواعد و خصوصیت‌های کلمه بحث می‌کند؛ دانستن این قاعده‌ها
برای هر فارسی‌زبان ضروری است، چه آنکه در آمیختگی زبان
فارسی با عربی از نوع ارتباط عادی زبان‌ها یا یکدیگر نیست بلکه به
علل گوناگون در طی قرن‌ها، این زبان با زبان عربی سخت در آمیخته
است. لذا چه از نظر دریافت معانی کلمه‌ها و چه از جهت مهارت
یافتن در املائی آنها، ناگزیر باید هر فارسی‌زبانی به صرف عربی
آشنا گردد.

مشکل‌ترین قسمت صرف مربوط به کلماتی که حرف عقه دارند
و بعد از آن واژه‌هایی که مهموز یا مضاعف اند؛ به همین منظور و به
حاطر حل این مشکل نگارنده سعی کرده یک بررسی پیش‌پیش
واژه‌ها را از کتاب فارسی اول استخراج و آنها را به صورت حروف
الفبا تنظیم کند؛ و از چند لحاظ مورد بررسی قرار دهد؟

۱- جلوه هر واژه ریشه‌ی آن نوشته شده است.
۲- معنی یا معانی متعدد هر واژه نوشته شده است.
۳- جایی که ضرورت داشته است نوع دستوری کلمه گفته شده
است.

۴- مشتقات (هم خانواده‌ها) هر واژه نوشته شده است.
۵- معانی مشتقاتی که لازم بوده است در پراکنش نوشته شده است.
۶- اصل واژه‌ی مداخل و بعضی از مشتقات پیر اصل آنها در
پراکنش گفته شده است.

۷- هر جا لازم بوده است توضیح صرفی داده شده است.
۸- ورن واژه‌هایی که لازم بوده است آمده است.

درفارسی اول^۳

تیمور رضایی

(معاینه) معنی (اسم مفعول از اعتنا، توجه شده، این واژه را به صورت متناوبه می نویسند که غلط است، بیشتر با «به» همراه است، معنایه: قابل توجه)

تلاکو (ل ل و): ۱- درخشندگی ۲- بر وزن فعلیل، ریشه ی آن رباعی مجرد است. مشتقات: لؤلؤ، لآلی، لالا، متلائی

تقوا (و ق ی): ۱- پرهیزگاری ۲- بر وزن فعلی در اصل وقی ← تقی ← تقوا. برای سهولت تلفظ واو را به تاء تبدیل می کنند چون وراث ← ثراث و قلب یاء به واو وقتی بر وزن فعلی باشد چون فتی ← فتوی، مشتقات: وقایه، وافی، تقی، تقیه، تقی (وفیو ← تقیو ← تقی) متقی (موتقی) اتقا (اوتقای)

تکیه (و ک و): ۱- پشت به چیزی دادن، پشت و پناه، جایی برای روضه خوانی و عزاداری ۲- بر وزن تفعله در اصل توکشه مشتقات: تکایا، اتکا (اوتکاء) متکا، متکی (مونکی)

تماس (م م س): ۱- یکدیگر را لمس [لمس] کردن، ارتباط ۲- بر وزن تفاعل در اصل تماسس که دو سین در هم ادغام شده اند مشتقات: مساس (لمس کردن) امساس (لمس کردن) مماس (مماسس)

تماشا (م ش ی): ۱- با هم راه رفتن، دیدن مناظر و گردشگاه ها، گردش ۲- این کلمه ساخته ی فارسی زبانان است. در اصل بر وزن تفاعل و باید تماشی بشود که «ی» ماقبل خود را مکسور می کند و می شود تماشی، مشتقات: مشی (راه رفتن) ماشی، مواشی (چهارپایان) مشاء، تمشیت (راه بردن) معاشات (مماشیه، مدارا)

استمایل که حرف عله حذف می شود و در عوض یک «ت» به آخر اضافه می شود. مشتقات: میل، میلان، مایل، اماله (امیال) ممال (معیل) تمایل، متمایل، مستمال (مستعیل)

اصابت (ص و ب): ۱- درست آمدن، به نشانه خوردن ۲- بر وزن افعال در اصل اصواب. مشتقات: صوب (باریدن، جهت) صواب، مضیّب (مضوب) مضاب (مضوب) تصویب، مضوب، مضوب، مضیّب ۳- لازم به یادآوری است که در مصدر اجوف باب افعال و استفعال پس از این که عین الفعل به جهت اجرای قواعد اغلال حذف شود به حای آن یک «تاء» در آخر آورده می شود. مانند: اقامت و استقامت ۴- یادآوری این نکته نیز لازم است که: واژه «مسیب» را که معمولاً بصورت «مضیّب» می نویسند غلط است زیرا «مسیب» اسم فاعل از مصدر تسیب و ریشه سیب به معنی رها کردن است.

اصطلاح (ص ل ح): ۱- در اصل صلح کردن، لغتی که در جمعی، برای معنی خاص وضع شده است. ۲- هرگاه فاء الفعل باب افتعال صاد یا ضاد یا طاء باشد تاء باب به طاء تبدیل می شود، مانند ضرب ← اضرب ← اضطراب، طرد ← اططراد، اطراد، ظلم ← اضلام ← اضطلام ۳- مشتقات مهم: صلاح، مصلحت، مصلح، مصطلح و... ۴- اطلاع هم بر همین وزن است چون ریشه ی آن طلع می شود و تاء افتعال هم به طاء تبدیل می شود دو طاء در هم ادغام می شوند: طلع ← اضلاع ← اصطلاح ← اعتلا (ع ن ی): ۱- توجه داشتن ۲- بر وزن افعال در اصل اعتلای که حرف عله بعد از الف به همزه تبدیل می شود. مشتقات: عنایت، معنی (معنوی) یعنی، عنا (رنج) اعتات (به رنج افکندن) معائنات

توام (ت و م): ۱- هم شکم، همراه ۲- بر وزن فاعل و مشتق آن
توامان (دو تا همراه) است.

توصیه (و ص ی): ۱- سفارش کردن ۲- بر وزن تفعیل
مشتقات: وصیت، وصی، اوصیا، ایضا (اوصای)

نوطه (و ط ه): ۱- آماده کردن، مقدمه چینی، تسبیح ۲- بر
وزن تفعیل است. مشتقات: وطات (کو فتگی) و طاء (گسترده)،
وش (ایضا) (اوطای، پامال کردن) مو اطات (مو افقت کردن) و اطوی،
مواطی، و طی.

جاه (و ج ه): ۱- مقام، درجه، حلال، شکوه ۲- جاه در اصل
وجه بوده است بر وزن عقل که طین قلب مکانی جای او او و حرف
جیم عوض شده است. وجه جوه - جاه مانند وجد، خود، جادی
۳- مشتقات: وجه، وجوه، وجهه، توجیه، موجه، مواجیه،
توجه، متوجه، جهت (در اصل وجه که او او حذف و در عوض
ت به آخر اضافه شده است) وجیه

حاشیه (ح ش ی): ۱- کناره، مرز، طرف ۲- بر وزن فاعله،
مشتقات: نحشیه، نحشی (حاشیه شده)، حاشا (هرگز، مبادا)
محاشات (استثنا) تحاشی (دوری جستن) متعاشی (دور شونده)

حال (ح و ل): ۱- کیفیت چیزی، وضع، اکنون ۲- در اصل
حول بوده است که او او به الف تبدیل شده است. مشتقات: حول
(پیرامون، قدرت) حول (لوجی) احول، حائل، حالت، حواله،
احاله (احوال) محال (محول، نادرست، غیر ممکن) تحویل،
محول، تحول، منحول، استحاله (استحوال، دگرگونی) مستحیل
(مستحول) محیل (محول، حواله دهنده، حیل، گم) احیال، حیلت
(حیولت)

خج (ح ج ح): ۱- دلیل، پیشوا، مدبر ۲- بر وزن فاعله،
مشتقات: حج، محاجه، احتجاج، محجّه، (راه راست)

دایر (د و ر): ۱- گردنده، آباد، رایج، وابسته ۲- بر وزن فاعل
در اصل دایر بوده است. مشتقات: دایره (داویره) مدار (مدور) اداره
(ادوار) مدیر (مدور) مدور، مستدیر، دار (دور) دایر (خاله ها)

دقت (د ق ق): ۱- باریک بینی، توجه کامل ۲- بر وزن فاعله،
مشتقات: دق (کوبیدن، آرد کردن) دق (نوعی پارچه) دق (نوعی
مرض، سل) دقیر (باریک، آرد، هر ذره آرد) دق (دقیق تر) تدقیق،
مذاقه.

سقا (س ق ی): ۱- آب دهنده ۲- بر وزن فاعل مشتقات:
سقاء، استسقا، مستسقی

سنت (س ن ن): ۱- راه، روش، مستحب مقابل واجب، گفتار
و کردار و تقریر معصوم، روش عملی پیغمبر (ص) ۲- بر وزن فاعله،
مشتقات: سن (عمر، فسادن) سنن، سنون (وارد شده در سنت،
معنی دیگر، مانده و گذشته) سنال (تیره، اسه جمع) سن (سگ
چاقو تیرگی استن)

سبب (س و د): ۱- سرور، آقا، آن که از اولاد حضرت
محمد (ص) باشد ۲- بر وزن فاعل و در اصل سبب بوده است که
طبق قاعده رفتی حرف او او و «باء» کنار هم نشد و اولی متکسر
باشد او او به «باء» تبدیل می شود و مشتق می شود مثل

سوم - ایام - آیام ۳- مشتقات: سبادت (سمادت) سواد
(مباهی، بوالهی خوالدن و نوشن) اسود، سواد، سوبد، مسود
طی (ط و ی): ۱- در بوردیدن، پیچیدن ۲- در اصل طوی که

او او به «باء» تبدیل شده است. مشتقات: طویت (بیت، اندیشه)
مطوی (جمع مطوی: در بوردیده) اطوا (پیچیده شدن) مطوی

طراوت (ط ر و): ۱- تری و تازگی و شدایی ۲- بر وزن فاعلت
مشتقات: طری (شاداب) مطر (اسم مفعول نظریه تر و تازه، شاداب)
عافیت (ع ف و): ۱- ننداشتنی ۲- بر وزن فاعل در اصل بوده
است عافو. مشتقات: معفو، اعفاء، معاف (معاف) استعفاء، معافی
(معاف)

علی (ع ل و): ۱- بلند قدم، شریف ۲- بر وزن فاعل بوده است
«علی» که طبق قاعده گفته شده بصورت علیی در آمده است
مشتقات: علاء عالی (عالی) علی (علی) اعلی، معالی، اعلا،
معنی: تعالی (تعالو) متعال (متعالو) اعتلا، امتعلا، علاو

عبادت (ع و د): ۱- دیدار از بیم ۲- بر وزن فاعلت که عبادت
بوده است. مشتقات: عابد (عبد) عابد (عبود)، معاد (معبود)،
اعادت (عبود) معبد (معبود، تکرار کننده) معامد، عادت (عبودت)
اعتباد (اعتواد)، معناد (معنود)

قصه (ق ص ص): ۱- حکایت، داستانی ۲- بر وزن فاعله،
مشتقات: نقص (نقصص) قصاص، قصص (استحسان معینه)

قافیه (ق ف و): ۱- از پی رویده، کلمه ای مقفوف که در پایان
مضارع هایا ابیات قرار می گیرد و حروف آخرشان یکی است.

مشتقات: فغا (پشت گردن) مُقَفَى، افتغا (پیروی) مفتفی

قُلَّة (ق ل ل): ۱- سر کوه، بالای هر چیز ۲- بر وزن فَعْلَه، مشتقات: قَلَّت، قَلِيل، اَقْل، مَقَل (قَبِر) تَقْلِيل، استقلال، مستقل قنات (ق ن و): ۱- چاه‌هایی که از زیر زمین به هم راه دارند و آب آن را به مزارع برسانند، کاریز ۲- مشتقات: مُقَنَى (از تقنیه) چاه کن، افتنا (جمع کردن) قَنَو (خوشه خرما)

قیام (ق و م): ۱- ایستادن ۲- بر وزن فَعَال در اصل قوام، مشتقات: قوام (راستی) قِیم (قیوم) قایم مقام (مقوم) اقامت، مقیم (مقوم) تقویم، استقامت، قیمت (قومت) و ...

کُره (ک ر و): گوی، زمین ۲- در این کلمه «واو» حذف و «هاء» به جای آن آمده است. از این نوع است: لُغو ← لغت، سَو ← سته، کُرَات جمع و کُرَوی مسوب به کره

کفایت (ک ف ی): ۱- بس کردن، لیاقت، قدر احتیاج ۲- مشتقات: کافی، کُفَاة، مَکفی، مکافات، اکثفا

محتاج (ح و ج): ۱- نیازمند ۲- اسم مفعول از احتیاج اصل محنوج. مشتقات: حاجت، مایحتاج و حوائج

مُدَارا (د ر ی): ۱- مهربانی ۲- بر وزن مفاعلة اصل آن مداریه مشتق، درایت، دانستن، دریافتن

مَرَمَت (ر م م): ۱- تعمیر کردن، اصلاح ۲- بر وزن مفعلت ۳- مشتقات: ترمیم، رمیم (استخوان پوسیده)

مَرُوْتُ (م و ء): ۱- جوانمردی ۲- در اصل مَرُوْتُ بوده است که برای سهولت تلفظ به واو تبدیل شده است مانند مَوْرَخ ← مورخ مَزَار (ز و ر): ۱- زیارتگاه، آرامگاه ۲- اسم مکان بر وزن مفعَل (مزور) ۳- زور (دروغ، باطل) تزویر و مزور هم از این ریشه یا معنی متفاوت است. مشتقات: زیارت (زوارت) زَوَار، زائر (زاور)

مستمر (م ر ر): ۱- دایم، همیشه ۲- بر وزن مستعمل در اصل مستمر اسم مفعول از استمرار. مشتقات: مَرور، مار (مرور کننده) مَرَر، امرار، مرارت، مَر (تلخ)

متوفی (و ف ی): ۱- آنکه تمام حق خود را بگیرد، محاسب عواید مالیاتی ۲- بر وزن مستعمل اسم فاعل از استیفا (استوفای) مشتقات: وفا، وافی، ایفا، وفات، متوفی ۳- این کلمه با «قوت» از یک ریشه نیست.

مُشَام (ش م م): ۱- بینی ۲- در اصل جمع و بر وزن مفاعل است

و مفرد آن مُشَم (مشمم) می باشد. در فارسی مفرد و بدون تشدید و در عربی جمع است. مشتقات: شَم (بوییدن، ادراک) شامَه، مشوم، شَمَه (کمی) شمیم، شَموم (خوشبو) استشمام ملایم (ل م م): ۱- موافق، مناسب، آهسته ۲- مشتقات: لُوم و لثامت (پسینی) لثیم، لثیام، ملتثم

مُمَنَّا (م ی ز): ۱- برجسته، عالی ۲- اسم مفعول از امتیاز در اصل متمیز. مشتقات: تمیز، مُمیز، تمایز، متمایز مُمَنَّد (م د د): ۱- کشیده شده، طولانی ۲- اسم مفعول از امتداد در اصل ممتدد. مشتقات: مَدَّ (کشیدن) مدید، ممدود، تمدید، امداد، استمداد، مَدَّ، مِدَاد، مَلَّت، مادَه (مایه)

مُجَرَّر (ج ر ر): ۱- کشیده شونده، کشیده، انجامیده، منتهی شونده ۲- اسم مفعول از انجرار در اصل منجرر، مشتقات: جَرَّ (کشیدن) جَارَّ (جر دهنده) جَرَّار (انبوه) مَجَرَّد (کهکشان) جریره (گناه)

مَهَب (ه ی ب): ۱- ترسناک، باشکوه ۲- بر وزن مفعَل. مشتقات: هبیت، مهابت، هائب (ترساننده)

مَوْسَم (و س م): ۱- هنگام، وقت، مَوَاسِم جمع ۲- اسم زمان بر وزن مفعَل. مشتقات: وسم (نشان کردن، داغ نهادن) سمت (علامت در اصل وسم) سِمَات (جمع وسم) وسمَه (نام گیاهی) وسم (زیبایی) موسوم ۳- در این که واژه «اسم» اصل آن چیست سه نظر وجود دارد: ۱- از سمی، یمسی یعنی ناقص یابی ۲- از وسم، یوسم چون علامت برای سَمَای خود است ۲- از سَمُو به معنی بلندی به جهت استقلالی که بر حرف و فعل دارد. و این نظر صحیح تر است چون «واو» از آخر آن حذف و در عوض همزه به اول اضافه شده است مثل «بَنُو» این «اگر از وسم می بود می باید می شد سمت مانند وصف» صفت

مهندس (ه ن دس): ۱- اندازه گیرنده، مشخص ایجاد طرح های کارهای ساختمانی ۲- این واژه از هندسه که معرب اندازه فارسی می باشد گرفته شده است.

مَرَج و مَرَج: فتنه و فساد، بی نظمی، از هَرَج به معنی فتنه و آشوب و مَرَج به معنی آمیختن و درهم و برهم کردن است. مَرَج به معنی چراگاه نیز می باشد.

در کتاب فارسی سوم راهبنمای، دانش آموزان درسی می خوانند با عنوان «نامه ای به دوستی درد آشنا». که نوشته ای است از شادروان دکتر محمود صناعی. این درس در فصل «اخلاق» قرار گرفته و هدف از آن البته آموزش اخلاق است ولی فراتر از اخلاق در کتاب های «اندروز نامه ای»؛ در حقیقت اخلاق اجتماعی و به عبارتی رفتار صحیح اجتماعی را مدنظر دارد. دکتر محمود صناعی (متولد اراک ۱۲۹۸ متوفی لندن ۱۳۶۲) مردی فرهیخته و علاقمند به تعلیم و تربیت اجتماعی بود و در این راه مقالات بسیار نوشت و کتاب «آزادی و تربیت» او از کتاب های مفید در این زمینه به شمار می رود. ما به خاطر آشنایی بیشتر دبیران فارسی با نوشته های دکتر صناعی مقاله ی «تربیت و اقتصاد» او را که از نظر محتوا ارتباط نزدیکی با درس «نامه ای به دوستی درد آشنا» دارد در اینجا نقل می کنیم.

رشد

تربیت و اقتصاد

تربیت یعنی ایجاد تغییرات مطلوب در افراد. معمولاً عمل تربیت برای ایجاد تغییرات مطلوب مربوط به سلسله ای است هر چند ممکن است اجتماع در تربیت گروه غیر جوان نیز کوشش کند. وقتی مادری به فرزند خود یاد می دهد که خود را پاکیزه نگه دارد یا پندری سازی تازه ای را به پسرش می آموزد، وقتی پلیس راهبها از رادیو و تلویزیون به مردم شیوه ی صحیح رانندگی را نشان می دهد، همه به تربیت افراد اقدام می کنند. می توان گفت هر کس که سعی کند در دیگری به نفع خود او نفوذ کند و تغییری ایجاد نماید به تربیت او اقدام کرده است. اینجا تربیت از تبلیغ جدا می شود زیرا در تبلیغ، تبلیغ کننده نفع خود را در نظر دارد و حال آن که مربی، تربیت شونده را به نفع خود او تربیت می کند.

عمل تربیتی به مراتب از آنچه در مدرسه گرد آمده است بیشتر است. تلویزیون و رادیو و روزنامه و مجله همه می توانند عوامل تربیتی باشند. گفتم «می توانند» زیرا وقتی انگیزه ی سودجویی این وسایل را

فارسی

تربیت و اقتصاد

دکتر محمود صناعی

به کار گمارد، نتیجه ی آن ممکن است ایجاد تغییر در افراد باشد ولی تربیت نباشد و حتی در بعضی موارد در جهت خلاف تربیت باشد. اما از اقتصاد منظور من کوششی است که افراد در راه ایجاد و توزیع ثروت می کنند و منظور من از ثروت هر منابع یا کار و خدمتی است که یکی از احتیاجات اساسی آدمی را بر آورد. بسیار این کسی که زغال را از معدن بیرون می آورد و آن دیگری که گندم می کارد و درو می کند و آن سومی که وسيله می شود زغال از پشت کوه به ده باید و گندم از ده به معدن زغال برود، همه تولید ثروت می کنند زیرا متاعی که تولید کرده اند و کاری که انجام داده اند احتیاجات اساسی عده ای را بر آورده است. پس اقتصاد کوششی است که در راه بر آوردن احتیاجات اساسی افراد از راه تولید ثروت و توزیع آن می شود و پیدایش بدون تولید گندم و کشتن قند و ساختن خانه احتیاجات اساسی افراد بر آورده نمی شود.

آنچه در این گفتار مورد بحث من است رابطه ای بین تربیت و اقتصاد است. برای روشن شدن مطلب داستان زیر را در نظر بگیرید. پنج نفر بازن و فرزندان خود به زورقی سوار می شوند تا از دریا بگذرند و به کشور دیگری مهاجرت کنند. یکی از آن میان طیب است و یکی کشاورز و یکی سبّ و یکی شکارچی و یکی معلم دانشگاه. در راه دچار طوفان می شوند و راه را گم می کنند. موج آنها را به جزیره ای خالی از سکنه می اندازد و ناچار می شوند فرود آیند و چون آب و هوای آنجا مناسب می یابند تصمیم می گیرند همانجا مقیم شوند. فرصت کنیم این پنج نفر همه ی وسایل کار خود و انواع آلات و ابزار را همراه دارند. اول کاری که می کنند کمک کمک سبّ برای خود جالسه ی موئی می سازند تا از باد و باران در امان باشند. آن گاه دو سبّ را به شکار می فرستند تا تهیه ی غذا کنند. وقتی که خانه ی موقت ساخته و ذخیره ای از غذا اندوخته شده کمک کشاورز گندم می کارند تا نان سال آینده ی آنان تأمین شود. در ضمن به فکر آن می افتند که به فرزندان خود نیز کاری بیاموزند. دوستی از فرزندان خود را زیر دست سبّ و نجار می گذارند تا این هنر را بیاموزند. سه تن دیگر را به کمک کشاورز به کار می گمارند تا در این حلقه اشتاد شوند. پنداست اگر معلم دانشگاه بخواهد همه ی کودکان را جمع کند و به آنها مثلاً علم «بدیع» بیاموزد به او اعتراض خواهند کرد که تا کارهای اساسی نکرده مانده است به کارهای تعلیمی نباید پرداخت. تربیتی که برای فرزندان آنها لازم است تربیتی است که بیارهای اساسی آنها را بر آورد. در این مرحله فرصت پرداختن به علم عروض و بدیع نیست. کشاورزی و شکار و قطع درختان باید آموزش تا ادامه ی زندگی ممکن شود.

فرصت کنید معلم دانشگاه به مخالفت برخاست و گفت کودکان را نباید به کار بگمارد بلکه باید آنها را هر روز در مرکزی جمع کنید تا به آنها عروض و قافیه و تاریخ مغول و معتققات شعراء بیاموزم. بدیهی است به او خواهند خندید و تم جهی خواهند کرد. راه دیگر از فرزندان آنها مثل یک موبند بیروست. باید از آن جدا داشت. استفاده

بشود و آموختن تاریخ مغول تربیت مناسب برای آنها نیست. نه تنها آموختن این دانش ضروری نیست بلکه چون آنها را از کارهای واجب تریازی دارد زبان آوز است. پیداست اشتغال به آموختن عروض و قافیه وقتی که هنگام درو گندم است ممکن است موجب تباهی قوت آن جمع شود و نه تنها واجب و مستحب نیست بلکه حرام است. به اغلب احتمال ساکنان جزیره که مردم معقولی هستند اختیار فرزندان خود را به دست معلم دانشگاه نخواهند داد و خود او را نیز وادار خواهند کرد که مدتی عروض و قافیه را کنار بگذارد و آستین بالا زند و به کشاورزی و بنایی بپردازد. اما عمل تربیت توسط دیگران که معلم دانشگاه نیستند ادامه خواهد یافت. کشاورز ضمن کار به جوانان کشاورزی می آموزد و بنا هنر خود را به عده دیگر یاد می دهد. در این جزیره هر یک به کاری مشغول است و همکاری همه موجب می شود که زندگی همه بگردد. آنچه پیدا می کنند به تناسب احتیاجات بین خود تقسیم می کنند. یکی از اصول ابتدایی اخلاق که ناچار در میان آنان حکومت خواهد کرد این است که کار ناکرده نان نمی توان خورد و زشت است که کسی در آفتاب دراز بکشد و شعر بگوید و منتظر شود که دیگران نان او را تأمین کنند.

در این اجتماع فرضی گویم تربیت با اقتصاد هماهنگ است یعنی اگر خانه سازی تمام شد، به شاگرد بنا کشاورزی نیز خواهند آموخت تا حد اکثر استفاده را از وجود جوانان خود کرده باشند. به تدریج که عده ای جمعیت این اجتماع زیاد شود و اختلاف و دعوی در میان آنها پدید آید ممکن است مثلاً معلم دانشگاه هر شب ساعتی را صرف حل و فصل دعاوی کند و شغل قضاوت را برعهده گیرد و روزها به کارهای مولد ثروت خود ادامه دهد. اما پیداست اگر او بخواهد همه روز بیکار در آفتاب بنشیند که من دیوان کشور جزیره ام، دیگران او را آگوشمالی خواهند داد و سهمی از نان و آب و خانه به او نخواهند داد. گفتم تربیت با اقتصاد هماهنگ است چون در این جزیره مردمان باروش استاد و شاگردی انجام دادن کارهای واجب را به فرزندان خود می آموزند و به هیچ کس اجازه نمی دهند به کار غیر واجب بپردازد. آموختن معانی و بیان عربی و جبر ماتریکس که در اجتماع دیگر ممکن است مفید باشد در این جزیره ممنوع است. پیداست وقتی به انتخاباتی در کار است نه قوایی و نه انفصال قوایی، آموختن حقوق اساسی به کودکان این جزیره نیز کار بیهوده ای است.

اجتماعی که وصف کردم کاملاً فرضی و خیالی نیست و نظایر آن در تاریخ بشر بوده است. مردم کشورهای متحد امریکای شمالی سیصد سال پیش از این وضعی شبیه به آن داشتند. عده ای از اروپا مهاجرت کردند و به آن سرزمین وسیع و دست نخورده رفتند. پیداست می بایست کوشش ابتدایی آنها صرف کشاورزی و ساختن خانه و استخراج معدن و رام کردن طبیعت می شد و فرزندان خود را تربیت می کردند تا برای رفع این احتیاجات اساسی آماده شوند. تربیت با اقتصاد هماهنگ بود و در نتیجه این مردم نورسیده توانستند

در ظرف سیصد سال کشوری چنان ثروتمند سازند که در تاریخ بشر نظیر نداشته است. برای آنها مطالب اساسی و ابتدایی زندگی مطرح بود و فرصت پرداختن به تفنّنات و تجمّلات زندگی را کم داشتند. اگر امروز یکی از اهالی جزیره ی سیسیل مثلاً به یک امریکایی بگوید شما شعر و سرود و نقاشی و موسیقی کم دارید او جواب خواهد داد شما هم خانه ی سالم و پاکیزه و غذای کافی و صندلی راحت و مزارع وسیع و آباد و افراد سالم و پرورده کم دارید. این که کدام یک از این دو مهتمتر است همیشه مسئله ی فوق شخصی نیست. شاید سوء ظنی که حتی امروزه در تمدن امریکایی نسبت به شاعر و هنرمند و متفکر «بیکاره» موجود است ناشی از اهمیت فوق العاده ای باشد که به اقتضای زندگی و محیط خود برای کارهای اساسی ابتدایی قائل شده اند. نمی توان به آنها ایراد کرد اگر نمی پسندیده و روا نمی داشته اند که وقتی همه به کشاورزی و قطع درختان و سد سازی و کارهای مشکل دیگر مشغول بوده اند، بعضی در اتاق راحت بنشینند که ما شاعر یا مدیر کل یا سفیر یا روزنامه نویسیم.

بنابر آنچه گفته شد روشن می شود که اجتماعی که کارهای اساسی ناکرده بسیار دارند ناچارند دستگاه تربیت خود را با مقتضیات اقتصادی خود هماهنگ کنند و الا کارهای اساسی همچنان ناکرده خواهد ماند. مثلاً در کشورهای پیشرفته ممکن است فیزیک فضایی جزء نیازمندی های اساسی باشد اما همین کار در کشوری که هنوز فرمول آسفالت کردن راه و خیابان را نیاموخته است کار زاید و تفتنی است. در اجتماعی مثل فرانسه که پیشوای هنر و فرهنگ جهان بوده است مسلماً صحیح است که بودجه ی هنگفتی را صرف تشویق موسیقی و هنر کنند. اما همین کار در اجتماع دیگری که مثلاً هفتاد درصد مردمش خواندن و نوشتن نمی دانند کاری در درجه ی دوم اهمیت است. ممکن است اجتماعی چنان در علم پیشرفته باشد که عده ای وقت داشته باشند به تحقیق در گرامر زبان سومری بپردازند و یا راجع به تنوع اسم شتر در زبان عربی رساله ی دکترای بنویسند. اما این کار در اجتماعی که هنوز نمی داند چگونه دستور زبان خود را به کودکانش درس دهد تفنّن و تجمّلی بیش نیست.



اسلام

و حقوق مشترك انسان ها

محمد برقی*

حلو گیری کند و رودها و راههایی برای شما قرار داد تا راه یابید.
(نمل، ۱۵)

از آیات بالا و آیه های نظیر آنها در قرآن استفاده می کنیم که همه ی افراد انسان حق بهره برداری از آب و غذا و میوه و رودخانه ها، کوه ها، راه های خشکی و دریا، معنی ها، منابع زیرزمینی، کنار، آسایش، شب، گرفتن همسر، داشتن مسکن و غیره دارند. سبب ترتیب همه باید از همه ی مواهب الهی استفاده کنند و این نعمت ها در انحصار افراد یا طبقات معین آفریده شده است.

در روایات و احادیث معصومین و دیگر پیشوایان اسلام بسیار از این گونه مطالب زیاد وجود دارد. مثلاً حضرت علی (ع) می فرماید: هر جنبنده ای که نفس می کشد و رمقی از زندگی دارد حق استفاده از غذا دارد. و در جای دیگر نیز فرموده است: هیچ نیازمندی گرسنه نماند جز به خاطر بهره ی فراوانی که ثروتمندان انباشته اند. هیچ جا ثروت فراوانی ندیدم جز این که در کنار آن حق بر باد رفته ای وجود داشت.

فقر در اسلام به شدت مقرر و محکوم شده است. به این معنی که اسلام وجود بیچارگی و نیازمندی را در جامعه ی اسلامی امضا نمی کند و می خواهد که برای ریشه کن کردن فقر با جدیت تلاش شود. پس می توان گفت: جامعه ی فقیر نمی تواند یک جامعه ی اسلامی باشد زیرا انشای آن است که مردمش اهل کار و کوشش و ربح و زحمت نیستند. حضرت علی (ع) می فرماید:

«اگر فقر به صورت انسانی در پیش روی من محسم می شد او را از پای در می آوردم.»

یعنی باید فقر را ریشه کن کرد.

ابودر غفاری صحابی پیغمبر اسلام و تربیت شده ی این مکتب می گفت: «در شگفتم از کسی که در خانه ی خود حورای ندارد و با وجود این با شمشیر کشیده علیه آنان که حقش را چپاول کرده اند خروج نمی کند.»

اسلام اختلاف استعداد و قدرت بدنی و امکانات محقق را که باعث اختلاف ثروت می شود زمینه ای برای برابری از میان نمی داند.

اسلام دینی است که بیش از همه ی ادیان به انسانیت انسانها احترام گذاشته و حقوق مشترک آنها را رعایت کرده است. این مطلبی است که هر شخص منصفی به آن اقرار دارد، حتی اگر مسلمان نباشد. اما دلیل ما بر این حرف خود آیات قرآن و کتاب های اسلامی است. ما در این مقاله به بعضی از آیات قرآن و نیز مطالب دیگری که در کتاب هایی مثل نهج البلاغه آمده است نظری می اندازیم تا ببینیم حقوقی که اسلام برای همه ی انسان ها قرار داده است چیست:

- اوست که همه آنچه را که در زمین است برای شما آفرید.
(بقره، ۲۷)

- زمین را برای مردم قرار داد. (الرحمن، ۹)
- برای شما در روی زمین معیشت و زندگی قرار دادیم.
(حجر، ۲۰)

- بادهای بارورکننده را فرستادیم و از آسمان آبی فرو فرستادیم تا شما را سیراب سازیم. (حجر، ۲۱)
- خدا برای شما مقرر کرده است که خانه هایی برای آرامش و آسایش داشته باشید. (نمل، ۸۲)

- اوست که شب را پوششی برای آرامش شما قرار داده و خواب را برای آسایش شما و روز را برای حرکت و تلاش شما قرار داد. (فرقان، ۴۹)

- خداست که دریا را آرام شما کرد تا از آن گوشت تازه بگیرید و بخورید و ربواری که خود را بدان می آریند بیرون آورید و می ببی که کشتی ها امواج را می شکافند و پیش می روند تا از مسافرت ها و راه های دریایی بهره و سود ببرید تا خدا را سپاسگزار باشید. (نمل، ۱۴)

- ما آدمیان را بزرگ داشتیم و آنان را در خشکی و دریا پر داشتیم و از روزی های پاکیزه دادیم (اسراء، ۷۲)

- یکی از نشانه های قدرت و لطف الهی آن است که از حسن خود شما برای شما همسرانی آفرید تا در پناه همسران آرامش پیدا کنید و بین شما دوستی و صفا قرار داد. (روم، ۲۰)

- خدا در زمین کوه های استواری قرار داد تا از اضطراب زمین

عقب ماندگان تلاش کنند و پیش افتاده ها به فکر دیگران باشند. در سوره ی مانده می خوانیم: اگر خدا می خواست شما را مثل هم قرار می داد اما تا شما را در آنچه که بهره مند کرده بیازماید شما را آفرید. بنابراین در کارهای خیر بر یکدیگر سبقت بگیرید. بازگشت همه به سوی خداست و خدا درباره ی آنچه که در آن اختلاف داشته اید خبر خواهد داد.

در هر حال اسلام برای همه حق مساوی قائل است. حضرت علی (ع) هم می فرماید: بدانید که مردم پیش ما یکسانند.

به جرأت می توان گفت هیچ یک از رهبران صدر اسلام مثل حضرت علی (ع) از حقوق عام و مشترک انسانها دفاع نکرده است. در اولین روزهایی که مردم با اصرار، حضرت علی (ع) را به پذیرفتن خلافت و حکومت خواندند، آن حضرت سخنانی فرمود که هنوز هم برای ما عبرت آموز است: مردم! مبادا فردا کسانی از شما که در عیش و نوش دنیا غوطه ور شده اند و برای خود املاک و آبادی هایی گرفته و نهرها درآورده اند و بر اسب هایی تیزرو سوار شده اند و برده و غلام گرفته اند، وقتی که من آنها را از این همه نعمتی که در آن غرق شده اند بازداشتیم بگویند: فرزند ابیطالب حقوق ما را پایمال کرد! آگاه باشید هر کس از مهاجرین و انصار اصحاب رسول خدا که برای خود نسبت به دیگران به خاطر درک محضر پیغمبر فضیلتی قائل است باید بداند که فضیلت واقعی هر کس را خدا می داند و در آخرت از آن پرده برداشته می شود. شما همه بندگان خدا هستید و مال هم مال خداست. بین شما به طور مساوی تقسیم می شود و هیچکس بر دیگری برتری ندارد.

می گویند بعد از آن که مردم بصره با حضرت علی (ع) جنگیدند مالک اشتر گزارشی تهیه کرد و برای حضرت علی (ع) فرستاد. او در گزارش خود از عدل علی (ع) که باعث نگرانی اشراف بصره شده بود و توجه آنان به معاویه سخن به میان آورد و گفت: اگر تو به ائین اشراف پولی از بیت المال بدهی گردن ها به سوی کشیده می شود و خیر خواه و وفادار تو خواهند شد. اما حضرت علی (ع) جواب داد: از رفتار ما تعریف کردی و گفتی با عدالت عمل می کنیم اما من بیشتر نگران آن هستم که مبادا در اجرای عدالت کوتاهی کرده باشم.

خدا می فرماید: هر کس عمل شایسته ای کند برای خود کرده است و هر کس بد می کند علیه خود کرده است. پروردگارت به بندگان ستم نمی کند. و اما از این که می گویی حق بر آنان گران است و به این جهت از ما کناره گیری می کنند و به معاویه می پیوندند؛ خدا می داند که آنان به خاطر ظلم از ما جدا نشدند و به آنجا که پناه آوردند محیط عدل نیست. و اما این که گفتی پول بدهم تا اشراف را به خود وفادار سازم، چنین کاری برای ما غیر ممکن است. ما به هیچکس بیش از حقش از بیت المال نخواهیم داد.

حق مسلمان بر مسلمانان دیگر

اسلام علاوه بر این که به حقوق همه ی انسانها احترام می گذارد به برادری و اخوت میان مسلمان ها تأکید بیشتری دارد.

در کتاب معروف اصول کافی جلد سوم بابی وجود دارد به نام حق المؤمن علی اخیه. یعنی حق مؤمن بر برادرش.

در آنجا آمده است که امام صادق (ع) فرمود: «حق مسلمان بر مسلمان آن است که خودش سیر نشود و دیگری گرسنه باشد. سیراب نباشد و دیگری تشنه، پوشیده نباشد و دیگری بی لباس. حق مسلمان بر مسلمان دیگر چه بزرگ است. برای برادر مسلمات دوست داشته باش آنچه را که برای خود دوست داری. اگر نیاز داشتی از او بخواه و اگر از تو چیزی خواست به او بده. اگر خدمتی برایش انجام می دهی باعث ناراحتی و افسردگی نگردد و اگر او به تو خدمتی کرد خسته و دلنگ نشتود. پشتیبان او باش که او هم پشتیبان توست. وقتی غایب بود در نبودن او آبرویش را حفظ کن و وقتی آمد به دیدارش برو. او را احترام کن و گرمی بدار. اگر از تو گله ای داشت از او کناره گیری نکن تا از او عذرخواهی کنی. اگر برایش موفقیتی پیش آمد خوشحال باش و خدا را سپاس کن و اگر گرفتاری پیدا کرد او را کمک کن و اگر برای او دامی نهادند و توطئه ای کردند او را یاری کن.»

زیرنویس:

• آقای محمد برقمی دبیر دینی راهنمایی شهرستان اهواز است. از ایشان به خاطر ارسال مقاله تشکر می کنیم.

رشد



لطایف ابوحیان

✦ یکی از بزرگان گفته است: در دوران شاگردی از پرسش بعضی مسائل به سبب تنبلی غفلت کردم و در سنین بزرگی از پرسیدن آنها داشتم. جهالت در نفس من ماند.

✦ یک اعرابی در کنار مجلس اخفش ایستاد و به کلامشان درباره نحو عربی گوش داد. متعجب و متعجب شد. اخفش پرسید: برادر عرب چه می شنوی؟ گفت می شنوم به زبان ما درباره زبان ما چیزها می گویند که از زبان ما نیست.

✦ عثمان بن رواح با یکی همسفر شد. روزی [همسفر] به او گفت: برو گوشتی از بازار بحر یاور، عثمان گفت: نمی توانم. خودش رفت گوشت خرید و آورد و به عثمان گفت: «بزرگوار! نمی توانم گوشت را بخت و به عثمان گفت: ترید کن، گفت: نمی توانم. آنگوشت را ترید کرد و گفت: «پس پاشو بخور!» عثمان گفت به خدا از پس گفتم نمی توانم شرمیده ام. این یکی راه چشم.

✦ عربی کوری را در اصفهان یک گرده [نان] داد. کور دعایش کرد که خدا از غربت نجات دهد! گفت: از کجا فهمیدی که من غریبم؟ گفت: از آنجا که می سال است در اصفهان کسی یک گرده درست به من نداده است.

✦ علی بن ابیطالب از کسی پرسید چرا در روز صفین معاویه را بر من ترجیح دادید؟ گفت: معاویه را ترجیح ندادیم، بلکه خرمای زرد و گندم قرمز و زیتون سبز را ترجیح دادیم.

✦ زن بیماری به شوهرش گفت: اگر بمیرم چه کار می کنی؟ مرد گفت: اگر بمیری چه کار کنم؟

✦ به حواله می گفتند اگر حلیفه بودی دلت چه می خواست؟ گفت: خرمای فراوان. بعد رو کرد به پسرش و گفت: اگر تو پسر حلیفه بودی چه دلت می خواست؟ پسر جواب داد: مگر تو چیزی برای باقی گذاشتی؟

✦ کسی بر ضیادان گذشت. پرسید: شما ماهی تازه می گیرید یا ماهی نمک سود؟

✦ حماز گوید: شنیدم کثامی از کثام دیگر می پرسید که اگر تو به راستی در این حرفه اصل مند زاده ای بگو بیسم سرگین غلطان چند تا پا دارد؟

✦ عربی سنگی به خانه برد. گفتند آیا نمی دانی به خانه ای که سنگ در آن باشد ملائکه داخل نمی شوند؟ عرب گفت: ملائکه را می خواهم چه کار؟ داخل شوند امیر از زندگی مرا بیستند و بنویسند؟ در گلولی روانه می استخوان بزرگی گیر کرد. نه مرغی گفت: این را بیرون بیاور. مرغ استخوان را در آورد و مزه خواست. رو باد گفت: همین قدر که سرت را در دهان من بردی و سالم بیرون آمدی مزدت پس! ✦ یکی بالای قبر معاویه ایستاد و گفت: اگر زامن تو را از دهان بیرون افکند خواهی دید برید یا ما چه کرده است و ما هم خواهیم دید که خدا یا تو چه کرده است.

✦ اگر گناه بو داشت، کسی پیش کسی نمی نشست. ✦ چنانچه از راهی فروخت گفتند سوراخ است. گفت: سوراخم در آن پنبه گذاشته بودم و ریخت.

✦ از کسی پرسیدند که پشت حجاب حلیفه چرا این قدر ذلت می کنی؟ (تا اذن دخول دهند) گفت: این خواری به جان می خرم یا حی دیگر فقر نفروشم.

✦ دشمن عیب تو را می گویند و آن را رفع می کنی. دوستت آن را می پوشاند و عیب بر تو می ماند.

✦ از معاویه پرسیدند که تو مکاری یا رید؟ گفت من کار پر اکتبه را به سامان می آورم اما زیاد اصلاً نمی گذارد کار از دست به در رود.

✦ حسن بصری گفته است: آن که آشکارا خود را می بگوید در جهان خود را می ستاید.

✦ سهل بن هارون گفته است: به ری [راه و رسم] کاتبان در آید که فرهنگ و آیین شاهان دارند و فروشی رحمت.

✦ هندیان گویند: مست را چهار حالت است: نخست مثل طایوسی است. سپس مثل میمون است، آنگاه درنده می شود و بالاخره مانند خوک می گردد.

✦ سلیمان بن عبدالملک گفته است: در عجم از ایرانیان که آنچنان حکومت و دولتی داشتند و هرگز به ما محتاج نشدند، و چون کار به دست ما افتاد از ایشان بی نیاز شدیم و بیمنتیم.

✦ نیمه فقیب آدم کش است، نیمه فقیه حلال را حرام می کشد. نیمه نحوی غلط می خواند.

✦ به اخوئی گفتند: تو یکی را دوتا می سی؟ گفت: چرا این دوتا خروس را چهار تا نمی بینم؟

زیر نویس

✦ ابو حیان نو حیدری (۹۰۰-۳۱۰ هجری قمری) از ادباء و دانشمندان قرن چهارم هجری و در عرصه های گوناگون ادب و اندیشه فردی صاحب نام و شهرت می باشد. او بر بسیاری کتاب در معرفی شخصیت فکری و ادبی او شش کتاب به قلم گرفته است که از آنها: «فراتر از انشازات طبع» و «عن ابن ابی حیان نو حیدری» و «لطایف ابوحیان» و «همین کتاب است».

همکارمان آقای صفارپور* نقل می‌کند که: سال‌ها قبل سفری داشتم به یکی از کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس. برای خرید به مغازه‌ای وارد شدم. چنان‌که رسم جلب مشتری است، فروشنده مرا به گرمی پذیرفت و چای آورد و... اما زبان مرا نمی‌دانست. گویا با توجه به شکل ظاهری من، ابتدا سر صحبت را به زبانی که گویا ایتالیایی بود باز کرد و چند کلمه‌ای گفت. به زبان بین‌المللی (ایما و اشاره) به او فهماندم که نه، من ایتالیایی نیستم. فرانسوی حرف زد. باز گفتم نه! انگلیسی گفت: باز نه! هندی، ترکی و چون باز هم به او فهماندم که هیچکدام از اینها نیستم گفت: پس تو اهل کجایی! گفتم. بالاخره فارسی صحبت کرد و مشکل حل شد. او خودش فلسطینی بود که در آنجا کار می‌کرد. چون فهمید که شغلم معلمی است، گفت: ای وای! تو چه طور نمی‌توانی اقبلا به یک زبان خارجی حرف بزنی؟! *

این روایت که بیشتر به طنز می‌ماند. واقعیت آموزش زبان خارجی در کشور ما را نشان می‌دهد. می‌دانیم که در ایران هزینه‌ی عظیمی صرف آموزش زبان‌های خارجی، عربی، انگلیسی و... در مدرسه‌ها می‌شود. کلاس‌های آزاد هم-بویژه انگلیسی- که جای خود دارد. با این وجود بازدهی این همه سرمایه و نیروی انسانی و وقت در پایان دوره‌ی دیپلم بسیار اندک است؛ به طوری که طبق آمار اعلام شده، در سال ۷۷، سیصد هزار نفر از داوطلبان کنکور از زبان انگلیسی نمره‌ی صفر آورده‌اند. آیا این شگفت‌انگیز، بلکه خسروانی بزرگ، نیست؟ ما به عنوان یک مجله آموزشی چه می‌توانیم بکنیم جز این که پاره‌ای از این واقعیت‌ها را به شما و دبیران همکار و دیگر کسانی که مجله را می‌خوانند انتقال دهیم؟ این کاری است که در این شماره به انجام آن موفق شدیم و اکنون حاصل آن را در این ویژه‌نامه تقدیم شما می‌کنیم.

ویژه‌نامه با همکاری گروه زبان انگلیسی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی فراهم آمده و مادر همین جا از خانم شهلا زارعی و آقایان عنانی و شیخ الاسلامی کارشناسان

گروه به خاطر همکاری آنان در تهیه این ویژه‌نامه تشکر می‌کنیم. مطالبی که می‌خوانید عبارت است از:

- گفت و گو با کارشناسان زبان انگلیسی؛ آقایان عنانی، صمیمی، شیخ الاسلامی، غلامپور و خانم زارعی - روش آموختن زبان خارجی، مقاله‌ای از شادروان دکتر عیسی صدیق

- The man and the donkey، داستان مشهوری از «ازوپ»

- نقش کاربردی هم نشینی واژگانی در یادگیری زبان، مقاله‌ای از خانم زارعی کارشناس زبان

- معرفی یک کتاب

- گزارش تحقیق، از آقای رحیم شکری

- سیدحسین مدرّس و آموزش زبان

خارجی

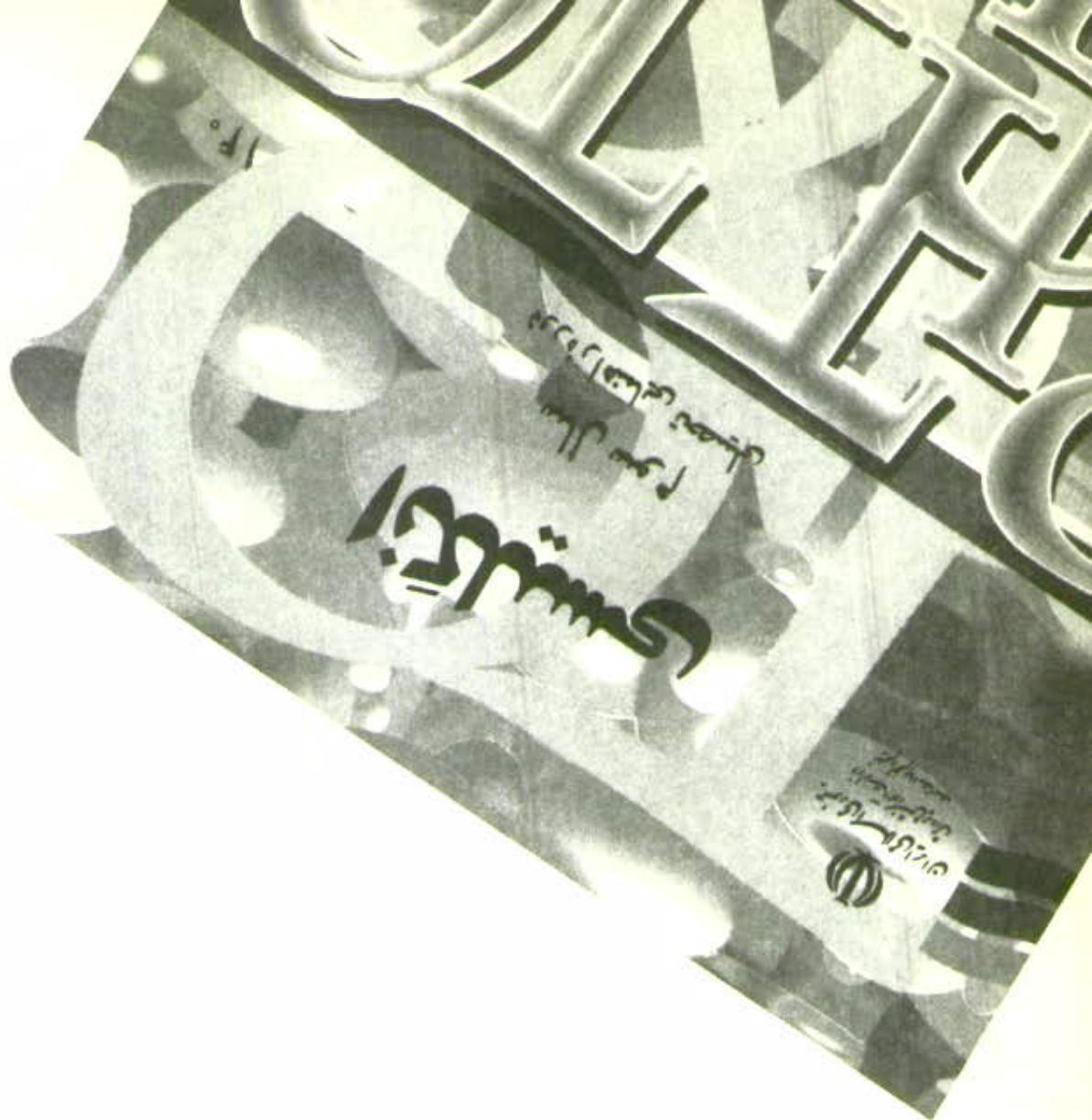
- اخبار گروه

- امیدواریم مورد استفاده و توجه شما قرار گیرد.

زیرنویس:

* کارشناس آموزش ابتدایی





ویژه نامه ی آموزش زبان انگلیسی

آموزش زبان خارجی در گفت و گوباکارشناسان

رشد: بسم الله الرحمن الرحيم ضمن تشکر از شرکت شما در این گفت و گو، همان طوری که اطلاع دارید، بخشی از هر شماره مجله ی رشد آموزش راهنمایی تحصیلی به ویژه نامه اختصاص دارد و تاکنون ویژه نامه هایی درباره ی علوم تجربی، مطالعات اجتماعی، ادبیات فارسی، مدیریت مدارس و زلزله در شماره های قبلی به چاپ رسیده است و اکنون تصمیم داریم ویژه نامه ی زبان انگلیسی را تهیه کنیم لذا این جلسه تشکیل شد تا ما نظر اعضای گروه برنامه ریزی درسی زبان انگلیسی را در خصوص برنامه ی این گروه جویا شویم زبان خارجی به عنوان یک ابزار جهت برقراری ارتباط با ملت های دیگر در برنامه های درسی کشورهای مختلف گنجانده شده است به نظر شما جایگاه آموزش زبان خارجی در برنامه های درسی در کشورهای مختلف چگونه است؟

عنائی: سؤال خوبی است. ما قبل از این که وضعیت آموزش زبان خارجی را در کشور خودمان بررسی کنیم لازم است وضعیت آموزش زبان خارجی در کشورهای مختلف جهان را بدانیم. دو عامل خیلی مهم آموزش زبان خارجی را در دنیا متحول کرده است که یکی از آنها توجه بیشتر به مهارت آموزی در زبان است. به دلیل انفجار اطلاعاتی که به وجود آمده، دانش آموزان باید به مهارت هایی تجهیز شوند که بتوانند اطلاعات و دانش خود را به صورت مادام العمر و به روز نگه دارند. این باعث شده که زبان انگلیسی با به طور کلی زبان به عنوان یکی از وسایل مهم مطالعه و یادگیری اهمیت بیشتری در برنامه های درسی پیدا کند. و این گرایش در بیشتر کشورهای جهان پیدا شود که در برنامه های درسی شان با تأکید بر مهارت های یادگیری تجدیدنظر کنند. عامل دوم که می تواند اهمیت داشته باشد، رشد تکنولوژی یا فناوری اطلاع رسانی است که به دلیل وجود شبکه های اطلاع رسانی که در دسترس همگان قرار دارد جزء لاینفک آموزش شده است. اکنون در برنامه های درسی کشورهای مختلف روی اطلاع رسانی بیش از حد تأکید می شود. و زبان خارجی به ویژه زبان انگلیسی به عنوان ابزار استفاده از این شبکه ها از جایگاه ویژه ای برخوردار است.

رشد: این دو عامل یعنی توجه بیشتر به مهارت آموزی در زبان خارجی و توسعه و رشد تکنولوژی اطلاع رسانی، بالطبع در روش آموزش زبان خارجی تحولاتی را ایجاد کرد، اگر ممکن است در خصوص این تغییرات و تحولات توضیح داده شود.

عنائی: بله، به دنبال این دو عامل مهم به یک عامل فرعی دیگری نیز می توان اشاره کرد و آن تحولاتی است که در روش های آموزش زبان خارجی به وجود آمده است. این روش ها طوری طراحی و تدوین می شوند که در خدمت مهارت های یادگیری و تقویت آنها باشند. در حال حاضر کشورهای مختلف جهان آموزش زبان خارجی را از آن حالت آکادمیک خارج کرده و آن را به سمت مهارت آموزی سوق

داده اند. که این امر، خود به تعبیراتی در فضاهای آموزشی، نحوه ی تربیت معلم و مسائل دیگر منجر شده است. از سوی دیگر کشورهای دنیا روندی را به سمت کاهش سن زبان آموزی پیش گرفته اند و سن شروع آموزش زبان خارجی را به دوره ی ابتدایی منتقل کرده اند. حتی در بعضی از کشورها یک یا چند درس را به زبان انگلیسی تدریس می کنند.

رشد: آیا شما هم به پایین آوردن سن زبان آموزان اعتقاد دارید؟ لطفاً اگر دلیلی دارید بفرمایید.

عنائی: بلی، ما هم به این موضوع اعتقاد داریم زیرا تحقیقات در این زمینه نشان می دهد که هر چه سن زبان آموز پایین باشد به ویژه اگر قبل از یازده و دوازده سالگی باشد، آمادگی برای یادگیری در آنها بیشتر خواهد شد چون از نظر شخصیتی، شخصیت آنها هنوز شکل نگرفته و انعطاف پذیری خوبی برای یادگیری زبان دارند و دستگاه صوتی آنها نیز انعطاف پذیری لازم را برای تلفظ صداهای جدید دارد؛ از نظر ذهنی هم آمادگی بیشتری برای یادگیری دارند. به همین خاطر آن کشورها امکانات خود را طوری تخصیص داده اند که زبان آموزی را از دوره ی ابتدایی شروع کنند. این امر، البته، مستلزم وجود امکاناتی است که از آن جمله نیروی انسانی ورزیده و وسایل کمک آموزشی مناسب کودکان برای آموزش است.

زارعی: این نکته را نیز بنده اضافه می کنم که آموزش زبان در سطوح اولیه از اهمیت زیادی برخوردار است و از آنجا که در سطوح پایین زبان آموزی، یادگیری زبان بیشتر از طریق تجربه صورت می گیرد به عبارت دیگر زبان آموزان باید مدت بیشتری را در معرض زبان قرار گیرد تا بتواند خود به کشف الگوها نایل شود، انتخاب استراتژی صحیح و فراهم آوردن فرصت های یادگیری در زبان آموزی باعث ایجاد تحول اساسی در زبان آموزی می شود.

رشد: در زبان آموزی چهار مهارت اساسی مورد توجه است و برنامه های درسی زبان آموزی طوری طراحی و تدوین می شود که این چهار مهارت یعنی گوش دادن، صحبت کردن،

عنائی

○ حقیقت این است که به آموزش های ضمن خدمت در نظام ما اهمیت چندانی داده نمی شود. اگر هم آموزش هایی داده می شود کافی نیست. ما باید آموزش های پیش از خدمت و حین خدمات معلمان را جدی بگیریم.

○ در شرایط فعلی جنبه ی نظارتی در آموزش زبان خیلی ضعیف است و گروه های آموزشی را می توان در این زمینه فعال کرد تا آنها نقش نظارتی خود را ایفا کنند.

غلامپور

○ پس باید دبیران را به شرکت در کلاس های بازآموزی زبان انگلیسی و کلاس های گروه های آموزشی تشویق کرد تا از این طریق آنها تجربیات خود را به همدیگر منتقل نمایند.



خواندن و نوشتن را تقویت کنند. کشورهای مختلف جهان در ابتدای آموزش زبان خارجی به چه نحوی به تقویت این مهارت ها می پردازند؟

صمیمی: آموزش هر یک از این مهارت ها خود دارای اولویت هایی است امروزه معمولاً روی مهارت شنوایی بیش از سه مهارت دیگر تکیه می شود و دلیل آن این است کسانی که زبان را از طریق شنیدن یاد گرفته اند بهتر از دیگران می توانند آن را بفهمند بنابراین این مهارت تقویت کننده ی مهارت های دیگر است. دومین مهارت از نظر اولویت صحبت کردن است. کسی که زبان را یاد گرفته می تواند با دیگران صحبت کرده و منظور خود را به آنها بفهماند. در مرحله سوم خواندن و بالاخره در مرحله ی چهارم نوشتن قرار دارد.

شیخ الاسلامی: ضمن تشکر از برگزاری این گفتگو در ادامه ی صحبت های آقای صمیمی لازم است اشاره کنم که طبیعت این مهارت ها خود تقدم و تاخیری را ایجاد می کند که با توجه به موقعیت و شرایط آموزش زبان متفاوت است. در واقع شروع یادگیری با مهارت های دریافتی است. دانش آموزی که در ابتدای زبان آموزی قرار دارد فعالیت های شنیداری و خواندن برای او مناسب تر است. در مرحله ی بعدی فعالیت های تولیدی (productive) قرار دارد که در آن بیشتر سعی بر صحبت کردن و نوشتن است. پس منطقاً شروع یادگیری زبان با مهارت شنیداری است و خواندن، گفتن و نوشتن به ترتیب در مراحل بعدی قرار دارند.

زارعی: تاکید بر هر یک از مهارت های زبان بستگی به میزان توجه برنامه ریزان به اهداف ملی دارد. البته ضمن رعایت این اولویت ها باید مشخص شود که در برنامه درسی زبان انگلیسی تاکید بر کدام مهارت است. آیا تمام مهارت ها بطور یکسان مورد توجه است یا خیر؟

رشید: در آغاز گفتگو به جهت گیری کشورهای دنیا به سوی «آموزش مهارت های زبانی» اشاره شد که اهداف زبان آموزی هم در این راستا تهیه و تدوین می شود و همکاران در خصوص

اولویت این مهارت ها توضیح دادند. سوال این است که برنامه ی درسی زبان انگلیسی دوره ی راهنمایی ایران تا چه حد با این اهداف مطابقت دارد؟ و مشکلات و محدودیت های برنامه ی درسی کشورمان چیست؟

عنائی: همان طوری که عرض شد زمان آموزی به سوی مهارت آموزی پیش می رود، به عبارت دیگر هدف ها سه صورت مهارتی مطرح می شوند. در مؤلفه های برنامه ی درسی کشور ما هم تعبیراتی ایجاد شده و روند حرکت به طرف مهارت آموزی است. با این حال اگر بخواهیم برنامه درسی زبان انگلیسی دوره ی راهنمایی را با وضع مطلوب مقایسه کنیم، فاصله زیادی داریم، زیرا برای این کشور محدودیت هایی وجود دارد. مثلاً این محتوا و روش باید تعادل وجود داشته باشد و این تعادل باید خود را به نوعی در اجرا هم نشان دهد که ما این تعادل را در اجرا کم می بینیم. ما باید در مرحله ی اول زبان آموزی به مهارت شنیداری خیلی تکیه کنیم و کتاب درسی باید طوری طراحی شود که این مهارت بیش از بقیه مدنظر باشد. البته کتاب درسی ما طوری تهیه شده که ابتدا باید با مهارت شفاهی شروع شود و پس در کلاس درس این کار کمتر صورت می گیرد. زیرا فرصت کافی به این مهارت در کلاس داده نمی شود. از تکنولوژی آموزشی، ویاو و غیره در کلاس استفاده نمی شود در حالی که همه این وسایل موجود است. فضای آموزشی هم باید این اجازه را بدهد که کلاس را به زبان انگلیسی اداره کند، یعنی تعداد دانش آموز باید طوری باشد که فرصت گفت و گو برای همه فراهم شود.

محدودیت دیگر کاهش ساعت درسی زبان انگلیسی در برنامه است. چون درسی زبان انگلیسی در سال اول حذف شده مطالب کتاب دوم و سوم افزایش پیدا کرده و در نتیجه ی فشردگی مطالب فرصت تمرین در کلاس کمتر شده است.

در آموزش زبان انگلیسی نقش کتاب معلم و کتاب کار (Work book) از اهمیت بسیاری برخوردار است. زیرا اهداف

مهارت آموزی زبان با کتاب های مختلف عمق پیدا می کند و موضوعات مهارت آموزی در کتابهای دانش آموز، کار و کتاب معلم گنجانده می شود. در حال حاضر ما برای معلم کتساب نداریم و در مورد کتاب کار هم تاکنون اقدامی نشده است. و اینها همه از محدودیت های برنامه درسی زبان انگلیسی دوره ی راهنمایی است. کتاب هایی هم که به عنوان کتاب های کمکی در بازار وجود دارد اگر به صورت واقعی مورد بررسی قرار گیرند به جز استثنائاتی بقیه قابل استفاده نیستند. معمولاً این کتاب ها به یک خزانه ی سوال تبدیل شده که دانش آموز وقتی با آنها برخورد می کند عمل یادگیری او به یک عمل حل مسئله تبدیل می شود و آن لذت بخش بودن و جذاب بودن یادگیری زبان کم شده و در دانش آموز نگرش منفی نسبت به زبان آموزی ایجاد می کند.

رشد: معلم به عنوان مجری برنامه ی درسی نقش تسهیل کننده ای را در کلاس ایفا می کند و اگر او آموزش های لازم را چه قبل از خدمت و چه در حین خدمت طی نکرده باشد در اجرای برنامه درسی محدودیت ایجاد خواهد شد و حتی برنامه ی درسی عقیم خواهد ماند بنابراین باید همواره در ارتقای کیفیت آموزش او کوشید. برای رسیدن به این امر چه اقداماتی شده و چه اقداماتی باید به عمل آید.

غلامپور: اهمیت و نقش معلم زبان انگلیسی خیلی بالاست، مؤلفان عقیده دارند که اگر کتاب دانش آموز نقص دارد معلم می تواند این نقص را با شایستگی خود برطرف نماید. معلم زبان انگلیسی علاوه بر این که باید روش های تدریس را خوب بداند به دانش زبان انگلیسی نیز باید مجهز باشد. وی نباید ارتباط خود را با دانشگاه قطع کند در غیر این صورت معلوماتش رو به تحلیل می رود. در حالی که در ارتباط با دانشگاه است که می تواند از آخرین یافته های علم ریان و تئوری آموزش زبان انگلیسی آگاهی کسب کند و البته مراکز تربیت معلم در اینجا اهتت بیشتری دارد. پس باید دبیران را به شرکت در کلاس های بازآموزی زبان انگلیسی و کلاس های گروه های آموزشی

تشویق کرد تا از این طریق آنها تجربیات خود را به همدیگر منتقل نمایند. نیز دبیران باید به مطالعه ی مجلات مختلف از جمله مجله ی رشد زبان انگلیسی تشویق شوند. ضمناً در این مجلات باید یافته های جدید آموزش زبان انگلیسی و تئوری های یادگیری و تدریس مطرح شود.

رشد: وسایل و مواد کمک آموزشی به عنوان یکی از عوامل کلیدی در برنامه ی آموزش زبان انگلیسی مطرح است با استفاده از این ابزار می توان یادگیری زبان را تسهیل کرد. درباره ی این وسایل، نقش و اهمیت آنها توضیح دهید.

شیخ الاسلامی: من فکر می کنم که صحبت های همکاران همه مؤید این است که طبیعت آموزش زبان انگلیسی با سایر دروس نظری متفاوت است. از آنجایی که ما زبان را به عنوان یک مهارت در نظر می گیریم و اگر به مهارتی بودن آن اعتقاد داشته باشیم، باید ابزار خاصی را هم برای آموزش آن در نظر بگیریم. همان طور که ما در مدارس دروس مهارتی مثل حرفه و فن و علوم را داریم و یک امکاناتی مثل کارگاه و آزمایشگاه را برای آموزش آنها در نظر گرفته ایم لازم است برای درس انگلیسی هم فضایی مشابه آنها تدارک ببینیم. برای آموزش زبان، به آزمایشگاه زبان، به نوارهای درسی و لوحه های آموزشی نیاز داریم. همان طوری که می دانید نقش وسایل و مواد کمک آموزشی از نقش معلم و کتاب درسی کمتر نیست. وقتی صحبت از وسایل کمک آموزشی به میان می آید باید فضایی هم برای آنها در نظر گرفته شود.

صمیمی: درباره ی فراگیری زبان انگلیسی باید گفت ما ناچار هستیم خودمان را با کشورهای جهان در این خصوص هماهنگ کنیم در غیر این صورت عقب می افیم. صحبت سر این نیست که قلمی را ببینیم و لذت ببریم. صحبت سر این است که دنیای صنعتی و پیشرفته اطلاعات زیادی را تولید می کند و برای این که ما عقب نمانیم باید به این اطلاعات دسترسی داشته باشیم و بتوانیم از آنها استفاده کنیم. در حقیقت ما در مسیر جریانی قرار گرفته ایم که چه بخواهیم و چه نخواهیم باید به آموزش زبان

عنائی

○ کشورهای دنیا روندی را به سمت کاهش سن زبان آموزی پیش گرفته اند و سن شروع آموزش زبان خارجی را به دوره ی ابتدایی منتقل کرده اند.



پیشتر از گذشته توجه کنیم. به همین جهت نباید در هر زمینه‌ای اعم از مطالب آموزشی به فضای آموزشی و بالا بردن کیفیت آموزش معلمان تلاش کنیم. امروزه در دبای پیشرفته کامپیوتر برای آموزش زبان انگلیسی تقریباً یک وسیله‌ی پیش پا افتاده‌ای است. در حالی که ما وسیله‌ی مثل لایو توار، ضبط صوت، ویدئو و غیره در اختیار نداریم. این از وظایف موبدان امور است که به این جنبه‌ها بیشتر بپردازند و نگذارند که ما در این زمینه از دیگر کشورها عقب بمانیم.

رشد در لایه‌های صحبت‌های همکاران به محدودیت‌ها و نقاط ضعف برنامه‌ی درسی آموزش زبان انگلیسی دوره‌ی راهنمایی اشاره شد برای ارزیابی بردن این محدودیت‌ها چه اقداماتی باید صورت گیرد؟

صمیمی - اولاً مطالب کتب درسی سبک‌تر بیشتر به صورت کاربردی مطرح شود، با توجه به بازبینی‌های مرتبی که در کتبهای درسی به عمل آمده، تا حدودی کیفیت کتب بهتر شده است ولی با توجه این که با یک بار دوبار تمرین مهارت حاصل نمی‌شود بنابراین به تکمیل مطالب هم باید به اندازه‌ی کیفیت پرداخته شود و این امکان باید به وجود آید که شاگردان بیشتر تمرین کنند. علاوه بر این به زمان بیشتری هم برای آموزش زبان نیاز داریم. الان مدرسه‌های مدارس زمان کافی برای آموزش مهارت‌های زبانی ندارند. ساعات بیشتر، تمرینات بیشتر، امکانات و فضای آموزشی بیشتر و بهتر باید در اختیار برنامه‌فرآگردد و به آموزش‌های قبل از خدمت و حتی خدمت دبیران زبان هم توجه بیشتری شود.

عالم‌آذر مورد معلم دوره‌ی راهنمایی متأسفانه یک اشتباه غلطی وجود دارد. فکر می‌کنم چون دوره‌ی راهنمایی شروع زبان انگلیسی است و در این دوره چیزهای ساده‌ای به دانش‌آموزان یاد داده می‌شود، دیگر نیازی نیست که معلم این دوره از تبحر و با داشتن معلومات خاصی برخوردار و بهره‌مند باشد. در حالی که من فکر می‌کنم درست برعکس است. اگر پایه‌ی غلطی برای آموزش زبان برای دانش‌آموزان راهنمایی گذاشته شود تصحیح آن

در پایه‌های متوسط بالا خیلی مشکل خواهد بود. بنابراین ما نباید به ظرفی پیش ببریم که معلومات دبیران دوره‌ی راهنمایی را از منابع متوسط پیشتر افزایش دهیم.

عسائی - حقیقت این است که به آموزش‌های ضمن خدمت در نظام ما اهمیت چندانی داده نمی‌شود علت آن را آقای صمیمی ذکر کردند. اگر هم آموزش‌هایی داده می‌شود نمی‌توانست معلمان دوره‌ی راهنمایی، باید از مهارت‌های بالایی برخوردار باشند. ما باید آموزش‌های پیش از خدمت و حتی خدمات معلمان را جدی بگیریم. و اما در مورد کتاب‌هایی که دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی در این زمینه انجام داده، نگرانی نه‌ای به برنامه‌ی کارشناسی پیوسته است که در احاطه‌ی تدوین و تصویب را طی می‌کند. در صورت تصویب این برنامه، احراق آن باید به‌طور وسیع و فراگیر جدی گرفته شود و به دبیران این فرصت داده شود تا در یک مدت معقول به سطح بیسیاس یا کارشناسی ارتقا پیدا کنند. در آموزش‌های ضمن خدمت هم باید به صورت پیوسته ادامه داشته باشد که دفتر برای تحقق این امر در سال جاری برای اولین بار دوره‌ی ضمن خدمت تأمین مدرس را داشته است، مدرسی تربیت معلم که این دوره‌ها را گذرانده‌اند هدف از استادن و سایرانی دبیران راهنمایی در استان‌ها تکرار کنند. این اولین قدم در آموزش ضمن خدمت معلمان است که باید در مراحل بعدی تقویت و تکمیل شود. این دوره‌ها را ما باید در سطح کشور به صورت فراگیر داشته باشیم تا معلمان از اهداف و مقاصد بهره‌آگهی داشته‌اند و به‌طور صحیح در کلاس‌های درس اجرا کنند.

مسئله‌ی دیگر نظارت بر برنامه است که باید تقویت شود. در شرایط فعلی جنبه‌ی نظارتی در آموزش زبان خیلی ضعیف است و گروه‌های آموزشی راهنمایی توان در این زمینه فعال گردان آنها نقش نظارتی خود را ایفا کنند.

رشد، گروه‌های آموزشی با توجه به این که خودشان معلم هستند در کلاس درس حضور دارند، چگونه می‌توانند بر برنامه نظارت داشته باشند. اگر پیشنهادی دارید، بفرمایید.

صمیمی

۱) ما در مسیر جریانی قرار گرفته‌ایم که چه بخواهیم و چه نخواهیم باید به آموزش زبان بیشتر از گذشته توجه کنیم. به همین جهت باید در هر زمینه‌ای اعم از مطالب آموزشی به فضای آموزش معلمان و بالا بردن کیفیت آموزش معلمان تلاش کنیم.

۲) در مورد معلم دوره‌ی راهنمایی متأسفانه یک اشتباه غلطی وجود دارد. فکر می‌کنم چون دوره‌ی راهنمایی شروع زبان انگلیسی است و در این دوره چیزهای ساده‌ای به دانش‌آموزان یاد داده می‌شود، دیگر نیازی نیست که معلم این دوره از تبحر و با داشتن معلومات خاصی برخوردار و بهره‌مند باشد.

عنائی: افرادی که در گروه های آموزشی هستند باید یک زمانی را برای آنها در نظر گرفت که به کار نظارت بپردازند که جزو ساعات تدریس آنها محاسبه شود تا با فرصت بیشتری به این امر بپردازند و تعداد آنها باید افزایش پیدا کند و گروه آموزشی باید کارش را تیمی انجام دهد، چون کار گروه از عهده ی یک نفر خارج است. اینها باید معلمان را هماهنگ کنند. باید خبررسانی کنند، آموزش ها را گسترش دهند و نقش نظارتی هم داشته باشند. لذا لازم است به صورت تیمی عمل کنند و زمان بیشتری را باید به این امر اختصاص دهند. این کار باید آیین نامه ی خاصی داشته باشد. آنها باید در زمان های خاصی از مدارس بازدید بکنند و از کار دبیران ارزشیابی به عمل آورند به دبیران رهنمود بدهند و مشکلات معلمان را در بعد آموزش رفع کنند.

رشد: آقای غلامپور شما نقش گروه های آموزشی را در برنامه ی درسی چگونه ارزیابی می کنید؟

غلامپور: کسانی که در گروه های آموزشی هستند باید بخشی از وقت خود را به مطالعه اختصاص دهند تا بتوانند پاسخ گوی سوالات معلمان باشند. گروه های آموزشی باید سعی کنند تا با معلمان یک ارتباط صحیح و صمیمی داشته باشند و معلمان را به شرکت در جلسات آموزشی تشویق کنند. مدیران مدارس نیز باید معلمان را جهت شرکت در کلاس ترغیب نمایند و از شرکت معلمان در جلسات ممانعت به عمل نیاورند.

رشد: لازم است نظر شما را در خصوص برنامه هایی که در دفتر برنامه ریزی و تألیف در دست اقدام است بدانیم خواهش می کنم درباره ی آنها توضیح بفرمایند.

عنائی: کارهایی که در دفتر در حال انجام است ابعاد مختلفی دارد. یکی از آنها همان آموزش معلمان است که دوره های کارشناسی پیوسته برای آنها در نظر گرفته شده و تأمین مدرس دوره های ضمن خدمت در حال پی گیری است. کتاب درسی دانش آموزان در سال دوم راهنمایی بر اساس پیشنهادهای

معلمان و کار کارشناسی تجدید نظر شده و اصلاحاتی در آن صورت گرفته است. البته ساختار حفظ شده و تغییراتی در محتوا ایجاد شده، تصاویر کلاً تغییر کرده و تصاویر جدیدی جایگزین شده کتاب به صورت رنگی و در قطع بزرگ تری چاپ می شود. کتاب درسی سال سوم هم به همین ترتیب اصلاح شده است. به همراه کتاب درسی ما برای تقویت مهارت آموزی لوحه های آموزشی تهیه کرده ایم که در چاپ اول به اندازه ی کافی چاپ نشده و ما تلاش می کنیم دفتر چاپ و توزیع به اندازه ی نیاز تمامی مدارس کشور این لوحه ها را چاپ کند. از این طریق می توان انتظار داشت که مهارت های شفاهی در مدارس کشور آموزش داده شود.

رشد: ارزش یابی یکی از عناصر مهم برنامه ریزی درسی است که با تحول و تغییر برنامه درسی در روش های آن باید تغییری داده شود. در این خصوص دفتر چه اقدامی را بعمل آورده است؟

عنائی: کار دیگری را که ما در دفتر انجام می دهیم درباره ی روش های ارزشیابی است این روش ها باید به کتاب های درسی منتقل شود. در این باره علاوه بر آیین نامه ای که برای ارزش یابی تدوین خواهد شد در کنار آن جزوه ای به نام راهنمای تهیه ی سوال تهیه خواهد شد که معلمان بر اساس آن بتوانند سوالات خوبی را برای دانش آموزان طراحی کنند.

رشد: حالا به طور کلی پیشنهاد شما برای بهبود کیفیت برنامه ی آموزش زبان انگلیسی چیست؟

عنائی: یکی از کارهایی که واقعاً باید انجام شود و زمینه آن هم فراهم شده برقراری مجدد درس زبان انگلیسی در سال اول راهنمایی است که در آن صورت فشردگی مطالب از سال دوم و سوم کم خواهد شد و دانش آموزان فرصت بیشتری را برای یادگیری زبان خواهند داشت و لذا افت تحصیلی هم کم خواهد شد. علاوه بر این فضای بیشتری برای مهارت آموزی ایجاد خواهد شد.

کار بعدی فعال کردن گروه های آموزشی

عنائی

○ از کارهایی که واقعاً باید انجام شود و زمینه آن هم فراهم شده برقراری مجدد درس زبان انگلیسی در سال اول راهنمایی است که در آن صورت فشردگی مطالب از سال دوم و سوم کم خواهد شد.

ارزش یابی در شرایط فعلی بیشتر به صورت کتبی است و با روش کتبی نمی توان همه ی مهارت های مورد نیاز را ارزش یابی کرد زیرا بخشی از مهارت ها با این روش متأسفانه حذف می شود.

شیخ الاسلامی

(شروع یادگیری زبان با مهارت شنیداری است و خواندن، گفتن و نوشتن به ترتیب در مراحل بعدی قرار دارند.)



در امر نظارت است که آنها می توانند با هماهنگی بیشتر بر امر نظارت کنند. مسئله سوم ارزش یابی است. شیوه ی ارزش یابی در مهارت آموزی متفاوت است. ارزش یابی در شرایط فعلی بیشتر به صورت کتبی است و با روش کتبی نمی توان همه ی مهارت های مورد نیاز را ارزش یابی کرد زیرا بخشی از مهارت ها با این روش متأسفانه حذف می شود گرچه ما سره ای هم برای روش های شفاهی داریم ولی در مدارس حدی گرفته نمی شود باید راهی برای این موضوع در نظر گرفته شود و حداقل ۵ درصد از نمره برای روش های ارزش یابی شفاهی در نظر گرفته شود. و در امتحانات نهایی ارزش یابی شفاهی توسط گروه های آموزش کنترل شود. این عمل در ارتقای کیفیت آموزش زبان مؤثر خواهد بود. استفاده از وسایل کمک آموزشی در مدارس باید نهادینه شود و در هر مدرسه وسایل مورد نیاز باید موجود باشد و گروه های آموزش نیاز هم می تواند وجود و طرز استفاده این وسایل را در مدارس کنترل کند. مثلاً آلبوم برای دوره های راهنمایی و نوجوانی در حال تهیه شدن است گروه های آموزشی باید نظارت داشته باشند که این آلبوم برای مدارس تهیه شده و مورد استفاده قرار گیرد.

صمیمی: ما باید شرایطی را به وجود آوریم معلمی که زبان انگلیسی آموزش می دهند بتوانند از شیوه های آموزش مهارت های چهارگانه استفاده کنند. برای این کار مثلاً باشگاه های باید ایجاد شود که معلم بتوانند در آنجا فیلم ها را به زبان اصلی گوش دهند، جلسات بحث در بین معلمین به زبان انگلیسی برگزار شود. آموزش هایی که به معلمان داده می شود جلسات آن توسط اساتید به زبان انگلیسی اداره شود. و همه ی اینها امری برای مهارت های شنیداری و گفتاری خواهد بود. باید امکاناتی بوجود آید که معلمین مثلاً چهار باشند مطالب را به زبان انگلیسی بویسند. از آن جایی که زبان یک مهارت است و اگر ما آن را بکار نگیریم فراموش می شود کارشناسان باید در عمل کردن این موضوع نظر بدهند تا ما بتوانیم

معلم را به وسیله ی آنها به روز نگه داریم. **غلامپور:** از آن جایی که آموزش ارزش یابی دو روی یک سکه است، ارزش یابی باید برای آموزش باشد. در حالی که متأسفانه بعضی از کتاب های کمک آموزشی موجود در بازار فقط به ارزش یابی می پردازند و اختصاص به چند تاست دارند. در این کتاب ها از آموزش غفلت شده است. به معلمان توصیه می شود از تست های این کتاب ها به منظور آموزش استفاده کنند و تست حل کردن هدف اولیه ی آنها باشد. **عنائی:** تغییر نگرش در اولیا مدارس و والدین دانش آموزان خیلی مهم است. همان طوری که درس ورزش فضای خاصی می طلبد که معلم ورزش در آن فضا به دانش آموزان مهارت هایی را یاد می دهد. درس زبان هم به به عنوان یک مهارت تلقی شود. در اولیا و مربیان مدارس و پدران و مادران فرزندان این نگرش ایجاد شود که درس زبان یا درس های دیگر که مهارتی هستند تفاوت دارد و فضایی خاصی را لازم دارد. تغییر نگرش حساسیت اهمیت است زیرا اگر نگرش مثبت قرار گیرد مهارت آموزی را تسهیل می کند. فرض کنید لازمی که مهارت آموزی استفاده از وسایل کمک آموزشی است. ممکن است وسایل کمک آموزشی نیاز به یک اتاق خاصی داشته باشد یا نیاز به این باشد که دانش آموزان مکالمه کنند ممکن است بر و صدایی هم ایجاد شود ولی این لازمی که مهارت آموزی است. مثلاً در ارزش یابی آن جایی که لازم است مهارت آموزی به صورت شفاهی ارزش یابی شود باید به ارزش یابی کتبی اکتفا کنیم بلکه در کنار این باید روشهای ارزش یابی مناسب آن مهارت را نیز طراحی کنیم. و اینها را از طریق اولیا مدارس پی گیری کنیم تا تسهیلات لازم در اختیار معلم قرار گیرد. و همه ی اینها مستلزم آن تغییر نگرش است.

غلامپور: من یک پیشنهاد برای اتمام معلمان به خارج از کشور اضافه، متأسفانه چون در ایران زبان انگلیسی را جزو علوم انسانی می دانند، ادامه تحصیل معلمان زبان را هم در داخل کشور کافی می دانند. فعلاً کسی را که

در دوره های مختلف تحصیلی شاگرد اول می شدند به خارج از کشور اعزام می کردند. و اما، چند سالی است به بهانه ای این که زبان خارجی جزء علوم انسانی است، چون در رشته های علوم انسانی کمتر دانشجو به خارج از کشور اعزام می کنند در درس زبان دانشجو کمتر اعزام می کند و در این خصوص معلمان زبان مظلوم واقع شده اند لازم است این موضوع مورد تجدید نظر قرار گیرد.

رشد: نقش مجله در بالا بردن سطح توانایی معلمان چه می تواند باشد؟

صمیمی: این سؤال دو جنبه دارد: نقش مجله رشد راهنمایی چیست؟ و چه می تواند باشد؟ این مجله باید یک وسیله ارتباطی بین معلمان باشد یعنی معلمان از طریق مجله از مشکلات هم آگاهی پیدا کنند و به عبارتی مجله یک وسیله آموزشی برای معلمان و متولیان برنامه ریزی درسی باشد. متولیان آموزش و پرورش بدون آگاهی از نگرانی ها و مشکلات معلمان نمی توانند کاری بکنند یکی از وظایفی که این مجله می تواند به عهده داشته باشد انعکاس همین نگرانی ها و مشکلات معلمان است.

تصمیم گیری در اتاق های سر بسته در خصوص این که برای معلمان چه چیزهایی خوب است تا یک اندازه ای می تواند جویگو باشد ولی مهم تر از آن این است که از خود آنها بپرسم که آنها چه می خواهند. ما از این مجله می توانیم برای بالا بردن ارتقاء سطح معلومات زبانی معلمان استفاده کنیم به معلومات زبانی آنها وسعت دهیم علی الخصوص ما باید از طریق این مجله معلمان از آخرین پدیده ها، یافته ها و تکنیک های آموزش زبان انگلیسی آگاهی پیدا کنند.

شیخ الاسلامی: کشورهای که به آموزش زبان خارجی بها می دهند معلم را در حسین تدریس رها نمی کنند و مدام با ارتباطی که با او دارند او را از دستاوردهای جدید علمی مطلع می سازند. یک پیشنهاد هم دارم و آن این است همه ی این موارد باید همراه انگیزه باشد. برای رسیدن به این هدف در این مجله و با مجله های

مشابه بین معلمان مسابقه ایجاد کنیم و در زمینه های علمی سوالاتی را از معلمان بکنیم.

غلامپور: این مجله باید تبلیغ شود خیلی از همکاران از وجود این مجله آگاهی ندارند حداقل این مجله در اختیار مدارس قرار بگیرد.

عنائی: یکی از وظایف اصلی مجله رشد راهنمایی باید برقراری ارتباط بین معلمان و برنامه ریزان باشد و این مجله می تواند در توجیه اشاعه ی برنامه درسی نقش مهمی را ایفا کند.

و از دست اندرکاران محترم مجله آموزش رشد راهنمایی تشکر می شود که ویژه نامه ای راه هر درس اختصاص داده است این ویژه نامه می تواند به عنوان یک مرجع در اختیار معلمان محترم قرار گیرد. اگر ترتیبی داده شود که برای هر درس حداقل یک ویژه نامه در هر سال تهیه گردد خیلی بهتر خواهد شد که از این طریق جنبه اطلاع رسانی تسهیل شده و ارتباط محکم تری بین معلمان و برنامه ریزان برقرار می شود.

زارعی: همانطور که همکار دیگر نیز اشاره کردند ارتباط دبیران دوره راهنمایی با مجله خودشان یعنی رشد آموزش راهنمایی کم است. لذا می توان از مطالب رشد راهنمایی به عنوان منبعی جهت بالا بردن سطح کیفی معلومات آنان و ایجاد ارتباط بیشتر آنان با مجله رشد بهره مند شد همانطور که مطلع هستید چند سالی است که اداره کل تربیت معلم و آموزش نیروی انسانی آزمونی از دبیران دوره متوسطه بعمل می آورد که یکی از منابع مورد استفاده در این آزمون مجله رشد آموزش زبان می باشد. مجله رشد آموزش راهنمایی نیز می تواند از این روش بهره جسته و در آینده یکی از روشهای ارتقاء سطح علمی دبیران را مطالعه مطالب معرفی شد. در مجله رشد راهنمایی در نظر گیرد.

صمیمی: اجازه دهید من یک نکته را اضافه کنم. با توجه به محدودیت های زمانی و جا برای انتشار مطالب سعی شود مطالبی که در مجله چاپ می شود بیشتر به جنبه های عملی پرداخته شود. مجله باید معلم را در کلاس درس یاری دهد که چگونه تدریس کند. رشد: بار دیگر از همه ی شما به خاطر شرکت در این گفت و گو تشکر می کنیم.

زارعی

○ می توان از مطالب رشد راهنمایی به عنوان منبعی جهت بالا بردن سطح کیفی معلومات آنان و ایجاد ارتباط بیشتر آنان با مجله رشد بهره مند شد.



روش

آموختن زبان خارجی*

دکتر عیسی صدیق

آموختن زبان خارجی دو فایده بزرگ دارد. یکی از نظر زندگی و دیگری از نظر تربیت ذهنی و عقلی.

امروزه روابط میان ملت‌ها بیش از پیش توسعه یافته و افراد هر ملتی برای ارتباط با ملت‌های دیگر نیاز به شناختن افکار و طرز زندگی آنها دارند. بنابراین باید به زبان یکدیگر آشنا باشند. از طرف دیگر صلح جهانی و هم‌پرسی مردم دنیا با یکدیگر بسته به این است که مثل جهان هم‌مدیر را بشناسند و از احساسات و افکار و نظریه یکدیگر آگاه شوند و می‌بایست خود را بر اعتماد و مودت قرار دهند و کلیه‌ی اینها بدون دانستن زبان یکدیگر ممکن نیست.

برای آموزگار و دبیر و استاد هم داشتن رابطه‌ی علمی با دنیا، بویژه دنیای پیشرفته، ضروری است. اکتشافاتی که امروزه در علم و فناوری روی می‌دهد در اندک زمانی بر زندگی بشر در سراسر جهان تأثیر می‌گذارد. برای شناخت این اکتشافات باید به زبان خارجی آشنا بود تا مطالعه‌ی کتاب و مجله و دیگر رسانه‌های علمی ملل پیشرفته آسان شود و از زحمات دیگران و جان سپاری دانشمندان در راه دانش و تسلط بر رازهای طبیعت بهره‌مند گردیم.

دومین سود آموختن زبان خارجی پرورش قوای ذهنی و عقلی است. برای

این که دانش آموز و اژگان و لغات زبان را فراگیرد و قواعد و دستور زبان آن را به یاد سپارد باید حافظه و عقل خود را همواره به کار برد، تجربه کند، تعمق دهد، قیاس نماید و استقرا کند. این اعمال قوای فکری او را ورزیده می‌سازد و به‌تأییه پرورش آن می‌انجامد. علاوه بر این همین که دانش آموز به زبانی آشنا شد قری‌تازه به رویش بار می‌شود و خواندن و نوشتن و فهمیدن هر ازان شاهکار که نتیجه‌ی افکار و احساسات دانشمندان و نوابغ جهان است برایش میسر می‌گردد. ناپلئون بناپارت گفته است: هر کس دو زبان بداند دو آدم است.

اینها قوای بی‌ای است که عموماً از آموختن زبان‌های خارجی حاصل می‌شود. دانش آموزان مدارس می‌باید در طول تحصیل در یک یا دو زبان خارجی طوری ماهر شوند که بتوانند کتاب‌ها و مجلات خارجی را بخوانند و دست کم در حد نیازهای ضروری و اولیه با یک نفر خارجی صحبت کنند. به عبارت دیگر آموختن زبان خارجی برای ما کمال لزوم و ضرورت را دارد.

روش‌های آموزش زبان

آموختن زبان خارجی، هر زبانی که باشد، مانند هر کار دیگری باید به روش صحیح و مطلوب صورت گیرد تا

نتیجه بخش باشد. در ایران با وجود این که از بیش از صد سال پیش به آموختن زبان یونانه زبان فرانسه توجه داشته‌اند، باز مشاهده می‌شود که روش تدریس آن بسیار بد بوده است و غالباً به همان روشی که عربی را می‌آموخته‌اند فرانسه را نیز می‌آموخته‌اند. ** این روش بدین صورت است که: «تدریس از روی کتاب است و آغاز می‌کند به آموختن صرفه و نحو مفصل و مسوط با ذکر تمام قواعد و موارد استثنا و بعد ترجمه‌ی کتابی که ممکن است سخت یا آسان و نزدیک به فهم یا دور از فقه‌ی فهم شاگرد باشد. تمرین زبانی و سخن‌گویی و اشاره به قدرت به کار می‌برند، به طوری که دانش آموز پس از اتمام دوره‌ی دبیرستان نه می‌تواند مطلبی را از زبان خارجی در دست بخواند و بفهمد و بنویسد و نه منظوری را ادا کند»

روش مستقیم

روش مستقیم طریقه‌ای است که در اروپا از قرن سیزدهم هجری (یعنی بیش از ۱۵۰ سال پیش) معمول شده است. پیشگامان این روش عبارتند از وینتور آلمانی و شویتر و برلینر فرانسوی که در این باره رساله‌ها و کتاب‌های بسیار نوشته‌اند. البته قبل از اینان در قرن هفدهم میلادی دانشمندی بنام کمینیوس (Comenius) اهل سرزمین چک و استونی پیشنهاد کرده بود که زبان خارجی را از راه

سخن گفتن باید آموخت نه به وسیله‌ی صرف و نحو، ولی در آن زمان پیشنهادش مورد توجه قرار نگرفت.

سبب این که این روش را روش مستقیم می‌گویند این است که دانش آموز با این اسلوب زبان را بدون واسطه می‌آموزد. مفهوم هر واژه را از راه حواس و به‌طور عینی به شاگرد می‌فهمانند بدون این که معنای آن را به زبان مادری بگویند و به او بیاموزند. مثلاً دبیر هنگامی که کلمه‌ی book را تلفظ می‌کند کتاب را به شاگرد نشان می‌دهد و هیچگاه معنای آن را که «کتاب» است نمی‌گوید. همچنین صداها و واژه‌ها را مستقیماً و قبل از آن که نوشته شده‌ی آن را نشان دهند در گوش دانش آموز داخل می‌کنند. از این روش مستقیم طریقه‌ای است حسی و عینی، چه واژه‌ها را بدون توسل به ترجمه یا نوشتن بلکه به وسیله‌ی گفتن کلمه و نشان دادن مصداق خارجی به

بچه‌ها می‌آموزند. روش مستقیم همان است که مادر برای آموختن زبان به کودک خود به کار می‌برد و ایرج میرزا در قطعه معروف خود وصف کرده است.

یک حرف و دو حرف بر زبانم
الفاظ نهاد و گفتن آموخت

از این روش طبیعی‌ترین طریقه و روشی است که برای تدریس زبان می‌توان به کار گرفت. از روی تجربه به اثبات رسیده است که وقتی انسان برای یاد گرفتن زبان به کشوری در خارج می‌رود و چند ماه در آنجا زندگی می‌کند زبان متعارف و رایج آن کشور را خیلی بهتر و روان‌تر از کسانی یاد می‌گیرد که سال‌ها صرف خواندن کتاب و ترجمه و مراجعه به کتاب لغت کرده‌اند. روش مستقیم برای دانش آموز اوضاع و احوالی شبیه به اوضاع و احوال همان کشور خارجی ایجاد می‌کند و همان مزیتی را که اقامت در کشور خارجی دارد در کشور خود فراهم

می‌سازد.

دشواری روش مستقیم: به کار بستن روش مستقیم با تمام محاسنی که برای آن شمرده شد خالی از اشکال نیست. دبیر نه تنها باید زبان خارجه را خوب بداند و خوب بدان صحبت کند، بلکه باید روش مستقیم را نیز خوب بشناسد و از طرز استعمال آن کاملاً آگاه باشد. به علاوه چون دبیر باید پیوسته با دانش آموز در گفت و گو بوده و تمام ساعت درس را به سخن گفتن و سخن آوردن صرف کند زبانش خسته و حنجره‌اش فرسوده می‌شود. از این رو باید در انتخاب دبیر زبان خارجه دقت کافی کرد به طوری که هم دارای صدای رسا و هم آلات تکلم قوی باشد تا بتواند به راحتی سخن گویند. البته چنین دبیری نباید بیش از دوازده ساعت موظف هفتگی تدریس داشته باشد، با این توضیح که اگر حقوق بیشتری می‌گیرد ولی بازدهی بالای آن در مجموع هزینه‌ها را



جبران می کند.

مراحل روش مستقیم:

این روش دارای سه مرحله است: مرحله نخست آموزش کلمات و صفاتی که مفهوم آنها در پیرامون دانش آموز موجود است و آنها را با حواس پنجگانه و بدون واسطه درک می کند. چون کلاس و اثاثیه آن و کارهایی مربوط به زندگی وی در دبیرستان، بدن، لباس، خانه، خوراکی، زندگی در حبه و مانند آن. مرحله دوم آموزش واژه هایی است که مفهوم آنها مستقیماً بر دست شاگرد نیست ولی ممکن است تصویر آنها را بدو نشان داد. چون کاشتن، درو کردن، استخراج معدن، شکار کردن، مسافرت و... مرحله سوم به کار انداختن قوه ی خیال است. نه این ترتیب که دبیر از عملی که تصویر نشان می دهد آغاز کند و مرحله ای را که آن عمل باید طی کند از روی حافظه و قوه ی خیال بگوید.

خواندن: وقتی شاگرد به لغات بیگانه اندکی آشنا شد و توانست با آنها جمله های ساده ترکیب کند باید که متن هایی به دست او داد یا عباراتی شبیه بدالجه دیده است. خواندن این متن ها منتظرش بود بسیار است که از آن جمله یکی درست کردن تلفظ شاگرد است. هنگام خواندن، دیگر بیان کردن اسمی معنی (در مقابل اسمی ذات، مثل علم، ریا، دانا و...) و رسوم گفت و شنود راجع به موضوع متن زبان خارجی. همین که شاگرد متن های آسان را در کتاب درسی خواند باید کتاب قرائت به او داد و همان طور که راجع به آموزش زبان فارسی گفته شد درم قرائت را باید تعلیم کرد.

نوشتن: برای اجرای روش مستقیم باید حداقل در آغاز زبان خارجی را با گفت و شنود بیاموزند ولی این امر مانع نیست که تکلیف نوشتن نیز داده شود، زیرا که واژه ها و جمله ها را شاگرد ننویسد در

حافظه اش نقش نمی ماند. این تکلیف ها باید شاگرد را وادار کند به گفتن و نوشتن و اندیشیدن به زبانی که تحصیل می کند و عبارت است از زوئوسی، املا یا دیکته، از حفظ نوشتن قطعاتی که قبلاً خوانده شده، تغییر دادن مفرد و جمع و ضمیر و فاعل و زمان افعال، پاسخ نوشتن برای سؤال ها، نامه نویسی، انشا و...

تلفظ درست: نکته ی دیگری که باید یادآور شد این است که دانش آموز همیشه تمایل دارد کلمات خارجی را به لهجه ی زبان مادری تلفظ کند. دبیر باید خودش همس رعایت تلفظ صحیح دانش آموزان را بر وادار به تلفظ درست نماید. در سال های اخیر که صنعت «صط صدا» و تصویر به شیوه های مختلف رایج گشته برای آموزش زبان خارجه نیز به کار می رود. نوارهایی پر کرده اند که هر یک راجع است به قسمتی از زندگی روزانه چون خانه، کودکان، شام، کوچه، مهمانخانه، ایستگاه راه آهن، مغازه، آرایشگاه، فصل های سال، انومیل و مانند آن. هر نوار معمولاً با یک کتاب همراه است که استفاده از آن را آسان می کند. دانش آموز نوار را گوش می دهد و در همان حال تصویرها و شرح تصویرها را از روی کتاب می بیند و می خواند. کمترین نتیجه ای که از این کار می توان گرفت آموزش تلفظ درست است. چون صفحه ها را عموماً استادان فصیح زبان پر کرده اند و داشتن چنین استادانی برای همه کس مقدور نیست. باید صط صوت را به کلاس برد و نوار متناسب با درس را ضمن تدریس در معرض شنیدن دانش آموزان قرار داد.

زبان خارجی در کلاس: نخستین شرط به کارگیری روش مستقیم آن است که دبیر از لحظه ی اول به همان زبانی که می خواهد به دانش آموزان بیاموزد سخن بگوید و منحصرأ زبان خارجی را به کار برد. اگر زبان مادری را در کلاس استعمال کند و زبان خارجی را به وسیله ی ترجمه یاد دهد روش مستقیم را

به کار نبرده است و نباید انتظار پیشرفت داشته باشد. ترجمه برای آموزش زبان خارجی در آغاز کار نه تنها سودمند نیست، بلکه زبان هایی هم دارد. اولاً بیشتر وقت کلاس صرف دادن توضیح به زبان مادری می شود و از این رو عده ی معدودی کلمات خارجی را در سر درس تلفظ می کند. پس وقت می گذارد بدون این که گوش و زبان شاگرد عادت کند به شنیدن و گفتن زبان خارجه و بدیهی است که تا این عادت حاصل نشود زبان خارجه را نمی توان یاد گرفت. ثانیاً کسانی که به وسیله ی ترجمه زبان خارجه را تحصیل می کنند طبع یا ذات آن زبان را نمی توانند بدست آورند و در آن زبان هم نمی توانند فکر کنند. چه بسا اتفاق می افتد که جمله ها و اصطلاحاتی را نمی شود ترجمه کرد. زیرا که معادل آن در زبان مادری نیست. اصطلاحات و واژه ها و استعاره های هر زبان را وقتی می توان فهمید که در میان کلام و در جز، جمله های آن زبان یاد گرفته شود. بهترین و محکم ترین دلیل بر آن که باید زبان خارجی را به وسیله ی ترجمه آموزش داد این است که دانش آموز وقتی بخواند آن را به کار برد باید گوشش کند ترجمه نماید و گرنه از عهده ی سخن گفتن برخواهد آمد. نتیجه این که یادگیری کلمات و عبارات زبان خارجه باید با مفهوم آنها متصل و مربوط و پیوسته باشد و هیچ واسطه ای چون زبان مادری در میان نباشد و گرنه موجب اشکال و کندی و مورت خطا و اشتباه است.

همین که دانش آموز دوسه سال زبان خارجی آموخت و خوب بر آن مسلط شد و توانست بدان تکلم کند معلم می تواند بعضی متن های کوتاه را بدهد تا به زبان مادری ترجمه کند و مدتی بعد، برعکس، ترجمه از زبان مادری به زبان خارجه داد تا اگر در زندگی محتاج به ترجمه کردن شوند به آسانی از عهده برآیند و رفع احتیاج از خود نمایند.

آنها سخن می گوید بیاموزد.

و طی چند دهه در دانش سراهای تربیت معلم و
مقدماتی راهنمای دانشجویان و به عبارتی کتاب درسی
آنان بود. در بخش آموزش زبان خارجه ی این کتاب،
دکتر صدیق بحث مستوفایی راجع به ضرورت آموزش
زبان و شیوه های صحیح آن دارد که اگر چه عیناً قابل
استفاده نیست ولی در بردارنده ی نکته های ارزنده ای
است که هم امروز نیز می تواند کارآمد باشد. ما آن
بحث را بازنویسی و با تلخیص برای این بخش مجله
برگزیده ایم.

زیرنویس:

• شادروان دکتر عیسی صدیق از پیشگامان آموزش و
پرورش جدید در ایران است. کتاب مشهور او «روش
نوین در آموزش و پرورش» نخستین کتاب مدونی است
که به طور اصولی و قانون مند از اهداف آموزش و
پرورش و شیوه های صحیح و جدید آموزش دروس
مختلف بحث کرده است. این کتاب سالهای متمادی

اصول مهم: بنابر آن چه گفته شد، این
چند اصل مهم را باید در روش مستقیم
آموزش زبان خارجی به کار برد:

۱- تدریس باید، لااقل در آغاز، زبانی
و شفاهی باشد و عبارت و نوشته و کتاب را
باید پس از آن که شاگرد درس را فهمید و
مرکوز یا ملکه ی ذهنش شد جلو او گذارد.
۲- از روز نخست باید زبان خارجه را
در کلاس استعمال کرد و زبان مادری را نا
آنجا که ممکن است به کار نبرد. فقط
گاهگاهی برای آزمایش و تحقیق این که
شاگرد درس را فهمیده یا برای بیان کلمه و
جمله ای که بسیار دشوار باشد ممکن است
زبان مادری را به کار برد.

۳- در سال های اول آموزش نباید ترجمه
از زبان مادری به زبان خارجه داد. فقط پس
از آن که دانش آموز کاملاً آشنا به کاربرد زبان
شد می توان این گونه ترجمه را به او داد.

۴- ترجمه از زبان خارجی به زبان مادری
را هم نباید در سر درس اجازه داد مگر در
موردی که در بند دوم گفته شد.

۵- در سال های اول و دوم آموزش باید
عین چیزهایی را که نام برده می شود یا عکس
و تصویر و پرده های دیواری را در کلاس به
کار برد.

۶- هنگام خواندن کتاب باید با شاگرد
زیاد گفت و گو کرد و وی را به سخن آورد.
خواه برای توضیح و تفسیر فکر نویسنده و
خواه برای بیان کردن اسامی معنی.

۷- تلفظ درست را باید به وسیله ی
نوارهای آموزشی که استادان فصیح زبان پر
کرده اند آموخت.

۸- ملتی را که زبانش را می آموزند باید
دانش آموز نا حذی بشناسد و این از لحاظ
عاطفی و علاقمند کردن دانش آموز به زبان
مهم است. کتاب درسی و موضوعات
درس ها از سال دوم به بعد باید طوری ترتیب
داده شود که شاگرد رفته رفته طرز زندگانی،
اخلاق، عادات، مؤسسات و بنگاه ها،
جغرافیا، تاریخ و ادبیات کسانی را که به زبان



Soon they met two women.
One of the women said, "Why does a big strong man like you ride and make the boy walk?
The boy should ride the donkey."

The man said, "You're right!
The boy really should ride."

The poor man didn't know what to do.
He thought and thought.

At last he decided that both of them should ride.
So the man told the boy to get on the donkey with him.
The boy got on the donkey.
And then they went down the road.

Soon they met a family.
The mother said, "Why are you so mean?
That donkey isn't big enough to carry a man and a boy."
The man said, "You're right!
The donkey isn't big enough to carry both of us."

Once again the poor man didn't know what to do.
He thought and thought.
At last he decided that he and the boy should carry the donkey.

So the man and the boy got off the donkey.

The man cut a strong branch from a tree.
He tied the donkey's feet to the branch.

The man and the boy picked up the branch and put it on their shoulders.

Then they went down the road, carrying the donkey upside down.

Soon they got to town.
As they walked along the street, everyone laughed at them.

The man and the boy came to a bridge and started to walk across it.
In the middle of the bridge, the branch fell off the boy's shoulder.

The donkey fell into the river with a big splash.

And that was the end of the donkey.

Poor man! He had no donkey to sell.
He had tried to please everyone, but he had pleased no one. Not even himself.

Talking It Over

1. How did the man try to please everyone?
2. Do you think the man learned a lesson? why or why not?



One day a man said to his son, "I'm going to sell the donkey.
Put this rope on him.
We'll lead the donkey to town."

The boy put the rope around the donkey's neck.
Then the man and the boy and the donkey started down the road to town.

They had not gone far when they met a farmer.
The farmer said, "Why do you walk when you have a donkey to ride?
One of you should ride the donkey."

The man said, "You're right!
One of us really should ride."

So the man told the boy to ride the donkey.
The boy got on the donkey.
And then they went down the road.

Soon they met three old men.
One of the old men said, "Why do You walk and let the boy ride?
You should ride the donkey.
The boy should walk."

The man said, "You're right!
I really should ride and let the boy walk."

So the man told the boy to get off the donkey.
The man got on the donkey.
And then they went down the road.

ویژه نامه ی آموزش زبان انگلیسی

an Aesop fable

The Man and the Donkey



هم نشینی واژگانی

شیراز زارعی نیستانک و منیژه بهبودی⁺

تفاوت بین اصطلاح (Idiom) و هم نشینی (Collocation) در این است که اصطلاحات عبارت‌های نسبتاً کلیشه‌ای هستند که معنی آنها را نمی‌توان از مجموع معانی عناصر واژگانی تشکیل دهنده‌ی آنها استنباط کرد. مانند جمله:

She was over the moon about her new job. (= She was extremely happy)

یا

The exam was a piece of cake. (= The exam was very easy)

اما در هم نشینی واژگان تک تک کلمات معانی اصلی خود را تا حدودی حفظ می‌کند مانند عبارت:

The job of the police is to keep the peace.

الگوهای هم نشینی واژگانی در زبانهای مختلف متفاوت است و این تفاوت در فراگیری زبان دوم اشکالاتی را مست می‌شود زیرا فراگیر همواره ساختارهای زبان مادری خود را در زبان دوم یا زبان مقصد به کار می‌برد و این امر باعث اشتباهات معنایی در کاربرد زبان می‌شود. مثلاً در «heavy smoker» کلمه‌ی heavy حتماً «smoker» به کار می‌رود و در صورت استفاده از صفات دیگری چون big این عبارت اشتباه و نادرست تلقی می‌شود. یا در عبارت free of charge به جای کلمه‌ی charge نمی‌توانیم کلماتی چون cost و payment استفاده کنیم. هم نشینی واژگانی را می‌توان به چند دسته طبقه‌بندی کرد.

۱- هم نشینی صفت همراه با اسم

She was deep sleep.

The building roads still involves manual labor. (not simple worker)

The Rever gave her a high color. (not a red color)

I'm afraid she is in a bad way

I had a bad/quietly conscience about not telling her the truth.

۲- هم نشینی فعل همراه با اسم

If you take my advice, You won't tell anyone about this

You have an advantage of me.

Who set fire to the house?

Her dress caught fire.

Did you attach importance to the latest events? (not give any care)

در ادامه‌ی بحث مربوط به جنبه‌های کاربردی زبان به مقوله‌ای تحت عنوان هم نشینی واژگانی (Collocation) می‌پردازیم. در این مقاله سعی خواهد شد تعریفی برای هم نشینی واژگانی ارائه شود و سپس با ارائه‌ی طبقه‌بندی خاصی در این مقوله کاربرد آن تا حدودی مشخص شود.

هم نشینی اصطلاحی است که از نحوه‌ی قرار گرفتن کلمات کنار هم صحبت می‌کند. بدین معنا که بعضی از کلمات در زبان فقط با کلمات خاص دیگر می‌توانند هم نشینی داشته باشند. برای درک، گفتار و نگارش صحیح گویندگان زبان، باید به نحوه و چگونگی هم نشینی این گونه کلمات با یکدیگر آشنایی داشته باشیم. به همین دلیل است که ترکیب از طریق هم نشینی واژگان از اهمیت بسزایی برخوردار است.

افراد نومی هر زبان به طور طبیعی با این مقوله آشنایی کامل دارند اما فراگیران زبان خارجی باید آن را بیاموزند. زیرا در صورت عدم توجه به هم نشینی واژگانی، اهل زبان احتمالاً منظور فراگیران را متوجه می‌شوند اما زبان بکار رفته در نظر آنان اشتباه و یا غیرطبیعی جلوه می‌نماید. به طور مثال در عبارت «هو خوب است» نمی‌توان نیک را جایگزین خوب نمود.



معرفی کتاب

واژه نامه انگلیسی (مجموعه لغات کتابهای انگلیسی دوره ی راهنمایی)

مریم رزآزبان، نشر شورا، ۱۳۷۷، قطع جیبی، ۳۵۰ تومان

واژه نامه ی زبان انگلیسی دوره ی راهنمایی در برگزیده ی لغات و اصطلاحات به کار رفته در کتب زبان انگلیسی دوره ی راهنمایی (سال دوم و سوم) است. ویژگی اصلی این کتاب که آن را از سایر کتاب های مشابه متمایز می سازد، انگلیسی- انگلیسی بودن آن است. به این معنی که معنی هر لغت را به زبان انگلیسی توضیح داده است و البته برای تسهیل کار مراجعه کننده معنی فارسی لغت را نیز در یک کلمه و نه با توضیح، در مقابل لغت نوشته است.

ویژگی های دیگر این واژه نامه عبارت است از:

- توضیح هر واژه با عبارات ساده و قابل فهم به زبان انگلیسی
- توضیح هر واژه به همان صورت که در کتاب درسی مورد نظر است.

• شکل فونتیکی (تلفظ انگلیسی) واژه

• آوردن مترادف و متضاد واژه ها (در صورت لزوم)

• کاربرد لغت و اصطلاح در جمله

• ارائه ی تصویر برای پاره ای از واژه ها به منظور درک روشن تر از معنی واژه

• گردآوری، قسمت افعال بی قاعده، اسامی غیر قابل شمارش، واحدهای اندازه گیری، شکل جمع هر اسم، نشانه های فونتیکی، اسامی کشورها و ملیت ها.

He shrugged his shoulders. (not move his shoulders)

The teacher called the roll. (not named the list)

She laid/set the table. (not prepared the desk)

۳- هم نشینی اسم با اسم

He is our trade partner. (not merchant partner)

In the north, the sea level has risen. (not sea surface)

Their success was due to team effort. (not team struggle)

He had a confused state of mind.

۴- هم نشینی حروف اضافه با افعال، صفات و اسامی

She has high hopes of winning.

She graduated from Oxford.

Smoking is harmful to health.

We must avoid war at all costs.

We are in agreement with their decision.

They spend all their money and make no provision for the future.

توجه به الگوهای هم نشینی واژگانی در آموزش زبان مورد تأکید می باشد و در بسیاری از کتاب های آموزشی جدید و در فرهنگ لغات به آن پرداخته می شود. دبیران محترم زبان در سطح راهنمایی برای بالا بردن توانش زبانی خود می توانند با مراجعه به فرهنگ های لغت معتبر و سایر مراجع در این زمینه اطلاعات لازم را کسب نمایند.

زیرنویس

✦ کارشناسان گروه زبان انگلیسی دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی

۱- مجله ی رشد راهنمای شماره ۱۵ (زمستان ۷۶)

۲- مقاله ی «محدودیت های هم نشینی واژگانی و اهمیت آن در TEFL» ترجمه و نگارش نوید صیامی مجله رشد آموزش زبان شماره ۵۲، ۱۳۷۷ از انتشارات دفتر انتشارات کمک آموزشی

۳- تر فوق لیسانس چاپ نشده

The Role of Language - Specific Collocations of Written Performance of Intermediate Iranian Students Learning English As Their Foreign Language

از آقای رامین اکبری - دانشگاه تربیت مدرس

۴- Longman Dictionary of Contemporary English - New Edition - 1990

گزارش

ویژه نامه‌ی آموزش زبان انگلیسی

یک تحقیق و چند پیشنهاد

رحیم شکری*

پیشرفت سریع علم و صنعت و وابستگی های اقتصادی، سیاسی و نظامی در جهان امروز اهمیت آموزش و یادگیری زبان های خارجی را بیش از پیش افزایش داده است. امروزه ملت ها در جهت استقلال کشور خود بیشتر به آموزش زبان های خارجی نیاز دارند. دکتر حداد عادل می گوید: «نیاز ما به زبان خارجی فقط نیاز سیاسی و فرهنگی نیست بلکه ما برای اداره ی کشور و برای چرخاندن چرخ های کشور هم محتاج هستیم به این که زبان خارجی بدانیم» در عصری که ما زندگی می کنیم ارتباطات نقش اساسی ایفا می کند. ملت ها برای اینکه بتوانند، در این ارتباطات مهم باشند احتیاج دارند زبان های رانده ی دنیا را بیاموزند. «آموزش و تسلط بر یک زبان خارجی دری از دنیاهای دیگر را به روی ما می گشاید و موجب می شود که ما بتوانیم از دستاوردهای ملل دیگر استفاده کنیم و دیگران را از آنچه یافته ایم آگاه سازیم»^۱

زبان مانند پلی است که بین ملل جهان ارتباط برقرار می کند و آنها را به هم نزدیک می سازد و ملت ها می توانند از طریق آن به تفاهم بین المللی دست یافته و در کنار هم در یک جهان مسالمت آمیز به حیات خود ادامه دهند.

انسان ها از طریق زبان اهداف زندگی، ارزش ها و آرمان های هم دیگر را می فهمند و کشورها از طریق زبان فرهنگ خود را گسترش داده و عرضه می کنند. «در عصر حاضر اهمیت آموزش زبان های خارجی در تمام دنیا پذیرفته شده و در طی سال های اخیر کوشش هایی برای بهبود این آموزش انجام گرفته است»^۲

علاوه بر این یادگیری زبان خارجی به رشد عقلی انسان کمک می کند، «زبان واسطه ای بین فکر و عمل ماست، به بیان دیگر زبان گذرگاهی است که فکر آدمی را به عمل ارتباط می دهد. رشد فعالیت های عالی ذهنی که رشد زبان هم یکی از آنهاست از جمله

هدف های عمده ی تعلیم و تربیت است»^۳

آموزش و پرورش هر کشوری برای آموزش زبان های خارجی روش خاص دارد که با توجه به امکانات و نیازهای آن کشور برای آن برنامه ریزی می کند. در کشور ما ایران دانش آموزان عینی و رسم گویش ها، لهجه ها و زبان های مادری متفاوت از ابتدای تحصیل، زبان فارسی را که زبان رسمی کشور است، می آموزند و تقریباً از سال سوم ابتدایی آموزش زبان عربی و بعد از آن زبان فرانسه و زبان مشترک مسلمانان است به صورت خیلی ساده همراه با درس قرآن شروع می کنند. دیگر زبان های خارجی (انگلیسی، آلمانی و فرانسه) از سال دوم راهنمایی به بعد در برنامه های درسی مدارس گنجانده شده است. آموزش زبان انگلیسی فعلاً بیش از دیگر زبان های خارجی در مدارس کشور مورد توجه است و بیشتر دانش آموزان و دانشجویان کشور آن را به عنوان زبان خارجی انتخاب می کنند. آموزش زبان انگلیسی به این ترتیب از سال دوم راهنمایی شروع شده و در دوره های بعد ادامه پیدا می کند. آنچه در این راستا باید مورد توجه قرار گیرد این است که برای آموزش این زبان، شیوه های اساسی زیادی فعالیت می کنند، هزینه های زیادی برای اجرای برنامه آن صرف می شود و دانش آموزان ساعت ها وقت خود را صرف می کنند تا این زبان را یاد بگیرند. اما نتیجه آن طور که باید مطلوب نیست و دانش آموزان در یادگیری زبان چندان موفق نیستند و نمی توانند در امور شغلی و تحصیلی از آن استفاده نمایند.^۴ اگر بگویم اکثر زبان آموزان ما در نتیجه ی رواج داشتن روش های تدریس سنتی و مرسوم در مدارس راهنمایی و دبیرستان حتی از ابتدای ترین فرصت های کاربردی زبان محروم می مانند سخنی به گراف نگفته ایم. به جرأت می توان ادعا کرد که در اکثر مدارس، دانش آموزان حتی رفتارهای مکالماتی و تقلیدی را نیز کسب نمی کنند و این قبل زبان آموختگان حتی به این

رفع نیاز از بیان یک جمله‌ی پرسشی ساده به زبان خارجی عاجزند.^۹

برنامه‌ی آموزشی زبان خارجی دانش آموزان مانند دیگر برنامه‌ها توسط مؤلفان و کارشناسان سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی طراحی و جهت اجرا در اختیار تمامی مدارس ایران قرار می‌گیرد.

با توجه به اینکه هر برنامه درسی بایستی بعد از اجرا در سراسر کشور به منظور شناسایی نقاط قوت و ضعف و اصلاح، مورد ارزیابی قرار گیرد. نگارنده موضوع پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود را در سال ۱۳۷۴ به این موضوع اختصاص داد و آن را تحت نظر دکتر محمود مهر محمدی، در دانشگاه به پایان رساند و اکنون نتیجه‌ی کلی آن را در اختیار دبیران و کارشناسان محترم زبان انگلیسی قرار می‌دهد.

در این پژوهش به ارزیابی برنامه‌ی آموزش زبان انگلیسی سال سوم راهنمایی از دیدگاه‌های دانش آموزان، معلمان و متخصصان آموزش زبان انگلیسی پرداخته شده است. جهت رسیدن به این هدف و با توجه به اهداف ویژه‌ی پژوهش، ۱۰ سؤال، به تفکیک، از افراد مذکور بعمل آمد که به همراه پاسخ آنها در ذیل فید می‌گردد:

سوال (۱) ارزیابی دانش آموزان سال سوم راهنمایی از برنامه‌ی آموزش زبان انگلیسی در این پایه چیست؟

● دانش آموزان عناصر هدف و راهبرد یادگیری-یاددهی را مطلوب و عناصر محتوا، فعالیت‌های یادگیری، منابع و ابزار یادگیری، زمان و ارزشیابی را نامطلوب ارزیابی کرده‌اند. آنان همچنین از بین مباحث انگلیسی به مکالمه (dialogue) و خواندن (reading) علاقه‌ی بیشتری دارند. در عین حال نیز اطلاعات پژوهش حاکی از آن است که دانش آموزان موفق در زبان انگلیسی به این درس بیش از سایر دروس علاقه دارند.

سوال (۲) آیا بین ارزیابی دانش آموزان موفق و ناموفق از برنامه‌ی آموزش زبان انگلیسی تفاوت وجود دارد؟

● نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین ارزیابی دانش آموزان موفق و ناموفق از برنامه‌ی آموزش زبان انگلیسی تفاوت معنی داری وجود دارد.

سوال (۳) ارزیابی معلمان از برنامه‌ی آموزش زبان انگلیسی سال سوم راهنمایی چیست؟

● بر اساس اطلاعات پژوهش و معیار در نظر گرفته شده در آن، از دیدگاه معلمان برنامه‌ی آموزش زبان انگلیسی این کلاس مطلوب نیست.

سوال (۴) آیا بین ارزیابی معلمان با سابقه‌ی تدریس بیشتر و

معلمان با سابقه‌ی تدریس کمتر از برنامه‌ی آموزش زبان انگلیسی تفاوت وجود دارد؟

● نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین ارزیابی معلمان با سابقه و کم سابقه از برنامه‌ی آموزش زبان انگلیسی تفاوت معنی داری وجود ندارد.

سوال (۵) آیا بین ارزیابی معلمان که آموزش‌های ضمن خدمت را طی کرده‌اند و معلمان که این آموزش‌ها را ندیده‌اند از برنامه‌ی آموزش زبان انگلیسی تفاوت وجود دارد؟

● اطلاعات بدست آمده از سوالات پژوهش حاکی از آن است که بین نظرات این دو گروه تفاوت معنی داری وجود ندارد.

سوال (۶) آیا بین ارزیابی معلمان که رشته‌ی تحصیلی آنها زبان انگلیسی است با معلمان که رشته‌ی تحصیلی آنها زبان انگلیسی نیست، از برنامه آموزش زبان انگلیسی سال سوم راهنمایی تفاوت وجود دارد؟

● نتایج پژوهش نشان می‌دهد که نظرات این دو گروه از برنامه‌ی یکسان است.

سوال (۷) آیا بین ارزیابی دانش آموزان و معلمان از برنامه‌ی آموزش زبان انگلیسی تفاوت وجود دارد؟

● نتایج پژوهش حاکی از آن است که بین ارزیابی معلمان و دانش آموزان در خصوص بعضی از عناصر مانند منابع و ابزار یادگیری، زمان و ارزشیابی تفاوت وجود ندارد ولی در برخی عناصر مثل هدف، محتوا، فعالیت‌های یادگیری راهبردهای یاددهی-یادگیری بین این دو گروه تفاوت معنی داری وجود دارد.

سوال (۸) ارزیابی متخصصان از برنامه‌ی آموزش زبان انگلیسی چیست؟

● اطلاعات به دست آمده از پژوهش بیانگر آن است که ارزیابی متخصصان از برنامه‌ی آموزش زبان انگلیسی سال سوم راهنمایی مطلوب نیست.

سوال (۹) آیا بین ارزیابی متخصصان و ارزیابی معلمان زبان انگلیسی از برنامه آموزش زبان انگلیسی سال سوم راهنمایی تفاوت وجود دارد؟

● نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین ارزیابی متخصصان و معلمان از برنامه‌ی آموزش زبان انگلیسی تفاوت معنی داری وجود ندارد.

سوال (۱۰) معلمان در آموزش مباحث زبان انگلیسی سال سوم راهنمایی چه عواملی را به عنوان مسائل و مشکلات مؤثر می‌دانند؟

۱) کافی نبودن ساعات کلاس برای تمرین به حد کفایت

۲) عدم علاقه‌ی زیاد دانش آموزان به مباحث کتاب

۳) زیادی حجم مباحث

پیشنهادها با توجه به نتایج پژوهش

- نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در برنامه‌ی آموزش زبان به مهارت‌کنشی بیش از مهارت شفاهی اهمیت داده شده و لذا در آموزش مهارت‌های شنیداری و گفتاری موفق نبوده است پس لازم است در یک برنامه‌ی آموزش زبان انگلیسی مطلوب ابتدا مهارت شفاهی و بعد مهارت‌کنشی آموزش داده شود.

- برای این که مطالب کتاب با نیازها، علائق و توانایی‌های ذهنی دانش‌آموزان و با ویژگی‌ها و ارزش‌های فرهنگی جامعه مطابقت داشته باشد پیشنهاد می‌شود در انتخاب محتوا به نیازها و علائق دانش‌آموزان و ارزش‌های فرهنگی جامعه توجه لازم مبذول گردد و مطالبی که در دانش‌آموزان انگیزه و رغبت ایجاد می‌کند در کتاب درسی گنجانده شود.

- پیشنهاد می‌شود تمرینها و فعالیت‌های پیش‌بینی شده‌ی دروس طوری تدارک دیده شوند که فرصت شرکت فعال دانش‌آموزان را در جریان یاددهی-یادگیری فراهم سازند و همچنین معلمان فعالیت‌های (تکالیف) یادگیری گروهی را برای دانش‌آموزان تعیین کرده و به دانش‌آموزان فرصت دهند تا در کلاس با همدیگر به زبان انگلیسی مکالمه نمایند.

- از آنجایی که وسایل کمک آموزشی کاربرد زیادی در کلاس دارد و این ابزار به مفهوم وسیع آن می‌تواند علاوه بر نقش حساس و فهم آن در یادگیری و بسط دامنه‌ی لغات، باعث یادگیری گرامر باشد. پیشنهاد می‌شود در کتاب درسی زبان انگلیسی از تصاویر جذاب جهت ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان و استفاده شده و در کلاس‌های زبان ضبط صوت، تلویزیون، ویدئو، نوارهای صوتی و تصویری، فیلم و اسلاید و غیره به زبان انگلیسی مورد استفاده قرار گیرد. و معلمان دانش‌آموزان را به خواندن کتاب‌های غیردرسی به زبان انگلیسی تشویق نمایند.

- چون معلمان اعلام کرده‌اند آموزش‌های ضمن خدمت برای آنان به حد کافی برنگرازمی‌گردد پیشنهاد می‌شود جهت آشنایی معلمان به راهبردهای یاددهی-یادگیری نوین زبان خارجی، به برگزاری دوره‌های ضمن خدمت اولویت داده شود.

- از آنجایی که زمان نسبتاً طولانی لازم است تا دانش‌آموزان مهارت‌های زبانی را در کلاس درس تمرین نمایند. زیرا محیط زبانی آنها (محیط خارج از کلاس درس) با زبان انگلیسی سنخیت ندارد.

پیشنهاد می‌شود در شرایط فعلی با عنایت به ساعات اختصاص داده شده به دروس دیگر، از حجم مطالب این کتاب کاسته شود ولی در صورت فراهم کردن امکانات نظام آموزشی کشور دوره‌ی این درس طولانی‌تر شده از دوره‌ی ابتدایی شروع شود. طولانی‌تر شدن دوره و شروع آن از دوره‌ی ابتدایی از مؤثرترین عوامل پیشرفت تحصیلی زبان است که معلمان و متخصصان در پژوهش حاضر آن را پیشنهاد کرده‌اند. علاوه بر این در پژوهش حاضر معلوم شد که بسیاری از دانش‌آموزان موفق از دوره‌ی ابتدایی با زبان انگلیسی آشنا بوده‌اند.

- ارزش‌یابی یک بخش مهم هر فرایند آموزشی است که اگر خوب تهیه شود نه تنها نمایان‌گر فعالیت‌ها و پیشرفت فراگیرنده است، بلکه معرف طرز کار و میزان موفقیت و انجام و طبقه‌بندی معلم نیز می‌باشد و از لغزش‌ها و اشتباهات نیز جلوگیری می‌نماید. در پژوهش حاضر اطلاعات محاسبه شده مربوط به این عنصر برنامه‌ی آموزش زبان انگلیسی بیان‌گر آن است که معلمان و دانش‌آموزان آن را مطلوب ارزیابی نمی‌کنند و معتقدند که سوالات امتحانی با اهداف و محتوای کتاب مطابقت ندارد. از آنجایی که بایستی در کلاس زبان به مهارت‌های شنیداری و گفتاری بیشتر اهمیت داده شود پیشنهاد می‌شود که امتحان این درس بیشتر به صورت شفاهی باشد و در ارزشیابی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان کمتر از آزمون‌های نوشتاری استفاده گردد. و در صورتی که لازم است امتحان کتبی برگزار شود بهتر است از سوالات چند گزینه‌ای استفاده گردد.

زیربویس

● کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی

۱) حسام‌عادل، غلامعلی، ضرورت آموزش زبان‌های خارجی، مجله رشد آموزش زبان سال دوم شماره ۲، پاییز ۱۳۶۴، ص ۵

۲) صادقان، جلیل، یادداشت‌هایی برای معلمان زبان، مجله رشد آموزش زبان، سال اول شماره ۱، پاییز ۱۳۶۳، ص ۱۵

۳) زمینی، سید حامد، روش سمعی و بصری در آموزش زبان فرانسه، مجله رشد آموزش زبان، سال اول، پاییز سال ۱۳۶۳، ص ۱۷

۴) لطف‌آبادی، حبیب، روان‌شناسی رشد و یادگیری، چاپ اول، ۱۳۶۵، ص ۱۲

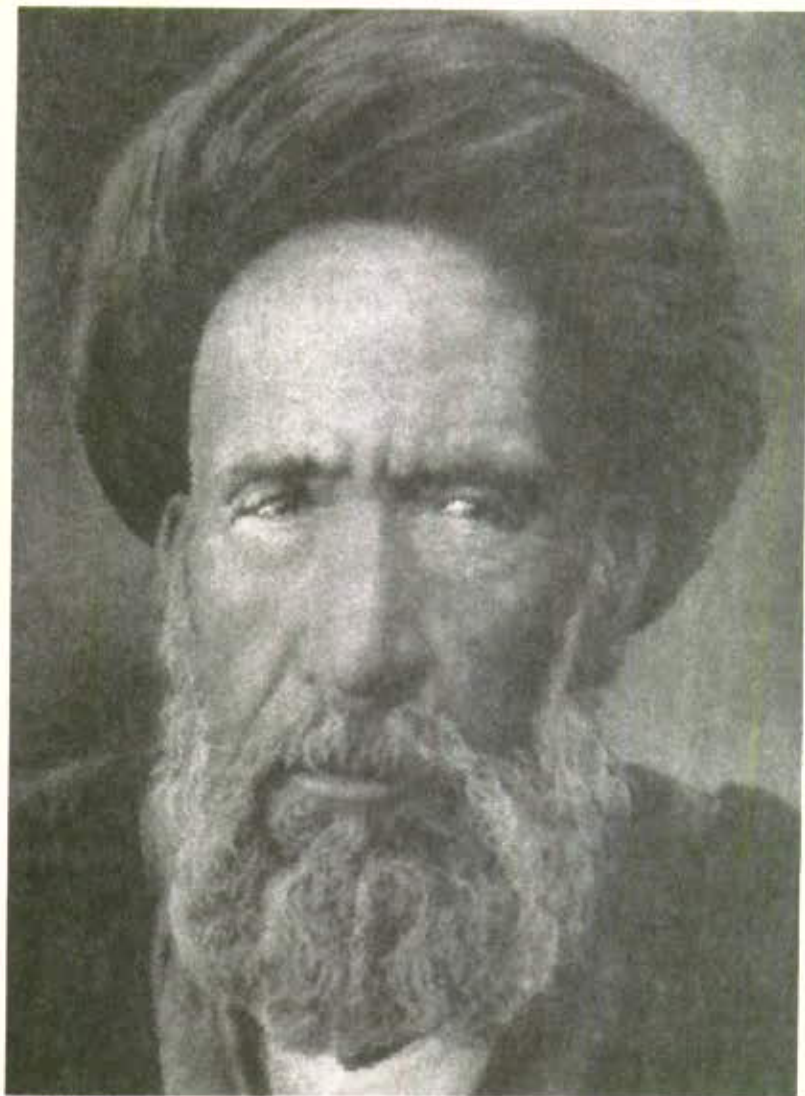
۵) همان منبع شماره ۱

۶) ونوفی، حبیب، اهمیت کار با زبان خارجی در یادگیری آن، مجله رشد آموزش زبان سال اول شماره ۲ زمستان ۱۳۶۳، ص ۱۴

سید حسن مدرس و آموزش زبان خارجی

... طلاب علوم مدارس عتیقه و محصلین مدارس جدیدہ باید ہمہ ی علوم را بخوانند. طلبہ و آخوند ما اگر چند زبان خارجی را بلد نباشد علمش ناقص است. من ہم می دانم علمم ناقص است. زبان عربی زبان قرآن و دین من است، زبان اعتقادی من است [و این را کہ] باید بلد باشم. [اما] حسرت می خورم کہ چرا یکی دو زبان خارجی را تحصیل نکردم. علمم ناقص است. هر بار با سران ترکان عثمانی کہ الحق در حق ما بدی کردند در نجف صحبت می کردم مترجم نہ مقصود آنان را بہ من حالی می کرد و نہ می توانست مقصود مرا بہ آنان بفهماند. علم همه ملل بہ درد ما می خورد. علم ما ہم بہ درد همه ملل می خورد. همه ی جامعہ، یک خانواده می شود. من صدای همه بزرگان دانش جهان را می شنوم و یا خواهم شنید. باید الفاظ آنان را بفهمم، شاید حرفشان برایم سودمند باشد. بدش را رہا می کنم و خویش را می پذیرم. حالا اگر کسی بگوید آخوند را چه بہ دانستن لسان انگلیس و یا فرانسه و یا جای دیگر، من قبول نمی کنم.

از کتاب مدرس مرد روزگاران



دوره‌ی توجیهی سرگروه‌ها

عنوان دوره: دوره‌ی توجیهی سرگروه‌های آموزشی سراسر کشور در درس زبان انگلیسی دوره‌ی راهنمایی

هدف کلی دوره: آشنایی با تغییرات بعمل آمده در محتوای برنامه‌ی درسی زبان انگلیسی دوره‌ی راهنمایی تحصیلی.

اهداف جزئی: آشنایی با اهداف آموزش زبان در دوره‌ی راهنمایی با توجه به تغییرات کتاب‌های درسی پایه دوم و سوم راهنمایی تحصیلی. نقش گروه‌های آموزشی در پیشبرد

اهداف آموزش زبان و نحوه‌ی فعالیت آنها، بررسی کتاب‌های زبان انگلیسی، آشنایی با نحوه‌ی تدریس و روشهای ارزشیابی هر بخش از کتاب.



طول دوره: ۳۰ ساعت

تعداد شرکت کننده: ۲۸ نفر از سرگروه‌های آموزشی درس زبان سراسر کشور.

اساتید دوره: آقایان محمدرضا عنانی سراب، جهانسیخش سنگیپور، عباس شنیع الاسلامی و مدیر تخصصی دوره حاتم شهلا زارعی بستانک.

دوره از تاریخ ۷۷/۶/۶ لغایت ۷۷/۶/۶ به مدت سه روز در محل مرکز آموزش نیروی انسانی امتداد احمد آرام در تهران، خیابان کاشان، جنب باشگاه فرهنگیان برگزار گردید.

در جلسه‌ی افتتاحیه مسئول گروه زبان آقای محمدرضا عنانی سراب اهداف دوره را تشریح کرده و همکاری با مدیران مراکز تربیت معلم در تشکیل دوره‌های استانی را مورد تأکید قرار دادند.

نحوه‌ی اجرای دوره و محتوای آن، در جلسات صبح روز اول، روش تدریس بخش‌های مختلف کتاب زبان انگلیسی معرفی شد و در جلسات بعد از ظهر بر اساس مدل ارائه شده به تهیه و ارائه کار گروهی توسط شرکت کنندگان پرداخته شد.

در روز دوم اصول زیربنایی هر بخش از کتاب درسی و مشابهنهات و تفاوت‌های آن با کتاب‌های درسی موجود مورد بحث و بررسی قرار گرفت و شرکت کنندگان در جلسات بعد از ظهر با کار گروهی اهداف، روش تدریس هر بخش از یک واحد یادگیری را مشخص نموده و ارائه دادند. نتیجه کار گروهی مورد بحث قرار گرفت و اصلاحات لازم در آن ایجاد شد. روز سوم، اصول ارزشیابی درس زبان در دوره‌ی راهنمایی مورد بحث واقع شد و در جلسات بعد از ظهر چند نمونه سؤال امتحانات نهایی پایه سوم بررسی گردید و در پایان

ویژه نامه‌ی آموزش زبان انگلیسی

شهلا زارعی بستانک

گزارش فعالیت‌های ضمن خدمت دبیران در تابستان ۱۳۷۷

دستور العمل ارزشیابی به بحث گذاشته شد و با توجه به کار کارشناسی قبلی روی دستور العمل و نظرات سرگروه ها تغییراتی در آنها ایجاد شد که لازم است دستور العمل ارزشیابی در آینده با اعمال تجدیدنظرهای لازم مجدداً به استان ها ابلاغ شود.

برنامه های جنبی دوره: تشکیل جلسه مشترک با مدرسان مراکز تربیت معلم شرکت کننده در دوره به منظور ایجاد هماهنگی بین سرگروه های آموزشی درس زبان انگلیسی و مدرسان مراکز تربیت معلم در اجرای دوره های استانی. ارزشیابی از دوره براساس ارائه کار عملی سرگروه ها صورت گرفت. ارزیابی در مجموع مثبت بوده و میزان موفقیت در دست یابی به اهداف به طور نسبی حاصل شده است.

پیشنهادهای سرگروه های آموزشی زبان انگلیسی دوره ی راهنمایی

- تأکید بر تألیف کتاب معلم پایه دوم و سوم راهنمایی

- تهیه ی نوارهای ویدیویی روش تدریس کتب درسی راهنمایی

تحصیلی توسط مؤلفان

- پیشنهاد استفاده از پاسخ نامه در امتحان نهایی زبان سوم راهنمایی

- مشخص نمودن راهکارهای مناسب برای همکاری بیشتر بین

سرگروه های آموزشی استان های همجوار

- تقاضای برگزاری دوره های آموزشی و توجهی در سال های آینده

دوره ی تأمین مدرس

عنوان دوره: دوره ی تأمین مدرس زبان انگلیسی دوره ی

راهنمایی تحصیلی.

هدف کلی دوره: آشنایی با روش تدریس و ارزشیابی کتابهای

انگلیسی دوره راهنمایی تحصیلی.

اهداف جزئی دوره: توجه اهداف و منای نظری آموزش زبان

در دوره ی راهنمایی، روش تدریس بخش های مختلف کتاب،

ارزش یابی تکوینی و مجموعی در آموزش دوره ی راهنمایی، نحوه ی

استفاده از وسایل کمک آموزشی

طول دوره: ۴۰ ساعت

تعداد شرکت کننده: ۴۳ نفر از مدرسان مراکز تربیت معلم.

اساتید دوره: آقایان دکتر پرویز بیرجندی - دکتر پرویز مفتون -

محمد رضا غنائی سراب و همکار تخصصی دوره خانم شهلا زارعی

نیستانک

نوع اجرا: ۱۲ ساعت عملی و ۲۸ ساعت نظری.

روزهای اجرای دوره: ۷۷/۶/۳ لغایت ۷۷/۶/۶ در محل مرکز

آموزش نیروی انسانی استاد احمد آرام، خیابان کاشان جنب باشگاه

فرهنگیان برگزار گردید.

در جلسه افتتاحیه که در ساعت ۸ روز سه شنبه ۷۷/۶/۳ پس از

قرائت کلام الله مجید آغاز گردید، اهداف دوره توسط مدیر تخصصی

دوره تشریح گردید و این نکته مورد تأکید قرار گرفت که با توجه

به تغییرات کتاب درسی دوره ی راهنمایی، لازم است مدرسان محترم مراکز تربیت معلم ضمن آشنایی با تغییرات کتاب با اهداف زیربنایی و همچنین با نحوه ی تدریس هر بخش از کتاب آشنا شوند تا از این طریق هماهنگی هایی در شیوه های تدریس و ارزش یابی ایجاد گردد.

نحوه ی اجرای دوره: شرکت کنندگان به دو گروه ۲۱ و ۲۲ نفری

تقسیم شدند. در جلسات صبح اصول نظری مربوط به هر بخش

از کتاب و مدلی برای تدریس آن توسط اساتید مربوطه ارائه شد و

در جلسات بعد از ظهر افراد گروه در تیم های کوچکتر مباحث مطرح

شده را به بحث گذاشته و نتایج بحث های خود را ارائه دادند.

محتوای دوره براساس اهداف از پیش تعیین شده شامل تدریس

بخش های مختلف کتاب های دوره ی راهنمایی: ۱- چگونگی

تدریس شروع آموزش در پایه ی دوم راهنمایی ۲- تدریس مکالمه و

ساختارهای دستوری ۳- نحوه ی ارزشیابی از دانش آموزان ۴-

چگونگی تدریس متون خواندن و همچنین چگونگی استفاده از

وسایل کمک آموزشی در آموزش زبان در دوره ی راهنمایی بوده

است.

برنامه های جنبی: تشکیل جلسه مشترک بین سرگروه های

آموزشی سراسر کشور و مدرسان مراکز تربیت معلم شرکت کننده

در دوره به منظور ایجاد هماهنگی های لازم بین دو گروه طراحی شد.

ارزشیابی از دوره براساس ارائه ی کار عملی صورت گرفته است.

در مجموع ارزیابی دوره تا حدودی مثبت تلقی شده و بطور نسبی

به اهداف مورد نظر رسیده است. ذکر این مطلب ضروری است چون

این دوره اولین دوره ای است که پس از چند سال برای معلمان

راهنمایی طراحی شده است، یقیناً باز خورد آن در برنامه های آتی

مورد توجه قرار خواهد گرفت.

پیشنهادهای:

- تأکید بر اجرای دوره ها در استان و صدور حکم مدرسی

براساس میزان موفقیت مدرسان در اجرای دوره های استانی

- ارسال بخشنامه ها و دستور العمل هایی که به نحوی به روش

تدریس و ارزشیابی کتاب های درسی دوره ی راهنمایی مربوط

می باشد، به مراکز تربیت معلم.



در تیرماه ۱۳۷۷، دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی همایش آموزش زبان عربی را در تهران برگزار کرد. هدف از این همایش، تبیین رهنمودهای مقام معظم رهبری به وزیر آموزش و پرورش در مورد توجه خاص به درس های قرآن و عربی بود. از این رو قبلاً در یک فراخوان عمومی از همه دبیران و صاحب نظران خواسته شد مقالات خود را در زمینه های مختلف مربوط به «آموزش زبان عربی» برای همایش ارسال کنند. در پاسخ به فراخوان حدود ۱۲۰ مقاله به دفتر همایش رسید که از آن نزدیک به ۲۰ مقاله برگزیده شد که در همایش عرضه گردید. خلاصه ی همه مقالات نیز در مجموعه ای ۱۲۸ صفحه ای تنظیم شد و به چاپ رسید. ما از میان این خلاصه مقالات، سه مقاله را برگزیده ایم که تقدیم شما دبیران ارجمند عربی می کنیم.

رشد

تنوع و فراوانی واژگان قرآنی در کتابهای اول و دوم دوره ی راهنمایی (جدید)

یکی از شیوه های فهم متون دینی از رهگذر آموزش زبان عربی این است که دانش آموز با واژگان قرآنی آشنا شود. هوشمندی مؤلفان کتاب های آموزش عربی موجب شد که از میان واژگان قرآنی، آن دسته از واژه هایی را برگزینند که دارای بیشترین استعمال در قرآن کریم هستند و بدین ترتیب، در فضای محدود کتاب های درسی واژه هایی به کار گرفته شده اند که جمعاً بیش از ۱۴۴۱۵ بار در قرآن کریم تکرار شده است.

واژه شماری در قرآن کریم

به استناد نرم افزارهای قرآنی که توسط محققان و مؤسسات پژوهش های قرآنی معتبر ارائه شده، یکصد واژه دارای ۴۳۱۶۷ بار تکرار در قرآن کریم هستند، با این وصف، در صورتی که دانش آموز با معنی و مفهوم این یکصد واژه آشنا شود، به درک بیش از ۵۵ درصد از واژگان قرآنی ناآل می گردد. در نگاهی دیگر، بیش از ۳۲۰۰۰ کلمه از کلمات قرآن به ۱۶۰ ریشه و هم خانواده های آن محدود می شود و بنابراین، در صورتی که کتاب های درسی به استعمال و آموزش این ریشه های پرکاربرد مبادرت ورزند، دانش آموز را بر بخش عظیمی از واژگان قرآنی واقف می سازند.

در تدوین کتاب های کلاس اول و دوم راهنمایی نه تنها نسبت به

استعمال و کاربرد واژگان قرآنی اهتمام شده است، بلکه زیرکانه، آن دسته از کلمات و ریشه های برگزیده شده اند که دارای بیشترین استعمال در قرآن کریم هستند. مثلاً از جمله ی پرکاربردترین واژگان قرآنی؛ قال (۵۱۰ بار تکرار)، الارض (۴۴۴ بار تکرار)، کان (۴۱۸ بار تکرار) و دلک (۲۹۵ بار تکرار) و از جمله پرکاربردترین ریشه های قرآنی؛ قول (۱۷۲۲ بار تکرار)، علم (۸۵۴ بار تکرار)، امن (۸۷۹ بار تکرار)، رسل (۵۱۳ بار تکرار) و جعل (۳۴۶ بار تکرار)، به طور مکرر در کتاب های درسی مورد استعمال قرار گرفته اند.

واژه شماری در کتاب عربی اول راهنمایی

از جمع ۲۰۵ کلمه ای که در کتاب عربی کلاس اول راهنمایی آموزش داده می شود، بیش از ۸۷ درصد از آنها دارای استعمال قرآنی هستند؛ بدین شرح:

- ۱۷۷ واژه عیاد در قرآن کریم به کار رفته است (۷۰/۸ درصد)
- ۳۲ واژه دارای مشتقات پرکاربرد در قرآن هستند (۱۲/۸ درصد)
- ۱۰ واژه دارای استعمال فراوان در ادعیه هستند (۴ درصد)
- جانب اینکه فقط ۷۰/۸ درصد از واژه های کتاب اول دارای ۶۵۹۶ بار تکرار در قرآن کریم هستند و به عبارت دیگر دانش آموزان در اولین سال آموزش زبان عربی به ۹/۹۷ درصد

واژگان قرآنی آشنا می شوند.

واژه شماری درس ۱ تا ۶ کتاب دوم راهنمایی

این تحقیق که فقط نیمی از کتاب عربی دوم راهنمایی را دربرمی گیرد، حاوی نکاتی بس جالب و شایان توجه است.

از جمع ۲۷۰ واژه ی قرآنی که در ۶ درس اول کتاب دوم راهنمایی مطرح شده اند، ۱۳۸ واژه تکرار واژه هایی است که در کلاس اول راهنمایی آموزش داده شده اند و بنابراین، سیاست کاربست فراوان واژه های قرآنی، در این کتاب نیز مورد توجه بوده است تا دانش آموزان آموخته های قبلی خود را به دست فراموشی نسپارند. با این وصف تعداد ۱۳۲ واژه ی قرآنی جدید در این ۶ درس مطرح می شود.

آمار و ارقام زیر میزان پوشش واژه های قرآن کریم را نشان می دهد: - در این ۶ درس، تعداد ۱۰۴۹۹ کلمه از کل کلمات قرآنی تحت پوشش واژگان قرآنی درس ها قرار می گیرند.

- در این ۶ درس، از کل ۱۰۴۹۹ واژه ی یاد شده، تعداد ۷۸۱۹ کلمه از جمع کلمات قرآن بر اساس واژگان جدید، تحت پوشش قرار می گیرند.

جمع بندی

با توجه به بررسی به عمل آمده، جمعاً ۳۰۹ کلمه از کلمات قرآنی در کتاب عربی کلاس اول و ۶ درس اول

کتاب عربی کلاس دوم راهنمایی به کار رفته اند و جمعاً تعداد ۱۴۴۱۵ کلمه از کل کلمات قرآنی که بنابر شمارش کتاب «فرهنگ آماری کلمات قرآن کریم» تألیف دکتر محمود روحانی (آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸) برابر با ۷۷۸۰۷ واژه اعلام شده است، تحت پوشش آموزش های این کتاب قرار می گیرند و بدین ترتیب، شیوه ی تدوین کتاب ها به گونه ای است که دانش آموزان به درک ۱۸/۵۲ درصد از واژگان قرآنی ناآشنا می آیند که نظر به محدودیت های کتاب های درسی، می توان از آن به عنوان یک شاهکار یاد کرد.

نقش این کتاب ها در کمک به دانش آموزان برای فهم متون دینی و از جمله قرآن کریم، به واژه شناسی محدود نمی شود؛ بلکه اساساً مباحثی همچون انتخاب انواع قواعد آموزشی، ساختارهای عربی، درج مکرر آیات، مفهوم یابی و ... نیز عملاً در خدمت این مهم قرار می گیرند که البته بحث در این باره، نیازمند تحقیق و پژوهشی جداگانه است ولی بنابر مطالعه ی حاضر، می توان ادعا نمود که این کتاب ها در بخش معرفی واژگان قرآنی از موفقیت لازم برخوردارند و عملاً پاسخ شایسته ای به ندای مقام معظم رهبری به شمار می آیند.

قاسم کریمی، مؤلف

کتاب عربی دوره ی راهنمایی

متون آموزشی

استفاده از متون دینی در آموزش عربی به عنوان یک هدف محسوب می شود که رهبر معظم انقلاب با دوراندیشی به آن توجه کرده اند منتهی این هدف نیاز به مقدماتی دارد که بدون در نظر گرفتن آنها رسیدن به هدف میسر نیست. برای بهبود آموزش زبان عربی، تغییر کتب درسی و ارائه ی شیوه های نوین آموزشی مورد توجه مؤلفان و برنامه ریزان می باشد در حالی که به نظر اینجانب تغییر در ساختار آموزشی مربیان اهمیت بیشتری دارد. عربی، درسی فنی و لمسی کردن، با فرمول های خاص است. در طول سالیان تدریس بارها متوجه اشکالات بزرگ و غیر قابل بخشش در کار همکاران بوده ام و این اشکال دو منشأ دارد:

۱- تحوه ی آموزش مربیان در مراکز تربیت معلم

۲- استفاده از دبیران غیر متخصص

دانش آموز در سال اول دوره ی راهنمایی باید زیر نظر معلم متخصص و دوره دیده پایه های زبان عربی را لمس کند، معنی حرکات را بفهمد، در همان دروس اول بتواند جملات ساده به طرز



صحیح به زبان عربی سوبسد و حرکت گذاری کند به طوری که بتواند درس‌ها را به صورت کاربردی فرا گیرد و آنچه را که می‌آموزد در عمل بیان کند. لذا اگر آموزش درست و صحیح اعمال شود، دانش آموز در همان سال اول باید بتواند متن ساده‌ی بدون اعراب را اعراب گذاری کند و حملات فارسی در سطح کتاب رایج عربی ترجمه کند. دانش آموز در پی کسب این توانایی، به راحتی می‌تواند از متون کتاب درس عربی که دارای مفاهیم و مضامین دینی است، استفاده کند ولی کتاب درسی دانش آموزان باید از ویژگی‌های خود برخوردار باشد. متون درسی باید در عین سادگی شامل نکات آموزنده، مفرح، کوتاه، آموزنده و متناسب با قواعد درسی باشند مثلاً:

۱- حکایاتی از زندگی قدا و بزرگان دینی و علمی؛

۲- نکاتی جالب در مورد سوز قرآنی مانند فضیلت خواندن سوز و شأن ثرول سوز؛

۳- بیان قصه‌های قرآنی جذاب، داستان حضرت یوسف، حضرت موسی همراه با تصاویر شاد و زیبا.

درس عربی دارای ارتباط نزدیکی با دروس ادبیات و دینی است و مسلماً معلمان این درس نیز باید دارای ارتباطی نزدیک با این درس باشند. می‌توان به صراحت گفت که پایه‌های اصلی درس عربی را تدریس خوب معلمان ادبیات در کلاس‌های ادبیات بر عهده دارند و قرائت خوب عربی توسط دانش آموزان را تا حد زیادی از تلاش خوب معلمان قرآن بدایم و اگر دروس عربی با تدبیر عالمانه و با توجه به موارد ذکر شده تدوین گردد آیا بارزترین هدف کلی آموزش و پرورش که همانا پرورش فکری با استفاده از متون دینی به طریقه‌ای شیرین و غیر مستقیم است تحقق نیافته است؟ به امید آن روز.

شهین جلی پرداز

(دبیر)

بررسی مسائل و مشکلات آموزش عربی در ایران

۱- ضرورت آموزش عربی از دیرباز مورد توجه مدرسان و صاحبان مکتب خانه‌ها بوده و همین ضرورت را فاسون گذاران جمهوری اسلامی احساس کرده‌اند. لذا در اصل شانزدهم فاسون اساسی به آموزش آن تأکید شده است.

۲- بررسی موانع و مشکلات آموزش زبان عربی در ایران با بررسی وضع موجود در ارکان آموزش روشن می‌شود. در وضع

موجود، اکثر دبیران عربی غیر متخصص و کتاب‌های مضایع راهنمایی و دبیرستان فاقد ارتباط منطقی هستند و این عدم وجود ارتباط گاهی در کتاب‌های یک سال تحصیلی (دوره راهنمایی) نیز به چشم می‌خورد و غالباً به مقوله‌ی اولویت بندی سر فصل‌ها بر می‌گردد. در کتاب‌های عربی متوسطه نیز سبده‌ای چون مباحث صرف و نحو که باید در خدمت فهم متون دینی باشد، مدلل به هدف شده و آیات و احادیث بالاخص در تمرین‌ها در حاشیه قرار گرفته‌اند و از طرفی این آیات و احادیث هیچ ارتباط منطقی با مباحثی که دانش آموز در درس‌های دینی و قرآن می‌خواند، ندارند.

۳- یکی از مهمترین مشکلات موجود بر سر راه آموزش زبان عربی، فقدان کتاب راهنمای معلم و کتاب‌های کمک آموزشی مناسب برای دانش آموزان است. برای برداشتن این موانع تألیف همزمان کتاب راهنمای معلم برای کلیه کتاب‌های عربی مقطع راهنمایی - متوسطه از ضروریات مسلم است و نیز تألیف کتاب‌های کمک آموزشی و حتی توسط متخصصان فن برای نجات دادن دانش آموزان از اشفته بازار کتاب‌های حل المسائل می‌تواند گامی مؤثر و راه گشا باشد.

۴- بهره‌گیری از ابزارهای کمک آموزشی در کلاس درس می‌تواند در فهم و علاقه‌مندی دانش آموز به درس عربی مؤثر باشد. اما متأسفانه بسیاری از دبیران یا با ابزارهای کمک آموزشی مناسب آشنایی ندارند و یا به خود زحمت بهره‌گیری از این ابزارها را نمی‌دهند.

۵- عدم وجود هماهنگی میان عوامل مؤثر در آموزش زبان عربی از دیگر مشکلات موجود بر سر راه آموزش مؤثر این درس است. این ناهماهنگی شامل محتوای کتاب‌های عربی و نیز حجم این کتاب‌ها و عدم تناسب آن با ساعات اختصاص یافته برای تدریس است. علاوه بر این دو، فضاهای آموزشی نامناسب مزید بر علت است زیرا غالباً جمعیت کلاس‌های ما به مراتب بیش از حد تصاب و استاندارد جهانی می‌باشد.

۶- عدم وجود انگیزه‌ی لازم برای یادگیری درس عربی در دانش آموز. این بی‌علاقگی اغلب ریشه‌های تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دارد.

ایران حاج بی

(دبیر)



هنر

گفتگو با استاد هاشم ظریف تبریزیان

تهیه و تنظیم: حسن شرفی و شهرزاد امینی

زندگی خود و استادهاشان شروع بفرمایند.

... بسم الله الرحمن الرحيم، بنده در مشهد مقدس در سال ۱۳۰۱ متولد شدم ولی در اصل، خانواده ام اهل تبریز هستند و به این جهت هم قایل مرا «ظریف تبریزیان» گذاشته اند. هنر را با راهنمایی های بسیار مفید شروع کردم. در سن ۱۵-۱۶ سالگی حس کردم که می توانم کارهای هنری بکنم. علاقه ی زیادی به نقاشی داشتم و تصادفاً با استادی به نام «محمد رضا قزل باش» که از مهاجرین افغانستان بودند، آشنا شدم. ایشان در هرات و در دربار امان الله خان مشغول کارهای نقاشی بودند. می دانید که امان الله خان در هرات مکتبی داشته که بسیار غنی و پربار بوده و بیشتر نقاشانی که از سمرقند و بخارا به طرف هرات آمدند هنر گل و بوته و جلد و کارهای اصیل ایرانی، مینیاتور و نظایر آن را توسعه دادند. آقای قزل باش وقتی که به مشهد آمدند در کتابخانه ی

انسان از قدیم ترین ایام همواره با طبیعت بوده و در طبیعت زندگی کرده است؛ اما تنها کسی که از آن الهام گرفته و توانسته است به مقدار وسیع و توانایی خود قسمتی از زیبایی های دل انگیز آن را به روی کاغذ و یا هر چیز دیگر ثبت و ضبط نماید و برای آیندگان به یادگار بگذارد آن هنرمندی بوده است که طبعی لطیف و ذوقی سرشار و قریحه ای خداداد داشته است.

کیست که ابهت کوه و جنگل و زیبایی شفق و فلک و الوان متنوع و دلپذیر ابرهای بهاری و معاشقه ی گل و بلبل و نسیم روح افزا با زلف تابدار نیلوفر را تدبیده و از زیبایی بی حد و اندازه آن از احساس سرشار شده باشد.

■ با سپاس از استاد ارجمند جناب آقای هاشم ظریف تبریزیان که گفتگو با ما را پذیرفته اند از حضورشان تقاضا می کنیم با صحبت درباره ی

آستان قدس رضوی مشغول خدمت شدند و من به کلاس ایشان رفتم. در طی مدتی که در کلاس ایشان بودم مرا شناختند و متوجه شدند که می توانم فرد مورد نظر ایشان باشم. بعد از مدتی کار و کوشش توانستم کارهایی ارائه دهم که موجب خوشحالی استاد شد. مرا به کتابخانه ی آستان قدس دعوت کردند. در سال ۱۳۲۰ هـ. ش وارد کتابخانه شدم. از همان روز اول اسنادم کارهای نسبتاً مشکلی جلوی من می گذاشتند و بنده هم بطور احسن انجام می دادم؛ و حتی کارهای اصیلی که در گنجینه ی قرآن آستان قدس در حال حاضر دارم مربوط به مسائلهای ۱۳۲۱، ۱۳۲۴ و ۱۳۲۵ هـ. ش می باشد که مورد توجه اسنادان صاحب نظر قرار گرفته است. عرض کنم اصل کارم در کتابخانه نهی ی جلد های نو برای قرآن های نفیس بود و تعمیر جلد های قدیمی مربوط به قرآن های نفیس و تذهیب و بعضی از کتابهایی که حاشیه های گل و بوته می حواستند. همچنین می توانستم عکس های واقفین، نویسنده ها و کسانی را که تألیفاتی داشته اند، رنگی بکشم و نقاشی کنم که هم اکنون آلبوم هایی از آنان به یادبود در کتابخانه ی آستان قدس نگهداری می شود. بالاخره زندگی قانی می شود و از بین می رود و چیزی که از انسان می ماند آثارش است. من علاوه بر روحیه ی هنری روحیه ی ورزشی هم دارم و در حدود ۱۵ سال ژیمناست بودم و مدال های زیادی، حدود ۱۷-۱۸ مدال، از شخصیت های مملکت دریافت کردم که این باعث افتخار من و خانواده ام است که توانسته ام این دو رشته را به حد اعلای رسانم به هر حال نقاشی هابم مورد قبول استاد های نقاش ایران بوده و در ارزشیابی هنری، رتبه ی درجه یک را به من مرحمت نموده اند. من از ثروت و مکنت چیزی ندارم. فقط هنر دارم، هنر را دوست دارم و هنرمندان را هم خیلی دوست دارم و همین موجب افتخار زندگی من است.

■ استاد بفرمایید که از چه موقع به هنر گل و بوته علاقه داشته اید و ارزش هنر گل و بوته را در چه می بینید و خودتان چه نکته ی جدیدی در رنگ آمیزی و نقطه پردازی از گل و بوته وارد کرده اید؟

البته بعد از این که اسنادی داشتم و راهنمایی شدم، روی هم رفته من طبیعت را بهترین استاد خودم می دانم و همیشه در پارک ها، و در جاهایی که انواع و اقسام گل ها هست می روم و آنها را تماشا می کنم. اصولاً از گل های اصیل ایرانی در طبیعت الهام می گیرم. سبک کار تقریباً نقطه پردازی است که به طور کلی کار مشکلی است ولی من از همان ابتدای شروع کار به این رشته ارزش دادم و دیدم که بهترین سبک کار همین نقطه پردازی است. البته انواع کارهای مختلف مثل شست، هاشور و سایه روشن نیز هست، اما زیباترین اینها همان نقطه پردازی است که فکر می کنم اصیل ترین کار ایرانی است.

■ استاد بفرمایید که کدامیک از کارهای گل و بوته ی هنرمندان پیشتر مورد توجه شما قرار گرفته است، در ضمن اگر اشاره ای داشته باشید

به تغییر و تحولاتی که بزرگان این رشته در هنر گل و بوته ایجاد کرده اند خیلی سپاسگزارم.

از نظر کار هنری جلد های خیلی ریز توسط اسنادی انجام شده و در حال حاضر اسامی شان را درست به خاطر ندارم که به شما بگویم کدام یک بهتر است و کدام یک کمتر و درست هم نیست. کارهایی که روی جلد های قرآن های نفیس انجام داده اند همه شان مورد ستایش است و بسیار هم خوب کار کرده اند. روی قلم دان ها، در حاشیه ی آینه ها و غیره از لحاظ فن کاری خوب است. هر موقع کار تذهیب، گل و بوته یا جلدی می بینم واقعاً تحت تأثیر قرار می گیرم و یادم می آید که فوری یک حمد و سه قل هو الله بخوانم برای سازنده ی آن و برای همه ی آنها که چنین کارهای ارزش مندی کرده اند و این که به سبب اعتمادی که داشتند گام های بسیار عالی و مثبتی برای قرآن برداشته اند. عرض کنم به نظر من کارهای اصیل مثل گل و بوته هایی که در روی جلد ها کشیده اند هیچ تغییری نباید بکنند زیرا هر گونه تغییر سبب می شود این کار و این هنر اصالت خودش را از دست بدهد. کار ایرانی در هر کجای دنیا که باشد به واسطه ترکیب و پیچش برگ و گل خودش را نشان می دهد. گل و بوته های متفرقه ی هندی، پاکستانی، چینی و غیره از هر نوع که باشد در مقایسه با کار ایرانی، تفاوت آنها مشخص می شود و من بر این عقیده ام که گل و بوته ی ایرانی اصلاً نباید تغییر کند.

■ استاد لطفاً درباره ی دوستان هنرمندان توضیح بفرمایید.

رقابت درونی است، گفتنی نیست، کسی که با فردی کار می کند کار طرف را می بیند و به خود طرف نباید گفت که می خواهم با تو رقابت کنم. این نوع رقابت مثل کارهای ورزشی است که یک دوندۀ سعی دارد از دوندۀ دیگر جلو بزند. بالاخره سعی می کند کارش را بهتر انجام دهد و خود بخود وقتی که کار بهتر شد شان می دهد که این کار خوب است یا نه.

یکی از همکاران من که خداوند رحمتش کند مرحوم آقای عیسی آلفته بود که هر دو با هم وارد کتابخانه آستان قدس شدیم و با هم کار می کردیم و باطناً با هم رقابت می کردیم و کارهایمان هر دو به حد اعلای رسید و کارهای آن مرحوم در موزه های دنیا هست و مورد تحسین مردم قرار گرفته است.

تفاوت کار من با مرحوم عیسی آلفته آن وقت در نمونه کارهایمان مشخص می شود. کارهای ایشان بیشتر قریبه و متقارن است. اما بنده همیشه با خیال و فکر خودم طرحی را پیاده می کردم و هیچ مدلی نداشتم که مثلاً بگویم می خواهم این را بکشم. با فکر و تصور خودم طرح پیچش، بللی، مرغی یا چیزی همیشه در فکر من بوده و فکر خودم را پیاده می کردم.

■ درباره ی شیوه ی کار و آثارتان توضیح بفرمایید که غیر از گل و بوته

در چه زمینه های دیگری کار می کنید؟

— در زمینه ی نقاشی، هم رنگ و روغن کار کرده ام و هم سیاه قلم. البته سیاه قلم من به این صورت بوده که مشتری تقاضا می کرده، یا عکس هایی می دادند که کوچک بوده و من بزرگ می کشیدم یا کلاه نداشته، چشم نداشته، و من این موارد را اضافه می کردم و البته از نظر فن هنری کاری خیلی ساده است. به طور کلی من دست به هر کار هنری نقاشی بزنم از عهده ام بر می آید.

اما اصیل ترین کارم همین گل و بوته و مرغ است که یک نمونه از آن روی جلد کتاب های درسی قرآن مجید دوره ی راهنمایی چاپ شده است.

■ استاد اولین اثرتان که به قول معروف گل کرد و جا افتاد کدام بود؟
— از کارهایی که الان در موزه ی آستان قدس دارم و برایم خیلی جالب است تصویر نقاشی شده ی محمد زکریای رازی است. منظره ای است از داروسازی زکریا که اطرافش جوگان بازی، گل و بوته، مینیاتور و منظره های دیگر است.

■ استاد در نقاشی گل و بوته شیوه ی آموزش به چه ترتیب است؟ آیا از طراحی طبیعت شروع می شود؟

هر کاری که انسان می خواهد بکشد ابتدا باید با مداد طرح قشنگی بریزد، وقتی مورد رضایت بود شروع به گذاشتن تک رنگ کند تا تقریباً حالت گل و بوته جا بیافتد. وقتی طرح مورد پسندش بود با پاک کن مدادی هایش را پاک می کند بعد شروع به سایه روشن زدن می کند. البته گل و بوته را با هاشور می توان رنگ آمیزی کرد، اما بهترین روش همان نقطه پردازی است. که اگر از دست هر کس برآید بسیار زیبا و قشنگ است و مورد رضایت تماشاگران قرار می گیرد.

■ استاد آیا در زمینه ی نقاشی گل و بوته شاگردانی تربیت کرده اید، چه کسانی هستند؟

— سابقاً در دبیرستان ها، در آموزش و پرورش، به عنوان دبیر نقاشی خدمت می کردم و شاگردان زیادی زیر دست من بودند. روی هم رفته به هیچ عنوان دوست ندارم که بگویم فلان کس شاگرد من است یا فلان کس که توانسته کارهایی انجام بدهد شاگرد من بوده است. البته توقع زیادی هم از شاگردان خودم ندارم که این مطلب را عیان کنم. اگر فردی انسان و قدر دان باشد و کار استاد را ارج بپند بدم نمی آید، اما هیچ وقت حاضر نیستم که بگویم فلان کس شاگرد من است، شاید او ذوق هنری ذاتی داشته و توانایی دارد و فعالیت و کوشش کرده است که به اینجا رسیده. هنر تزیینی نیست، آمپول نیست که بتوان تزریق کرد. کسانی که در این رشته کار می کنند باید ذاتاً هنر دوست باشند و هنر توی خونشان باشد تا بتوانند کارهای ارزشمند و ماندگار انجام دهند.

■ چه نوع آثاری از شما در مخزن کتابخانه ی آستان قدس نگهداری می شود؟

— بیشتر تابلوهای گل و بوته، جلد های روغنی و تذهیب، سر لوح بعضی از کتاب ها و عکس های واقفین، شاعر ها، نویسندگان و سلاطین است. تعداد زیادی هم در منزل کار کردم که آستان قدس تشخیص داده که خوب است و خریداری کرده و در حال حاضر در گنجینه ی آستان قدس موجود است.

■ درباره ی آثارتان در داخل و خارج کشور توضیح بیشتری بدهید و اگر در این مورد خاطره ای دارید تعریف کنید.

— خاطره ای دارم از استاد محمود فرشچیان که همه ایشان را می شناسند. روزی در کتابخانه ی آستان قدس، ایشان آلبوم آثار مرا تماشا می کردند و از کارهایم تعریف می کردند، من به ایشان گفتم که اینها چیزی نیست و ما کاری نکردیم، ایشان فرمودند: نه این طور نیست، مجموعه کارهای شما در موزه ی نیویورک نگهداری می شود. من دانستم که این عتیقه فروش ها کارهای مرا خریده و به خارج برده اند. یک مشتری داشتم که می گفت این کار را تمام کن و اصرار داشت که امضا نشود، شاید خود ایشان یا شخص دیگری دوست داشت امضا کند.

■ استاد برای شیفگان جوان هنرهای سنتی بویژه گل و بوته، تذهیب و مینیاتور چه نصیحتی دارید. به نظر شما چگونه باید کار کنند تا دقت و صحت عمل و اصالت کار را توأم با امانت لازم حفظ کنند؟

— من به جوانان کاری ندارم بلکه از وزارت ارشاد اسلامی می خواهم که جوانان را هر چه بیشتر با هنر آشنا سازند و این، هم برای جوانان و هم برای مملکت بهتر است. آنها را بایستی به رشته های مختلف هنری راهنمایی کرد و از انحراف فرهنگی آنان جلوگیری کرد. ■ اگر اشاره ای هم به رابطه ی هنر گل و بوته و مکتب هرات بفرمایید متشکر می شوم.

— در دوره ی تیموریان حسین بایقرا که از پسران تیمور بود علاقه ی زیادی به این هنر نشان داد و همه ی هنرمندان را در هرات جمع و تشویق کرد و این هنر از هرات به کشورهای دیگر توسعه یافت. استاد من هم که مرحوم قزل باش بود همان طور که گفتم از افغانستان به مشهد مهاجرت کرد. او نقاشی را از همان مکتب هرات آموخته بود و بنده و مرحوم آلفته در مشهد از شاگردان ایشان بودیم. این امر باعث شد که این هنر به صورت منحصر بفرد در مشهد درآید. هم اکنون عده ای مشغول آموزش و فراگیری هستند و این هنر را توسعه می دهند.

■ استاد اگر در پایان رهنمودی دارید بفرمایید:

نواری که من دارم صحبت می کنم به همت یکی از شاگردانم به نام آقای شرفی است که زحمت کشیدند و به اتفاق سرکار خانم امینی تشریف آوردند و از من سؤالاتی کردند و بنده هم قابل نبودم. امیدوارم که در زندگی موفق و مؤید باشند.



تاریخ

دانشتنی‌هایی

درباره‌ی

تاریخ اول راهنمایی

مسعود جوادیان

اکنون به توضیحاتی درباره بعضی از آنها می‌پردازیم:

مسجد شیخ لطف‌الله: مسجد شیخ لطف‌الله از زیباترین میراث‌های فرهنگی ایران است. این مسجد در مشرق میدان امام خمینی (میدان نقش جهان) اصفهان واقع شده است. شایسته اجرای این بنا اعم از گند و سر درد و شستن و محراب و غیره موجب تحسین صاحب‌نظران ایرانی و غیر ایرانی شده است. کاشی‌کاری داخلی شستن شامل معرک‌کاری‌های بی‌نظیر و کتیبه‌های زیبا و پنجره‌های مشک می‌باشد. تنوع طرح و رنگ در این قسمت ریاضی جیره‌کننده‌ای را پدید آورده است. در محراب مسجد امام معمار یا سکی ساخته‌ای آذین شده است (استاد حسین بنای اصفهانی ۸۰۳۸ هـ. ق.) از آنجا که شاه عباس اول این مسجد را برای امام‌جماعت آن شیخ لطف‌الله، که شیخ الاسلام شهر اصفهان بوده است، ساخته است، بدین نام مشهور شده است. مسجد شیخ لطف‌الله در سال ۱۳۱۵ هـ. ش تعمیر اساسی شده است.

همان گونه که می‌دانید چاپ ۷۷ تاریخ اول راهنمایی همراه با بازنگری اساسی و تغییراتی در جهت انطباق کتاب با دیدگاه‌های نوین برنامه‌ریزی درسی ارائه شده است. در شماره‌های قبل یا توضیحات لازم درباره‌ی چگونگی این تغییرات، بویژه نکات ضروری در خصوص برخی پرسش‌های آخر درس‌ها به قلم آقای حواد عباسی آشنا شدید. برای پاسخ گویی به برخی دیگر از پرسش‌ها، فعالیت‌ها و نیز توفیق کافی در آموزش، آشنایی با برخی دیگر از دانستی‌های تاریخی ضروری است. در نوشته‌ی حاضر با این دانستی‌ها آشنا می‌شوید.

۱- تصویرهای صفحه ۱: این تصاویر از بالا به پایین عبارتند از: (۱) حمام معروف داربوش، یک نگار عصب‌ضربی، شستن مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان، تصویری خیالی از دو آینه‌دوره‌ی هجده‌می، گنج‌نامه، دو سکه‌ی دوره اسلامی، مرغ افسانه‌ای هماغه، و یک افلاک در حرم‌آباد.



قرار است:

داریوش شاه، شاه بزرگ، شاه شاهان، پسر ویشناسپ
هخامنشی. داریوش شاه گوید: این (است) شهر یاری که
من دارم از (سکاها) که آنها آن طرف (سغد) هستند، از آنجا
تا به حبشه؛ از هند، از آنجا تا به سارد، که آن را اهوره مزدا
که بزرگترین خدایان (است) به من ارزانی فرمود. اهوره مزدا
مرا و خانواده‌ی شاهی مرا بپایاد!

این کتیبه بر یک لوح زرین و یک لوح سیمین نقر گردیده و در
پایه‌ی کاخ عمومی داریوش در تخت جمشید کشف شده است.

۴- نقش رستم، صفحه ۴۳: می دانیم که شاهان هخامنشی در
این مکان مقبره‌هایی برای خود و خانواده‌شان ساخته‌اند که شکلی
صلیب گونه دارد.

سه مقبره‌ای که در تصویر دیده می‌شود به ترتیب از راست به
چپ مربوط به داریوش یکم، اردشیر اول و داریوش دوم است.
مقبره‌ی خشایارشا نیز در نقش رستم واقع است اما در این تصویر
دیده نمی‌شود. در قسمت پایین مقبره‌ها، یادمان‌هایی از برخی از
شاهان ساسانی دیده می‌شود. (برای مطالعه‌ی تفصیلی در این باره
رجوع کنید به کتاب: اقلیم پارس نوشته مصطفوی).

۵- سکه‌های شاهان اشکانی، صفحه ۵۵: دو سکه‌ی بالای
تصویر از راست به چپ سکه‌ی اردوان چهارم و پلاش یکم است و
دو سکه پایین به همین ترتیب سکه پلاش سوم و خسرو می‌باشد.

۶- سکه‌ی شاهان ساسانی، صفحه ۶۳: از راست به چپ سکه
هرمز دوم و نرسی است. تصاویر سکه‌های اشکانی و ساسانی همه
از کتاب هنر ایران نوشته رومن گیرشمن (ترجمه بهرام فره‌وشی) اخذ
شده است.

زیرنویس:

۱- فرمان‌های شاهنشاهان هخامنشی، رگف فارمن شارب، ۱۳۵۵ ص ۱۰۶

۲- فرمانها، پیشین، ص ۷۹

۳- آثار تاریخی لرستان، حمید ایزدپناه، تهران، آگاه، ص ۱۱۱ و مابعد

گنج‌نامه: بر دامنه‌ی کوه الوند در نزدیکی همدان، دو کتیبه یا
لوحه، هر کدام بیست سطر، به سه خط میخی پارسی، عیلامی و
بابلی وجود دارد که به گنج‌نامه (چون در گذشته مردم فکر می‌کردند
در این دو لوحه راز یک گنج نوشته شده است!) معروف است.
لوحه‌ی طرف چپ به نام داریوش یکم و آن دیگر به نام خشایارشا
است. مطلب هر دو کتیبه یکی است. متن پارسی در طرف چپ
لوح و متن عیلامی در کنار آن قرار گرفته است. این لوح‌ها در سنگ
سماق کنده شده و به نظر می‌رسد در ابتدا در یاریوشی داشته که
کتیبه را می‌پوشانده و در نتیجه از گزند باد و باران در امان بوده است.
اینک ترجمه‌ی متن لوحه مربوط به داریوش:

خدای بزرگی است اهوره مزدا، که این زمین را آفرید،
که آن آسمان را آفرید، که مردم را آفرید، که شادی (برای)
مردم آفرید، که داریوش را شاه کرد، یک شاه از بسیاری،
یک فرماندار از بسیاری. من (هستم) داریوش، شاه بزرگ
شاه شاهان. شاه کشورهای دارای مردم زیاد، شاه در این
سرزمین دور و دراز، پسر ویشناسپ هخامنشی.

ریتون: به ظرف‌هایی که به شکل حیوان ساخته شده، ریتون
می‌گویند، نظیر جام داریوش.

فلک الافلاک: نام قبلی آن قلعه‌ی شاپورخواست بوده است.
قلعه‌ی فلک الافلاک بر روی تپه‌ای در شهر خرم‌آباد لرستان واقع
است. تاریخ ساخت این بنا را عصر ساسانی دانسته‌اند. در دوره‌ی
پهلوی از این قلعه به عنوان زندان استفاده می‌شد ولی در حال حاضر
محل موزه‌ی مردم شناسی استان لرستان است. مساحت قلعه ۲۲۸
متر و ارتفاع بلندترین دیوار آن ۲۲/۵ متر می‌باشد. در این قلعه چاهی
وجود داشته که آب اهالی را تأمین می‌کرده است. قلعه‌ی فلک الافلاک
از آثار مهم تاریخی ایران است.^۲

۲- صفحه ۵: تصویر چاپ شده در این صفحه، معبد
حشیشوت واقع در دره‌ی الأقصر مصر و مربوط به قرن ۱۶ ق. م
است. حشیشوت نام یکی از فرعون‌های مصر باستان بوده است.

۳- نمونه‌ی خط میخی صفحه ۳۵: متن فارسی این کتیبه بدین

ارزشیابی در جغرافیا

(قسمت دوم)

منصور ملک عباسی

خلاصه شماره قبل

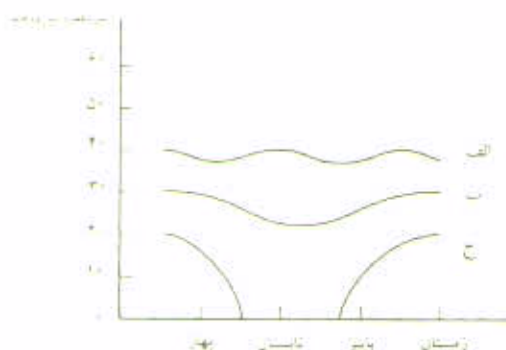
در قسمت اول بحث ارزشیابی در جغرافیا با سطوح ۶ گانه یادگیری بطور مختصر آشنا شدید و چند سری سؤال گوناگون در سطح دانش سطح درک و فهم و مهارت را ملاحظه نمودید. در این قسمت نمونه ای از سؤالات جغرافیا در سطوح مختلف تجزیه و ترکیب و نیز سطح قضاوت و ارزشیابی طرح شده که در زیر می خوانید.

نمونه ی سؤالات جغرافیا در سطح تجزیه و ترکیب و قضاوت فعالیتها و تمرین های کلاس و با سؤالات آزمون: در این گونه سؤالات فرض بر این است که، دانش آموز علاوه بر فهم و درک نه مرحله تجزیه و تحلیل و نیز قضاوت رسیده است.

۱- چگونه یک محیط طبیعی به یک محیط جغرافیایی تبدیل می شود؟

- ۲- دو دامنه ی شمالی و جنوبی البرز را با یکدیگر مقایسه کنید و توضیح دهید شرایط زندگی در کدام سو مشکل تر است.
- ۳- نقش ارتفاعات البرز در اقلیم شمال ایران را توضیح دهید.
- ۴- تأثیرات ایجاد سد و دریاچه ی پشت سد در محیط طبیعی اطراف را در چند سطر بنویسید.
- ۵- دو حوضه ی آبریز خلیج فارس و دریای مازندران را با یکدیگر مقایسه کنید.
- ۶- نوع فعالیت مردم روستایی در سواحل شمالی و جنوبی کشور را با یکدیگر مقایسه نمایید.

- ۷- پوشش گیاهی در زاگرس مرطوبه و البرز شمالی را از نظر شباهت و تفاوت بررسی کنید.
- ۸- چه راه حل هایی برای مشکل کم آبی در سواحل جنوبی ایران پیشنهاد می کنید؟
- ۹- نمودار رژیم سالانه ی سه رودخانه به شکل زیر داده شده است. توضیح دهید هر کدام از رودها مربوط به کدام اقلیم در ایران است.



- ۱۰- کدام یک از ویژگی های زیر از نظر اهمیت بخشیدن به کشور مادر در خاور میانه نقش بیشتری دارد؟
- جمعیت ایران
 - وسعت کشور
 - مذهب مردم
 - منابع و ذخایر معدنی
 - در اختیار داشتن تنگه ی هرمز
 - ظهور انقلاب اسلامی

* ۱۱- تأثیرات تأسیس یک کارخانه ی اتومبیل سازی در یک منطقه ی کشاورزی را توضیح دهید.

* ۱۲- اگر به مدت یک هفته تمام بنادر و فرودگاه ها تعطیل و حرکت اتومبیل ها در جاده ها متوقف و مسدود شود در یک کشور چه اتفاقاتی می افتد؟

* ۱۳- کاری ۲ نقشه $\frac{1}{200000}$ و $\frac{1}{100000}$ را با هم مقایسه کنید.

* ۱۴- راه های آبی و زمینی چه شباهت ها و چه تفاوت هایی با یکدیگر دارند؟

* ۱۵- عکس های ماهواره ای در چه زمینه هایی می تواند به ما کمک کند؟

در این نوع سؤالات نوعی ارزش گذاری و قضاوت نیز مشاهده می شود که مربوط به سطوح بالای یادگیری است.

بدیهی است چنانچه در کلاس تا حد قضاوت و نگرش روی مباحث جغرافیا بحث و بررسی شده باشد دبیر چنین سؤالاتی را می تواند طراحی کرده و انتظار پاسخ داشته باشد.

* * *

ارزشیابی از فعالیت های تحقیقی

در برخی موارد بعضی از دبیران با دادن تکلیف هایی به دانش آموزان، از آنان می خواهند کاری تحقیقی انجام داده و آن را به صورت گزارش یا سخنرانی در کلاس عرضه نمایند و در ازای آن حداکثر ۴ تا ۵ نمره به دانش آموز یا گروه می دهند.

بنابراین ما به برخی از فعالیت های تحقیقی که در درس جغرافیا در سطوح مختلف راهنمایی و دبیرستان قابل طرح و اجراست اشاره می کنیم.

از موضوعات تحقیقی زیر می توان گزارش مکتوبی تهیه کرد و با به طور شفاهی در کلاس به شکل کنفرانس ارایه داد:

* تحقیق در مورد منابع آلوده کننده ی رودخانه ای که در محل زندگی دانش آموزان جریان دارد

* پیشنهاد راه حل برای رفع آلودگی آب رودخانه؛

* تحقیق پیرامون انواع مشاغل و فعالیت های مردم در محل زندگی دانش آموز؛

* بررسی پوشش گیاهی منطقه ی محل زیست (انواع- تراکم...);

* تعیین جهت های اصلی بکمک سایه ی یک شاخص در محیط مدرسه و تعیین قبله؛

* تعیین جهت شمال جغرافیایی در شب بکمک صورت فلکی دب اکبر و گزارش کردن آن؛

* تعیین مقدار مواد آبرفتی همراه آب رودخانه در یک لیتر در سه ماه

مختلف (بکمک یک بطری یک لیتری)؛

* رسم نمودار تغییرات درجه حرارت در چند نقطه زمانی در طول یک شبانه روز؛

* شناسایی ایلات و مسیرهای کوچ عشایر در محیط های اطراف زندگی دانش آموز (در صورت امکان)؛

* تحقیق در مورد منابع آب مصرفی محل زندگی و چگونگی مصرف آن در بخش های مختلف؛

* رسم نمودار تغییر زاویه ی تابش آفتاب در طول ۲ ماه هنگام ظهر؛ این قبیل تحقیق ها و فعالیت ها به راهنمایی و هدایت دبیر نیاز

دارد. دبیر با معرفی کتاب، منابع، افراد مطلع برای تحقیق، پرس و جو، و نیز در چگونگی اجرای فعالیت ها دانش آموزان را هدایت و سرپرستی می نماید.

ارزشیابی از نقشه های گنگ

نقشه های گنگ یکی دیگر از مواردی است که می تواند مورد سؤال واقع شده و بر آن اساس از توانایی دانش آموز در نقشه خوانی و مکان یابی مطمئن شد.

البته حداکثر ۲ تا ۳ نمره برای یک نقشه ی گنگ که گویا شده باشد می تواند در نظر گرفته شود.

از نقشه ی گنگ به اشکال مختلف می توان سؤال طراحی کرده و ارزشیابی نمود.

معمولاً در نقشه ی گنگ از ایران یا قاره ها و یا استان، یک یا دو نقطه را مشخص نموده که به صورت راهنما می تواند در یافتن نقاط دیگر مؤثر باشد.

تعدادی از سؤال های نقشه های گنگ مربوط به یافتن نقاط طبیعی یا عوارض انسانی است که دانش آموز با کسب مهارت های عملی و ذهنی قبلی می تواند به آن پاسخ گوید.

به مثال زیر توجه کنید

محل قلل دماوند و سبلان را روی نقشه ی گنگ مشخص کنید.



مثال دوم

انقاصی روی نقشه‌ی گنگدیز مشخص شده است.

۱- قله

۲- شهر بندری

۳- جزیره

۴- رودخانه

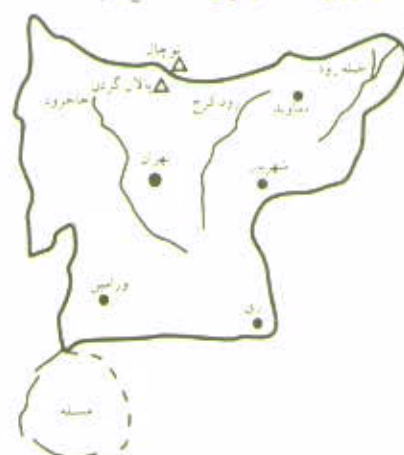
اسامی هر عارضه را بر روی نقشه بنویسید.



مثال سوم (نقشه‌ی استان تهران)

برخی اسامی روی نقشه در جای خود نوشته نشده است.

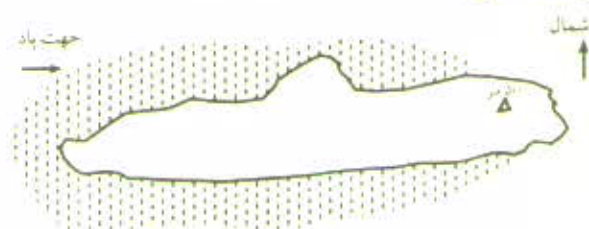
صحیح آن را روی نقشه دیگری مشخص کنید.



مثال چهارم

در جزیره‌ی زیر ۵ پدیده‌ی طبیعی و انسانی در جای مناسب.

طراحی کنید و رسم نمایید. (مانند بندر - زمین‌های زراعی - رودخانه - کوه)



در نقشه‌ی ایران مکان‌های مورد نظر را مشخص نمایید.

جسایگان عربی و شرقی ایران

دریاچه‌ی شمال و جنوب

محدوده‌ی رشته‌کوه البرز و زاگرس

۲ رود مرزی آرس و اروندرود

شهرهای تهران، مشهد، اصفهان

جزیره‌ی خارک و کیش

قلعه‌ی دماوند - دنا - زردکوه

دریاچه‌ی ارومیه - هامون

دشت لوت - دشت کویر

بندر خرمشهر - بندر انزلی



و واضح است که در طول دوره‌ی آموزش با دانش آموزان باید در مورد نقشه‌های گنگ و طرح گویا کردن انواع سوالات از نقشه کنار شده باشد. و دانش آموزان از میزان باز و تدریس، انجام فعالیت‌ها، ترسیم‌ها، گویا کردن نقشه‌ها و ارائه تحقیقات مطلع باشند.

منابع

- ۱- روش‌های ارزشی آموزشی - دکتر حسن جادامش
- ۲- شیوه‌های ارزشی از مجموعه‌های دانش آموزان - حسن باقلا شریعی - علی‌رضا شایمیر
- ۳- سنجش و اندازه‌گیری در آموزش و پرورش - حسن باقلا شریعی

دوران علوم اجتماعی شاغل در مدارس راهنمایی تحصیلی سال هاست که از کمبود وقت و حجم زیاد کتاب های درسی شکایت داشته و بار سال نامه، تومار، و... ناراضی خود را ابراز نموده اند. اکنون پس از مدت ها انتظار از ایجاد درسی به نام «مطالعات اجتماعی» بجای ۳ کتاب تاریخ، جغرافیا و تعلیمات اجتماعی در برنامه ی درسی دوره ی راهنمایی خبرهای ضد و نقیضی می رسد. در این ارتباط مطالبی را متذکر می شود.

۲- اگرچه دوره ی ابتدایی و راهنمایی تحصیلی دوره های پیوسته ی آموزش عمومی محسوب می شوند ولی بین دوره ی راهنمایی و ابتدایی از نظر موقعیت فراگیران و معلومات آنان تفاوت فاحشی وجود دارد.

چندان منطقی نیست که برای شیوه ی ارائه ی دروس در دوره ی ابتدایی و راهنمایی از یک روش پیروی کنیم. از تضاء سطح معلومات و افزایش سن دانش آموزان لزوم ایجاد روشی جدید در تألیف کتابهای دوره راهنمایی را ایجاب می کند و همین واقعیت، تفکیک دروس را موجب می شود.

۲- ترکیب سه درس تاریخ، جغرافیا و تعلیمات اجتماعی در یک کتاب واحد برای فرار از حل مشکل کمبود وقت تدریس علوم اجتماعی در دوره ی راهنمایی، نوعی بی مهری نسبت به علوم انسانی در این دوره خواهد بود که با توجه به لزوم توجه یکسان به همه ی دروس در دوره ی آموزش عمومی این بی مهری قابل توجیه نیست. دانش آموزی که پس از دوره ی راهنمایی از ادامه تحصیل به دلیل موجه یا ناموجه - بازمی ماند از

ضروریات زندگی که در همین دروس علوم اجتماعی مندرج است بهره چندانی نمی برد. به علاوه طرح این بی مهری از سوی متخصصان علوم انسانی چگونه قابل تفسیر است؟

۳- به نظر می رسد طرح تدوین «مطالعات اجتماعی» از کشورهای خارجی اقتباس شده باشد. اگرچه نفس این عمل قابل ستایش است اما بسیار بجا و ضروری است که در اخذ الگو در تدوین تاریخ، کشورهای را الگو قرار دهیم که همچون یونان، مصر، چین و... سابقه ی طولانی و درخشان در تاریخ و تمدن جهانی داشته و از قدمت و اعتبار بسیار بیشتری برخوردارند.

از طرف دیگر شناخت «خود» و «فرهنگ خودی» بستر مناسبی را می طلبد که یکی از بسترهای مناسب آن «تاریخ» است. برای تبدیل مقابله با تهاجم فرهنگی از حالت شعار به عمل ناچاریم تدریس تاریخ را اهمیت دهیم.

۴- جغرافیا در تعاریف جدید، علمی است تخصصی، کاربردی، وسیع و جذاب. چگونه با ایجاد کتابی به نام مطالعات اجتماعی به این ویژگی ها توجه خواهد شد؟ پس مفاهیم اولیه جغرافیا کی و چگونه فرار گرفته می شوند و شناخت سرزمین ملی در جایگاه جهانی به چه زمانی موکول می شود؟

۵- در جامعه ی اسلامی چنانچه آشنا ساختن دانش آموزان با زندگی پیامبران و خاتم ایشان و دین اسلام، اصلی اساسی تلقی می شود، لزوم ایجاد درسی مستقل به نام «تاریخ انبیا و اسلام» اجتناب ناپذیر است.

با ایجاد درس مطالعات اجتماعی چگونه به این زوایای ضروری توجه خواهد شد؟

۶- همچنان که قبلاً نیز طی نامه ای پیشنهاد شد برای رفع تنگنای موجود در دروس علوم اجتماعی واقع بینانه این است که دانش آموزان به تناوب در طول سه ساله ی دوره ی راهنمایی به مطالعه ی علوم اجتماعی بپردازند به نحوی که در یک سال تاریخ و جغرافیا، در سال دیگر جغرافیا و اجتماعی و در سال آخر تاریخ و اجتماعی فراگیرند تا استقلال دروس حفظ شود.

۷- واقعیت این است که هم اکنون نیز معلمان برای تدریس کتابی چون تعلیمات اجتماعی سال سوم ابتدایی مهارت کافی ندارند و دبیران علوم اجتماعی راهنمایی نیز با همین مشکل مواجه خواهند شد. چگونه خواهیم توانست با طی چند ساعت فشرده آموزش ضمن خدمت این مهارت را در آنان ایجاد کنیم؟ اصولاً تغییر کتاب و روش تدریس بدون تغییر معلمان از جنبه های مختلف چه تعبیری دارد؟

به هر حال دبیران علوم اجتماعی مدارس راهنمایی امیدوارند در سال های آینده در تدوین کتاب های جدید به این موارد توجه معقول و منطقی شود چرا که انجام اصلاحات در تألیف کتاب های درسی بدون توجه به نظرات معلمان که سربازان خط مقدم تعلیم و تربیت می باشند بازدهی کافی نخواهد داشت.

زیرنویس:

*دبیر علوم اجتماعی زرین شهر

سرنوشت

علوم اجتماعی در دوره راهنمایی تحصیلی چه خواهد شد؟

تفکیک

قوا در نظام

طبقه بندی نظام های سیاسی به شیوه های مختلف و با هدف های متنوع انجام می گیرد. طبقه بندی را می توان به مثابه ی شکل اولیه ی ساختمان تئوری در نظر گرفت که چگونگی تعمیم لازم برای هر یک از طبقات را مشخص می کند.^۱

همچنین می توان بین ال طبقه بندی هایی که بیشتر توصیفی هستند و طبقه بندی هایی که محتوای تئوریک بیشتری دارند تمایز قائل شد.^۲

دانشمندان علوم سیاسی که کمتر تحت تأثیر جامعه شناسی بوده یا هستند طبقه بندی هایی بوجود آورده اند که اساساً توصیفی است. از سوی دیگر، برای جامعه شناسی سیاسی مسئله اصلی، رابطه ی بین شکل جامعه و نوع نظام سیاسی است و از این دیدگاه تمایزات پیشین ممکن است اهمیت چندانی نداشته باشد. کوشش های جدیدی برای طبقه بندی رژیم های سیاسی، اکثر آثار نوعی تئوری کلی جامعه آغاز شده و بار دیگر تحت تأثیر مفاهیم تکامل یا پیشرفت اجتماعی قرار گرفته اند.^۳ به عنوان نمونه ی این گونه کوشش ها می توان به تئوری های امپرسر و مارکس اشاره نمود. جامعه شناسی امپرسر اساساً بر پایه تمایز بین جوامع «جنگجو» و «صنعتی» قرار دارد که ویژگی اولی - جنگجو - تفوق فعالیت های مربوط به «جنگ» و دومی - صنعتی - تفوق فعالیت های مربوط به «معاش» (یعنی تولید و داد و ستد) است.^۴ پایه ی تبیین مارکس از تکامل اجتماعی، تمایز بین ساحت های اقتصادی مختلف یا شیوه های تولید شامل نیروها و وسایل فنی تولید و روابط اجتماعی تولید - که توزیع و وسایل تولید (دارایی) و محصول و بر تقسیم اجتماعی کار را در بر می گیرد - می باشد که اشکال مختلف جامعه و دولت با آن تطبیق می کند و بر این اساس نظام های سیاسی را تقسیم بندی می نماید.

در مقابل این نوع از طبقه بندی، طبقه بندی هایی قرار دارد که جنبه ی توصیفی داشته و بیشتر در حوزه ی علوم سیاسی مطرح است. در غیر حال باید دانست که طبقه بندی و توصیف رژیم های سیاسی به سادگی امکان پذیر نمی باشد. به چند دلیل:

۱- نوع نظام های سیاسی کنونی جهان، این چندگونگی به شکلی است که با توجه به ویژگی های گوناگونی که نظام ها دارند نمی توان هر یک را دقیقاً در یک طبقه از نظام های سیاسی جای داد.

۲- کلیت تعاریف، برخی تعاریف آن قدر گبی است که هیچ یک قابلیت تطابق با واقعیت موجود نظام های سیاسی را ندارد.

۳- ارزشی بودن تعاریف. اغلب تعاریف موجود از نظام های سیاسی بر اساس یک نظام ارزشی مورد قبول شکل گرفته است و غالباً می خواسته اند محسبات نظام سیاسی خاصی را در برابر معایب نظام های دیگر بیان کنند. بعضی از این تعاریف، مثالی تقسیم بندی خود را میزان مشارکت مردم در حکومت قرار داده و آنها را به چند دسته عمده چون استبدادی و دموکراتیک تقسیم کرده اند، یا این که از جنبه ی حقوقی به دسته بندی اشکال حکومتی می پردازند یعنی بر مبنای تقسیم و طایف بین ارکان حکومتی و ساختار روابط بین آنها، معمولاً در هر نظام سیاسی سه قوه وجود دارد که حاکمیت جامعه را بر عهده داشته و هر یک وظایف مخصوص به خود را دارند. این سه قوه عبارتند از: قوه ی مقننه، قوه ی مجریه و قوه ی قضائیه.

قوه ی مقننه: مسئولیت این قوه، قانون گذاری است و عبادت است از مجلسی متشکل از نمایندگان مردم کشور. مجلس قوانین لازم را در زمینه های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مانند این ها تدوین و برای اجرا به قوه ی مجریه تسلیم می کند. قوه ی مجریه: وظیفه ی این قوه، اجرای قوانین است همان قوانینی که توسط قوه مقننه وضع می شود.

قوه ی قضائیه: این قوه مسئولیت حل اختلافات و رسیدگی به تخلفات قانونی را به عهده دارد. پس افراد سازمان ها و ... به وجود می آید.

ساختار روابط بین قوا

در قانون اساسی هر کشور - که عصاره ی جهل سیاسی،

نظام های

سیاسی

اعتقادات، آرمان ها و نیازهای مردم آن کشور است و معمولاً پس از یک تحول عمیق اجتماعی تدوین می شود. به ساختار روابط این سه قوه توجه شده و از طریق پیش بینی ابزارهایی نحوه ی ارتباط آنها با یکدیگر مشخص شده است.^۱

امروزه در جهان شیوه ها و اسلوب های متفاوتی برای تنظیم روابط بین این سه قوه تجربه شده است که به صورت رژیم های اختلاط قوا، رژیم های تفکیک قوا و رژیم های همکاری قوا یا پارلمانی دیده می شود.

در شکل اختلاط قوا، دو قوه ی مجریه و مقننه در هم ادغام شده اند و تصمیمات اساسی توسط اندام واحدی از دولت گرفته می شود. اختلاط گاه به صورت مطلق وجود دارد که در آن جز یک دستگاه وجود ندارد و تمام اختیارات منحصرأ در دست همان دستگاه است و گاه به صورت نسبی است که در آن ظاهراً دو دستگاه وجود دارد اما تنها یکی قدرت واقعی را در دست دارد و دیگری تنها نقش تصویبی را ایفا می نماید. در دیکتاتوری های امروزی، همیشه مجالسی هستند که وظیفه ای جز تصویب تصمیمات رئیس کشور، آن هم به اتفاق آراء ندارند مانند حکومت ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی که اگرچه ظاهراً تفکیک قوا در آن - به موجب قانون اساسی مشروطه - رعایت شده بود ولی عملاً شاه همه کاره بود.

در شکل تفکیک قوا، هر یک از دو دستگاه قسمتی از وظایف حکومتی را انجام می دهند. قوه ی مقننه به مجلس اختصاص دارد و قوه مجریه در اختیار هیئت دولت است. خاستگاه اصلی این شکل از تنظیم قوا، قانون اساسی ایالات متحده ی امریکامی باشد. که در آن دو قوه ی مجریه و مقننه هر یک کارکرد مخصوص به خود دارند و حوزه ی کاری هر یک کاملاً متمایز از دیگری است. به این معنا که قوه ی مقننه نمی تواند در امور اجرایی دخالت کند و در مقابل، قوه ی مجریه نیز حق دخالت در امر قانون گذاری را ندارد. همچنین وجود هر یک از این دو قوه مذکور و قائم به قوه ی دیگر نیست و هر یک از آنها مستقیماً از طرف مردم انتخاب می شوند. به

عبارت دیگر رأی مردم پشتوانه ی مشروعیت آنها است و به همین دلیل هیچیک از آنها نمی تواند دوره ی قانونی دیگری را کوتاه کند؛ نه رئیس جمهور می تواند مجلس را منحل کند و نه مجلس می تواند دولت را ساقط نماید. وزارت با انتخاب رئیس جمهور و بدون نیاز به رأی اعتماد مجلس مشغول به کار می شوند.

در شکل همکاری قوا روابط بین ارکان حکومتی از طریق همکاری متقابل بین آنها تنظیم شده و کارکرد هر یک از آنها بر دیگری تأثیر می گذارد. این نوع رژیم ها با تمایز میان رئیس دولت و رئیس حکومت مشخص می شود. رئیس حکومت بالاترین مقام کشور است و معمولاً نقش افتخاری بدون قدرت واقعی دارد و اکثر وظایف او جنبه ی تشریفاتی دارد و به همین دلیل در برابر مجلس مسئولیتی ندارد. در مقابل رئیس دولت به همراه هیئت وزیران در برابر پارلمان دارای مسئولیت مشترک بوده و هدایت قوه ی مجریه را بر عهده دارند. آنها برای شروع به فعالیت باید رأی اعتماد مجلس را به دست آورند و در دوره ی فعالیت نیز مجلس می تواند آنها را مورد سؤال و استبضاح قرار دهد. در حقیقت چون هیئت دولت مشروعیت خود را از طریق رأی اعتماد مجلس کسب نموده، مجلس می تواند هر زمان که صلاح بداند این رأی اعتماد را باز پس گیرد و دولت را ساقط کند. در مقابل این حق مجلس، قوه ی مجریه نیز می تواند مجلس را برای جلسه ی فوق العاده دعوت کند یا تشکیل جلسه را به تعویق اندازد و حتی ممکن است مجلس را منحل نماید. همچنین دولت حق تسلیم لوائح به مجلس و دفاع از آنها را دارد. در مواردی که میان این دو قوه تعارضی پیش آید، قضاوت ملت خواسته می شود که این یعنی برگزاری «رفراندوم» یا مراجعه به آراء عمومی. انگلستان نمونه ی بارز و مشخص این شکل از «همکاری قوا» می باشد.

بررسی تطبیقی

در نظام های همکاری قوا حاکمیت مردم و مشارکت آنها در سرنوشت سیاسی خود از طریق مجلس اعمال می شود، به همین

دلیل مجلس بر کار قوه مجریه دخالت و نظارت دارد، در حالی که در نظام های تفکیک فواض عمده ای از حاکمیت مردم از طریق قوه ی مجریه اعمال می شود و به همین دلیل قوه ی مجریه اختیارات گسترده ای دارد. در رژیم های تفکیک قوا نه مجلس می تواند دولت را اسقاط کند و نه دولت می تواند مجلس را منحل کند و لذا هر یک می بایست تا پایان دوره ی قانونی خود به وظایف خود عمل کنند. از طرفی وظایف هر یک از قوای مجریه و مقننه در قانون اساسی طوری تنظیم شده است که حتی با وجود اختلاف میان این دو رکن، انحلال در امور به وجود نیاید و رئیس جمهور بتواند مملکت را اداره نماید.

در مقابل در رژیم های همکاری قوا، روابط بین این سه قوه طوری تنظیم شده که در آن دولت و مجلس با گرایش های مخالف نمی توانند با یکدیگر همکاری کنند. مجلس می تواند با استفاده از حق استیضاح و بالاخره رأی عدم اعتماد، دولت را اسقاط کرده و زمینه را برای روی کار آمدن دولتی موافق با خود فراهم آورد. همچنین دولت نیز می تواند با تکیه بر حمایت مردم انحلال مجلس را از رئیس حکومت درخواست نموده و زمینه را برای انتخابات جدید و روی کار آمدن مجلسی هماهنگ دو دولت بوجود آورد.

تفکیک قوا در نظام جمهوری اسلامی

تا آنچه گفته شد معلوم گردید که یکی از مفاهیم و موضوعات عمده در علم سیاسی، مسئله ی تفکیک قوا است. این نظریه به صورت منظم و مشخص اولین بار توسط مونسکیو، حقوق دان معروف فرانسوی، در قرن هجدهم ابراز شد. وی در کتاب مشهورش «روح القوانين» به تجزیه و تحلیل این نظریه پرداخته و آن را وسیله ی مهار کردن قدرت نامحدود قوه ی مجریه و جلوگیری از استبداد می داند.^۱

در جمهوری اسلامی تفکیک قوا دارای ویژگی مخصوص به خود است. قوانین بر مبنای احکام الهی مستخرج از قرآن و منابع فقهی تعیین می شود و لذا قوه ی مقننه به صورتی که در حکومت های دیگر هست، معادل ندارد بلکه وظیفه ی آن استنباط قوانین از روی قرآن و سنت و انضای آنها با مسائل و مشکلات روز می باشد. لذا با توجه به وظیفه ی قوه مقننه در این نظام و با توجه به این که مقام رهبری و مسئولیت میوه در این نظام باید از تقوی و عدالت برخوردار

باشد، در این حکومت، تفکیک قوا بدان صورت که در حکومت های غربی مطرح است وجود ندارد.

البته در قانون اساسی جمهوری اسلامی سه قوه ی مقننه و مجریه و قضائیه مستقل از یکدیگر شناخته شده اند. اما در همپس قانون تصریح شده که این سه قوه زیر نظر ولایت امریائی فقیه قرار دارد. بنابر این رهبر با اختیاراتی که به موجب قانون اساسی دارد از طریق تعیین فقهائ شورای نگهبان (یعنی کسانی که باید عدم معارضت مصوبات مجلس با احکام اسلامی را تأیید و تصویب نمایند) و نصب عالی ترین مقام قضائی کشور و تنفیذ یا امضای حکم ریاست جمهوری (به عنوان رئیس قوه ی مجریه و رابط میان سه قوه) و همچنین امضای حکم عزل او از این مقام بر هر سه قوه نظارت دارد.

زیر نویس

۱- جامعه شناسی سیاسی، نویسنده: بامبور، ترجمه: منوچهر صوری شاشلیس، انتشارات کیهان، چاپ اول، زمستان ۱۳۶۶، ص ۸۱.

۲- طبقه بندی های توصیفی مبتنی بر تعریفی است که علم سیاست در دهه های سیاسی و دولت، حکومت و قانون ارائه می دهد به عنوان مثال طبقه بندی نظام های سیاسی به مستقلی، جمهوری، فدرال و غیره. در صورتی که طبقه بندی های نظری با تئوریک مبتنی بر طرح فکری و وسیع تری برای تحلیل انسان و جامعه می باشد. به عبارت دیگر این نوع طبقه بندی به دنبال طرحی برای ایجاد ارتباط بین مباحثات اجتماعی و مباحثات نظام سیاسی است. به عنوان مثال طبقه بندی مازکس از نظام های سیاسی به مالکیت قبیله ای (کموند اولیه)، فئودالیت، سرمایه داری و سرمایه داری کمونیسم بر اساس تئوری تکاملی وی در جزئی تقسیم کار و اشتغال بدینگونه در جوامع اروپایی است.

۳- همان منبع، ص ۸۹.

۴- بدی و اندیشه ی بزرگان جامعه شناسی، نویسنده: قورر، ترجمه: محسن کلانی.

انتشارات علمی

۵- مهابی میبست، عبدالحمید ابو الحمد، حیدر اوان، انتشارات تومس، چاپ پنجم، بهمن ۱۳۶۸، ص ۱۸۵.

۶- دانش اجتماعی، تکیه بر جامعه شناسی سیاسی، احمد حامد مقدمه، انتشارات پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، دفتر برنامه ریزی و تألیف شده است، گروه دبیران علوم اجتماعی، ۱۳۶۳.

۷- اصل پنجم و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

ریاضیات چیست؟

غلامرضا عسجدی - عبدالحسین معصومی

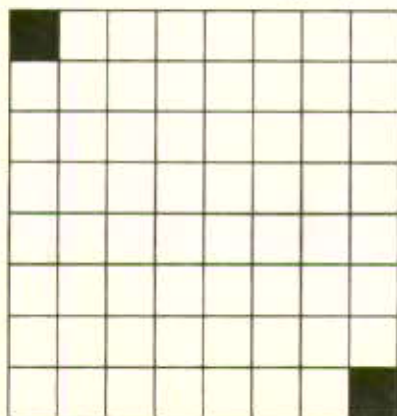
دارد. این شخص چگونه باید از رودخانه بگذرد به قسمی که هیچگاه گرگ را با گوسفند یا گوسفند را با علف تنها نگذارد؟

۴- یک پیمانه ۸ لیتری و یک پیمانه ۵ لیتری در اختیار داریم که هیچکدام از آنها مدرج نیست. آیا به وسیله ی این دو پیمانه می توانیم دقیقاً ۲ لیتر از یک مایع را به کسی تحویل دهیم؟

۵- سه نفر سرباز مأمورند که سه نفر دزد را از روستا به شهر برسانند. راه آنها از رودخانه ای می گذرد که وسیله ی عبور از آن تنها یک قایق با ظرفیت حداکثر دو نفر می باشد به شرط آن که در هیچ طرف رودخانه نباید عده ی سربازان کمتر از عده ی دزدان باشد ولی حرکت دزد بدون سرباز مانعی ندارد. این شش نفر چگونه باید از رودخانه عبور کنند؟

۶- هشت گلوله داریم که همه ی آنها دارای اندازه و شکل و رنگ یکسان می باشند. هفت عدد از آنها کاملاً هم وزن و آن دیگری کمی سنگین تر است. اگر ترازویی در اختیار داشته باشیم که فقط دو بار بتوانیم از آن استفاده کنیم چگونه می توانیم گلوله ی سنگین تر را مشخص کنیم؟

۷- روی یک صفحه کاغذ، مربعی به ضلع ۸ واحد رسم کنید و آن را مطابق شکل به ۶۴ خانه ی برابر تقسیم کنید. از کاغذ تعداد زیادی مستطیل های به ابعاد ۲ و ۱ واحد بچینید. آیا می توانید با این کاغذهای مستطیل، سطح مربع را چنان پوشانید که تمام خانه های آن به استثنای دو خانه ی واقع در دو گوش مقابل (که روی شکل سیاه شده است) پوشانیده شود و هیچ جزئی از کاغذهای مستطیل روی یکدیگر یا در خارج مربع قرار نگیرد.



آیا ریاضیات منحصر به شمردن و حساب کردن یا رسم شکل ها و اندازه گیری آنهاست؟ آیا ریاضیات علمی است که زبان مخصوص دارد و علائم و دستورهای امرا آمیز به کار می برد؟ آیا کار یک ریاضیدان انجام دادن عملیات روی اعداد یا رسم اشکال است؟ در این صورت بین وی و یک ماشینی که همین کارها را انجام می دهد چه فرق است؟

ریاضیات منحصر به آنچه که گفته شد نیست. اما ضمن آن که شامل همه ی آنهاست از همه ی آنها بالاتر و کلی تر است. ریاضیات روش درست فکر کردن و استدلال است. علم ریاضی به طور عمده منکی بر استدلال و استنتاج منطقی است. هر چند که مفاهیم اولیه ی آن از تجربه و مشاهده به دست آمده است. استنتاج منطقی بدین معنی است که از شرایطی معلوم، نتیجه ی لازم و معینی را که به تبع آن و به حکم ضرورت به دست می آید پیدا کنیم.

بایه کار بردن استدلال منطقی انواع راه حل هایی را که برای یک مسئله لازم است پیدا می کنیم. یعنی معلوم می کنیم که در روبرو شدن با یک موقعیت معین چه روش یا روش هایی را می توانیم به کار ببریم. گاهی بایه کار بردن استدلال منطقی به این نتیجه می رسید که برای یک مسئله راه حلی وجود ندارد. در حل یک مسئله، یعنی در تعیین روش لازم برای روبرو شدن با یک موقعیت گاهی محاسبه را دخالت می دهیم که خود یک روش استدلال است. اما لازم نیست که در حل یک مسئله حتماً محاسبه دخالت داشته باشد. به چند مسئله ی زیر توجه کنید:

۱- مردی بادو فرزندش می خواهد از رودخانه ای بگذرند. تنها وسیله ی عبور آنها یک قایق است که گنجایش حداکثر ۸۰ کیلوگرم وزن را دارد. وزن مرد ۸۰ کیلوگرم و وزن هر یک از فرزندان او ۴۰ کیلوگرم است. این اشخاص چگونه می توانند با قایق از رودخانه مزبور بگذرند؟

۲- در مسئله ی قبل اگر وزن مرد ۷۰ کیلوگرم، وزن فرزند بزرگتر او ۵۰ کیلوگرم و وزن فرزند کوچکتر او ۴۰ کیلوگرم باشد ظرفیت قایق حداقل چقدر باید باشد تا عبور آنها از رودخانه ممکن باشد؟

۳- نماینده ی سیرک که یک گرگ، یک گوسفند و یک بسته علف با خود دارد می خواهد از رودخانه بگذرد. تنها وسیله ی عبور از رودخانه قایقی است که حداکثر گنجایش وی و یکی از اموالش را

همه‌ی مسائل بالا با روش استدلال حل می‌شوند. آنها را حل کنید و جوابها را با همکاران یا با دانش آموزان علاقمند کلاس مورد بحث قرار دهید. همان‌طور که می‌بینید با روش استدلال نه تنها می‌توانیم مسائل را حل کنیم بلکه می‌توانیم بهترین راه حل هر مسئله را تعیین کنیم و همچنین معلوم کنیم که برای این راه حل چه شرایطی لازم است. به مسئله‌ی زیر و راه حل آن توجه کنید:

مسئله: اگر عده‌ی دانش آموزان کلاس ۳۰ نفر باشند ثابت کنید که بین آنها حداقل دو نفر یافت می‌شود که روز تولد آنها در یک روز اتفاق افتاده باشد.

حل: دوازده جعبه‌ی کوچک در نظر گرفته و روی هر کدام از آنها نام یکی از ماه‌های سال را می‌نویسیم به هر دانش آموز یک تکه کاغذ می‌دهیم و از او می‌خواهیم که آن را در جعبه‌ای بگذارد که نام ماه تولد وی روی آن جعبه نوشته شده است. در صورتی که هیچ دو دانش آموزی دارای یک ماه تولد نباشد لازم می‌آید که در هیچ جعبه‌ای بیش از یک تکه کاغذ نباشد، اما چون تعداد جعبه‌ها ۱۲ و عده‌ی دانش آموزان بیش از ۱۲ است پس حتماً جعبه‌ای وجود خواهد داشت که در آن دو یا بیش از دو تکه کاغذ انداخته شده باشد.

از راه حل بالا در ضمن نتیجه می‌گیریم که هر گاه عده‌ی نفراتی بیش از ۱۲ باشد در بین آنها حداقل ۲ نفر یافت می‌شود که روز تولد آنها در یک ماه باشد. هر گاه عده‌ی نفراتی بیش از ۴ نفر باشد در بین آنها حداقل ۳ نفر یافت می‌شود که روز تولد آنها در یک ماه باشد، و ... مسئله‌های زیر از نوع مسئله‌ی بالاست:

۱- اگر ۱۰ مداد را بین ۶ نفر تقسیم کنیم لااقل یک نفر از آنان بیش از یک مداد خواهد داشت اگر ۱۲ مداد را بین ۵ نفر تقسیم کنیم چه حکمی می‌توانید بیان کنید؟

۲- حداکثر عده‌ی اشخاصی را تعیین کنید که بتوانند روزهای تولد مختلف داشته باشند.

۳- در شهری ۵ سینما وجود دارد که فیلم‌های مختلف نشان می‌دهند. کمترین عده چند نفر است که به سینماهای شهر بروند و مطمئن باشیم که لااقل دو نفر یک فیلم را تماشا کرده‌اند؟ بیشترین عده چند نفر باید باشند که همه به سینماهای شهر بروند و مطمئن باشیم که هیچ دو نفری یک فیلم را تماشا نکرده‌اند؟

۴- در یک کلاس ۳۲ نفری انجمن‌های مختلف تشکیل شده است. هیچ دانش آموزی عضویت بیش از یک انجمن را نمی‌تواند قبول کند. هر انجمن از ۵ تا ۸ عضو دارد. حداکثر تعداد انجمن‌های

این کلاس چقدر است؟ هر گاه هر دانش آموز بتواند عضو یک یا دو انجمن باشد تعداد انجمن‌ها چقدر است؟

از کشف و شهود تا ریاضیات:

در ریاضیات از راه استدلال طریقه‌ی عمومی حل یک مسئله ثابت می‌شود و در حالت یا حالت‌های خاص فقط نتیجه‌ی حاصل از طریقه‌ی کلی را به کار می‌برند. مثلاً به طور کلی ثابت می‌شود که اگر a مجموعه داشته باشیم و هر مجموعه شامل b شی باشد، تعداد تمام اشیاء این a مجموعه برابر است با حاصل ضرب دو عدد a و b . یک دستور کلی به دست می‌آوریم و آن را در هر مورد خاصی که لازم شود به کار می‌بریم بدون آن که مجبور باشیم اشیاء را تک‌تک بشماریم. برای مثال هر گاه بدانیم در یک کلاس ۷ نیمکت وجود دارد و روی هر نیمکت ۳ دانش آموز نشسته‌اند، بدون این که دانش آموزان کلاس را بشماریم با توجه به دستور کلی با اطمینان کامل اعلام می‌کنیم که در کلاس مزبور روی هم ۲۱ دانش آموز یافت می‌شود. هر چند که ریاضیات هر مسئله را به صورت کلی بررسی می‌کند و راه حل آن را به دست می‌آورد اما غالباً مسائل ابتدای حالت خاص عنوان شده و راه حل بسیاری از آنها در حالت خاص از طریق مشاهده و مکاشفه به دست آمده است.

کارل فریدریش گوس، ریاضیدان معروف در دوره‌ی تحصیلات ابتدایی خود دانش آموزی ممتاز بود و برای حل بسیاری از مسائل راه حل‌هایی کشف می‌کرد که موجب تعجب آموزگار و سایر مربیان وی می‌شد. در زمانی که در کلاس چهارم ابتدایی تحصیل می‌کرد، روزی آموزگار کلاس برای آن که دانش آموزان را مدتی مشغول کند به آنان دستور داد که اعداد از ۱ تا ۱۰۰ را با هم جمع کنند. هنوز چند دقیقه نگذشته بود که گوس اظهار داشت حاصل جمع را به دست آورده است. آموزگار با تعجب اظهار داشت که این غیر ممکن خواهد بود. اما گوس با بیان راه حل خویش نشان داد که این عمل بسیار ساده است. گوس چنین عمل کرده بود:

ابتدا چنین می‌نویسیم: $1 + 2 + 3 + \dots + 99 + 100$

پس $100 + 99 + 98 + \dots + 2 + 1$

آنگاه از جمع دو ردیف داریم:

$$101 + 101 + 101 + \dots + 101 + 101$$

اکنون صد مرتبه ۱۰۱ داریم که حاصل آن می‌شود ۱۰۱۰۰ اما

چون هر يك از عددهای ۱ تا ۱۰۰ را دو بار نوشته ایم پس حاصل جمع مطلوب برابر می شود با:

$$\frac{1 \cdot 100}{2} = 5050$$

يك معلم خوب همواره می تواند برای دانش آموزان خود چنان موقعیت های مناسبی به وجود آورد كه آنان بسیاری از دستورها را شخصاً كشف كنند. مثلاً می توان دانش آموزان كلاس های چهارم و پنجم دبستان را راهنمایی كرد تا مجموع های زیر را به دست آورند بدون آن كه تك تك اعداد را با هم جمع كنند و بدون آن كه در باره ی تصاعد با ایشان صحبتی شود:

$$\begin{aligned} & 1+2+3+4+5+\dots+48 \\ & 1+3+5+\dots+99 \\ & 7+9+11+\dots+77 \\ & 22+24+26+28+\dots+66 \end{aligned}$$

معلم حتی می تواند مجموع های زیر را از دانش آموزان بخواهد:

$$\begin{aligned} & 1+2+4+8+16+\dots+256 \\ & 2+6+18+\dots+486 \end{aligned}$$

می توان چند مورد خاص را برای دانش آموزان مثال زد و آنگاه از آنان خواست تا دستور کلی را به دست آورند.

$$\begin{aligned} 1+3 &= 2^2 \\ 1+3+5 &= 3^2 \\ 1+3+5+7 &= 4^2 \\ &\dots\dots\dots \end{aligned}$$

تجربه در ریاضیات - ریاضیات علمی است انتزاعی و مجرداتی را به كار می برد كه به آن گونه وجود خارجی ندارند. ریاضیات متكي بر مفاهیم اولیه و اصول موضوع است و باروش استدلال منطقی توسعه می یابد. با وجود این مآخذ اولیه ی بسیاری از مفاهیم ریاضی تجربه و مشاهده بوده است. مشاهده ی نخ كاملاً كشیده تصور مفهوم ریاضی خط مستقیم را به وجود آورده است.

تجربه می تواند منبع اكتشافات ریاضی باشد اما هیچگاه ریاضیات مبتنی بر تجربه پذیرفته نیست. در ریاضیات يك حكم منحصرأوقتی قابل قبول است كه باروش منطقی مدلل و اثبات شده باشد. می توان يك موضوع ریاضی را باروش تجربی بررسی كرد و نتایجی را از آن مشاهده كرد. اما این نتایج به صورت ریاضی وقتی پذیرفته می شوند

كه با استدلال محقق گردند. ارشمیدس دانشمند نابغه ی قرن سوم قبل از میلاد، بسیاری از كشیفات ریاضی خود را از این راه به دست آورده است. وی برای تعیین حجم مخروط دستور می دهد كه از يك نوع چوب يك استوانه و يك مخروط برایش بسازند به قسمی كه در قاعده و در ارتفاع كاملاً برابر باشند. آنگاه نسبت بین وزن های آن دو را دقیقاً معلوم می كند و از راه مشاهده درمی یابد كه حجم مخروط ثلث حجم استوانه ای است كه در قاعده و در ارتفاع با آن برابر باشد. سپس باروش استدلال به اثبات ریاضی این حكم می پردازد.

هر تجربه در شرایط مخصوص انجام می گیرد و نمی توان نتیجه ی حاصل از يك تجربه را برای تمام حالات و شرایط تعمیم داد. ما می توانیم در مورد اعداد تجربه های مختلفی انجام دهیم. اما اگر در مورد يك عدد خاصیتی مشاهده كردیم نمی توانیم آن خاصیت را برای همه ی اعداد صادق بدانیم. ریاضیدان معروف فرما مشاهده كرده بود كه در ازای مقادیر ۱، ۲، ۳، ۴، n ، عدد $F=2^{n+1}$ عدد اول است. وی گمان كرده بود كه این عدد در ازای همه ی مقادیر صحیح و مثبت n نیز اول است. اما به زودی معلوم شد كه عدد مزبور در ازای $n=5$ غیر اول است.

نمونه های محسوس مفاهیم ریاضی - مفاهیم ریاضی مجرد و انتزاعی و ذهنی می باشند. با وجود این برای درك آنها ناچاریم كه نمونه های عینی آنها را در طبیعت تصور كنیم. آنچه را با مداد بسیار نوك تیز روی صفحه ی كاغذ رسم می كنیم و آن را تصویری از خط می دانیم در حقیقت نواری با پهنای بسیار كم است. در صورتی كه خط ریاضی بدون پهنای است.

آیا امکان دارد به كودكی كه تازه به دبستان قدم گذارده مفاهیم ریاضی را به صورت مجرد و بدون استفاده از محسوسات بیاموزیم و وی آنها را درك كند؟ مسلماً نه. حفظ كردن مطالب و بازگو كردن طوطی وار آنها را نباید با درك عمقی این مطلب اشتباه كرد. آموزش مفاهیم ریاضی در دبستان در سه مرحله ی مجسم، نیمه مجسم و مجرد انجام می گیرد. در مرحله ی مجسم اشیایی را به كار می بریم كه نمونه های محسوس مفاهیم ریاضی هستند. در مرحله ی نیمه مجسم به جای اشیاء از نشانه ها و علامات استفاده می كنیم و بالاخره در مرحله ی مجرد مفاهیم ریاضی را به معنی صحیح خود معرفی می كنیم. هر چه رشد عقلی كودك بیشتر گردد آمادگی بیشتری به دست می آورد تا مفاهیم ریاضی را به صورت مجرد و بدون توسل به محسوسات بیاموزد.

ریاضیات با روش اصل موضوعی-روش‌ی که از سابق در ریاضیات متداول بوده و هنوز هم کمابیش به کار می‌رود، در مداری مبتنی بر محسوسات و بدیهیات است. مثلاً در حساب، مفهوم عدد و مناسبتی اعداد طبیعی را به طور شهودی درک کرده و پذیرفته ایم. در هندسه به طور شهودی درک کرده ایم که هر پاره خط دارای یک نقطه میانی وسط می‌باشد. عده‌ای از ریاضی دان‌ها که به اصولیون مشهورند معتقدند که روش ریاضیات باید منحصر به اصول موضوعه منتهی باشد و مشاهده و تجربه در آن هیچ راهی نداشته باشد. پتانو ریاضیدان ایتالیایی برای اولین بار دستگاه اعداد را بر اساس ۵ اصل موضوع بساز کرده است. داوید هیلبرت ریاضی دان آلمانی هندسه‌ی اقلیدسی را مبتنی بر ۲۷ اصل موضوع سازمان داده است.

هنوز به طور قاطع و صریح معلوم نشده است که از چه مرحله‌ی تحصیلی می‌توان ریاضیات را کاملاً با روش اصل موضوعی تدریس کرده به قسمی که برای دانش آموز بر قابل فهم و درک باشد.

انواع ریاضیات- ریاضیات بر حسب مطالبی که مورد بحث قرار می‌دهد به شاخه‌های مختلف تقسیم شده است. حساب، هندسه، مثلثات، جبر هر کدام شاخه‌ای از ریاضیات می‌باشد. امروزه بیش از هشتاد شاخه‌ی مختلف ریاضی وجود دارد و برای یک نفر تقریباً غیر ممکن است که در تمام شاخه‌های ریاضی تبحر کامل به دست آورد. اگر یک دبیر یا یک استاد ریاضی از پاسخ دادن به بعضی از سؤال‌های ریاضی اظهار عجز کند یا این که در دادن پاسخ دچار اشتباه شود باید باعث تعجب گردد. در گذشته که ریاضیات به اندازه‌ی امروزه توسعه نیافته بود، یک نفر می‌توانست تمام ریاضیات عصر خود را فرا گیرد. اما فعلاً حتی ریاضیاتی که روزانه ایجاد و ارائه می‌شود بسیار بیشتر از آن است که یک شخص بتواند تمام آنها را در یک روز بخواند. توسعه‌ی ریاضیات در قرن بیستم به مراتب زیادتر از پیشرفت آن در هزاره‌ها سال گذشته می‌باشد.

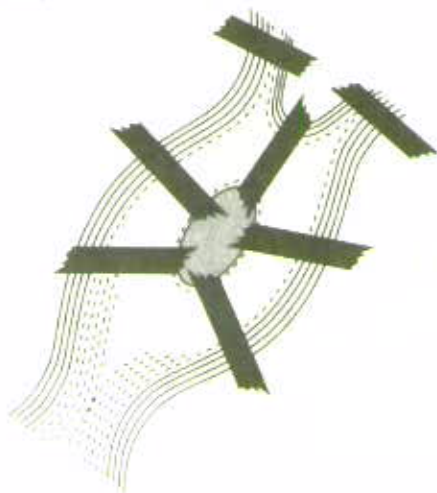
یکی از شاخه‌های جدید ریاضی حساب شانس و احتمال است. بسیاری از اتفاقات زندگی در معرفی شانس و احتمال قرار دارند. در این لحظه که شما این جمله را می‌خوانید احتمال دارد که ناگهان زلزله روی دهد. احتمال دارد که امروز معلم از شما سؤال کند. مشکل است که میزان شانس و احتمال این قبیل حوادث را دقیقاً پیش‌بینی کنیم. با وجود این اغلب نیاز داریم که میزان احتمال یک واقعه را بدانیم. در حساب احتمالات میزان شانس وقوع یک پیشامد

بررسی می‌گردد. امروزه برای ایجاد یک کارخانه یا یک مؤسسه در یک محل، فعلاً با استفاده از حساب احتمالات معلوم می‌کند که عمل مربوطه مقرون به صرفه است یا نه، و بی مورد سرمایه گذاری نمی‌کند.

کاربرد ریاضیات- یکی از خصیصه ریاضیات آن است که در تمام علوم دیگر مورد استعمال دارد در حالی که هیچ علمی بجز منطق در ریاضی مورد استعمال ندارد. فیزیک دان، شیمی دان، جامعه‌شناس و حتی ادیب و شاعر به دانش ریاضیات نیاز دارند اما ریاضی دان به دانش علوم دیگر نیازی ندارد.

پیشرفت و توسعه‌ی ریاضیات محتاج به هیچ یک از علوم دیگر نیست. اما اغلب پیشرفت‌های ریاضی به خاطر پیشرفت‌های سایر علوم و فنون بوده است. بسیاری از شاخه‌های مختلف ریاضی از این جهت به وجود آمده‌اند که جواب گوی اجزای عدم و هندسه دیگر باشند. برخی از شاخه‌های ریاضی به خاطر حل مسئله‌ای تقریبی یا معمای پایه گذاری شده‌اند.

مسئله‌ای از این نوع مربوط به دو قرن پیش است؛ در شهر کونیگسبرگ که آن موقع جزء آلمان بود رودخانه‌ای جریان داشت که بعد از جزیره‌ای که در وسط آن قرار داشت به دو شاخه تقسیم می‌شد. مطابق با شکل ۲، هفت پل جزیره و جنبه‌های اطراف رود را به یکدیگر مربوط می‌ساخت. برای مردم شهر این مسئله پیش آمده بود که آیا امکان دارد کسی از همه‌ی این هفت پل بگذرد به قسمی که از هر پل بیش از یک بار نگذشته باشد. این مسئله بعدها بر اولر عرضه شد. اولر در جستجوی راه حل این مسئله‌ی نامحلول، توپولوژی را بیان گذاشت که اکنون یک شاخه‌ی مهم ریاضی است.



حساب احتمالات که فعلاً یکی از پر اهمیت ترین شاخه های ریاضی است در ابتدا به خاطر حل یک مسئله مربوط به شانس در بازی وضع شده است. اما امروزه اهمیت این شاخه از ریاضیات به اندازه ای است که تقریباً هر صاحب حرفه و فن و هر دانشمندی به آن نیاز دارد، پزشک در معالجه ی بیماران و در انجام جراحی های خطرناک به حساب احتمالات متوسل می شود، باستان شناسی برای کشف الفبای یک خط باستانی جز آن که از حساب احتمالات یاری جوید چاره ی دیگر ندارد. حتی مترجم یک شعر از زبانی به زبان دیگر اگر خواسته باشد ترجمه اش اصالت کامل داشته باشد باید اصول و قواعد حساب احتمالات را به کار بندد.

در بیست سال اخیر که همه چیز به سرعت تغییر کرده و پیشرفت تکنیک فوق العاده بوده است. کاربرد ریاضیات نیز به طرز حیرت انگیزی افزونی داشته باشد. در مصنوعات اتمی، در فستون تلویزیونی، هواپیمایی، فضاپیمایی، در مسافرت به کره ماه، در طرز جدید و اکسیاسیون و خدمات بهداشتی، در نوع محاسبات جدید، در رایانه ها و بالاخره در صدها حرفه و فن و صنعت دیگر، ریاضیات سهم عمده داشته است. حتی این که چه نوع تولیداتی تهیه شود، بین دو محل معین چه وسیله ی مسافرتی برقرار گردد، برای کشف یک معدن نفت و تعیین میزان آن چند چاه و در چه جاهایی حفر شود و پیش بینی های دیگر، همه به کمک ریاضیات میسر می گردد در علوم انسانی، در هنر و در علوم تفریحی نیز از ریاضیات کمک های شایانی گرفته می شود. ریاضیات در تنویر افکار و در ترویج روح فلسفی نیز اثر فراوان دارد. یک فیلسوف امروزی در درجه ی اول باید ریاضی دان باشد.

ریاضیات کاربردی - یک ریاضی دان عموماً ریاضیات محض را مطالعه می کند. ریاضیات محض با ریاضیات نظری به خاطر خود ریاضیات و صرف نظر از موارد استعمال آن بررسی می شود. در بیشتر موارد ریاضی دان از این جهت یک مسئله ی ریاضی را بررسی می کند که جوینده ای در علوم دیگر یا در عمل به آن برخورد کرده و دچار اشکال شده است. اما وی این مسئله را به صورت کاملاً ریاضی مورد مطالعه قرار می دهد. بسیاری از مسائل ریاضی لاینحل می باشند در حالی که همین مسائل کاربرد عملی دارند. چگونگی استفاده عملی از ریاضیات موضوع ریاضیات کاربردی است که خود شاخه ی مهمی از ریاضیات می باشد.

مثال: از یک ورقه ی حلبی، مستطیلی را با چاه طولی در بیاوریم

تا بتوانیم آن را به لوله ای تبدیل کنیم که قطر آن ۱۰ سانتیمتر باشد. طول مستطیل مزبور باید 10π سانتیمتر اختیار شود. در ریاضیات محض ثابت می شود که π عدد اصم است و رسم پاره خط به طول π غیر ممکن است. اما با استفاده از قواعد ریاضیات کاربردی معلوم می شود که 10π سانتیمتر را تقریباً چطور اختیار کنیم تا قطر لوله محسوساً برابر ۱۰ سانتیمتر باشد.

شما اگر از یک ریاضی دان بخواهید که به کمک خط کش و پرگار دایره ای را به ۹ قسمت برابر تقسیم کند به شما می گوید که این عمل غیر ممکن است. اما اگر همین درخواست را از یک مهندس بکنید وی آن را انجام می دهد. البته عمل مهندس با تقریبی توأم است که عملاً قابل اغماض است.

فرستادن یک سفینه از زمین به ماه از نظر ریاضی مسئله ای را مطرح می کند که به مسئله ی سه جسم معروف است. این مسئله از نظر ریاضی محض لاینحل است. اما از نظر ریاضی کاربردی حل شده است. با استفاده از تکنیک های پیشرفته در محاسبات توانسته اند مقادیر مربوط به مسئله را با چنان تقریب ناچیزی حساب کنند که ایجاد وضع مطلوب عملاً میسر باشد.

ریاضیات دوره ی سه ساله راهنمایی

به دانش آموز دوره ی سه ساله ی راهنمایی تحصیلی چه نوع ریاضیات و با چه روشی باید آموخته شود؟ آیا آموزش ریاضیات محض و با روش اصل موضوعی برای وی مناسب است؟ آیا فقط کافی است که ریاضیات عملی را فرا گیرد؟

هدف از تحصیل در دوره ی راهنمایی شناخت استعداد های دانش آموز و پرورش این استعدادهاست. ریاضیاتی که در این دوره آموخته می شود باید علاوه بر آن که متضمن این هدف کلی است احتیاجات ریاضی کودک را در زندگی روزمره و در فرا گرفتن سایر درس های خود برآورده سازد.

مناسب ترین روش در این دوره ایجاد موقعیت های مناسبی است که دانش آموز متناسب با استعداد خود مفاهیم ریاضی را عمیقاً درک کند و بتواند در موارد لازم به کار ببرد. اگر قرار است تحصیلات نظری را ادامه دهد پایه ای محکم برای آن پی ریزی شده باشد، اگر بنا است که حرفه و فن را اختیار کند ریاضیات مورد نیاز و مخصوصاً چگونگی استفاده از ریاضیات را برای بهتر ساختن کار خود فرا گرفته باشد.

دانش آموز دوره ی راهنمایی تحصیلی باید ریاضیات را به معنی واقعی خود یعنی روش درست فکر کردن، آموخته باشد و بتواند این روش را در هر مورد و در هر موقعیت به کار بندد.

نامه‌ها

سر دبیر مجله رشد راهنمایی

با عرض سلام

به هنگام مطالعه‌ی مجله‌ی رشد راهنمایی بهار ۷۷ به چند نکته قابل تذکر برخورد کردم که توضیح مختصری می‌دهم.

از مقاله‌ی آقای غلامرضا عمرانی بسیار استفاده کردم ولی به نظر بنده ایرادهایی جزئی بر آن وارد است.

۱- در صفحه‌ی ۳۵ چند کلمه آورده و گفته اند: اینها هم خانواده با آب نیستند؛ که این درست است ولی به نظر من کلمات «طالاب»، «کتاب»، «خراب» و «آداب» که کلمات عربی هستند اصلاً آوردن آنها هم ضرورت ندارد چون هم خانواده در حوزه‌ی همان زبان است نه زبان دیگر.

۲- در مورد کلمات «شهاب» و «سراب» سائله فرقی می‌کند. اولاً ماد و نوع کلمه از دو زبان داریم: شهاب که عربی است یعنی اشعله و از بحث ما خارج است. شهاب (شاه + آب) فارسی است و معنی آن می‌شود: آب سرخ که از گل که جیره بگیرند و این کلمه اگر منظور آقای عمرانی باشد با آب هم خانواده است چون در ارتباط با آب است. و کلمه سراب هم یکی فارسی است (سراب) باغ و زمینی که نزدیک آب نباشد و سراب (عربی) یعنی حایی که از دور به نظر آب آید. که هر دو کلمه در ارتباط با آب است و با آب هم خانواده است.

۳- بحث دیگر اینکه به نظر بنده در هم خانواده‌های کلمات فارسی مشکل بسیار کم است و بحث اصلی پدید پیروزی هم خانواده‌های کلمات عربی باشد. اگر شما تمرین‌های فارسی

منه پایه‌ی راهنمایی را نگاه کنید پیش از هشتاد درصد کلماتی را که از آنها هم خانواده خواسته است کلمات عربی هستند. زیرا زبان عربی یک زبان اشتقاقی است و بخصوص در بحث افعال مشکل است. در حالی که فارسی یک زبان ترکیبی است و می‌شود با حفظ کلمه، پیشوند، پسوند و حروف یا کلماتی اضافه کرد و هم خانواده ساخت. نظر بنده این است که ما، هم خانواده، اشتقاق و ریشه‌یابی را می‌آموزیم، یا در املائی کلمات دچار اشتباه شویم و اصل مطلب همین است. و این مشکل در کلمات عربی بخصوص کلماتی که در زبان فارسی شکل مختلف آنها (مثل ر، ذ، ض، ظ) یک صدا می‌دهند رخ می‌دهد.

از طرف دیگر هم معنی بودن شرط هم خانواده بودن نیست. زیرا دو کلمه‌ی متضاده در عین حال، هم خانواده هم می‌توانند باشند مثلاً در فارسی «بیتا و تابیتا»، هم هم خانواده اند و هم متضادند و در عربی نیز «قاتل» و «مقتول» که از جهتی متضاد هستند و از جهتی هم ریشه هم خانواده اند.

به تنه دانش آموزان و دانش جویان حتی عده‌ای از معلمان (شو اهدا بدی دارم) در نوشتن بعضی کلمات عربی مشکل دارند و این به خاطر عدم آشنایی به کلمات عربی است. به عنوان نمونه در دوران تربیت معلم وقتی مدرس آموزش قرآن می‌داد گفت: بنویسید «اشباع» چندین نفر از دانش جویان نوشتند: اشباء، که مدرس از این غلط نویسی، مخصوصاً دانش جویان ریشه ادبیات، بسیار اذیت شد.

اگر دانش جو بداند اشباع بر وزن افعال از ریشه‌ی «شبع» یعنی «سیر کردن» و «شبعان» یعنی «سیر» است و اسم فاعل آن می‌شود «مشع» مستنداً از این خطاها نمی‌کند.

نمونه‌های دیگر که بنده این اشتباه را حتی در بین معلمان هم دیده‌ام از این قرار است:

- ۱- انصاط (انطباط) ۲- معتابه (متاباه) ۳- مصر (مفسر)
 - ۴- مُصِيب (مصیب) ۵- فاصم الجبارین (فام الجبارین)
 - ۶- استهلاك (استلاک) ۷- توطئه (طوطعه) ۸- راجع به (راجب)
- با شما این سؤال را پرسید: تقوا از چه کلمه‌ای بر چه وزنی و تغییرات آن چیست؟

در فارسی دوم (درس پنجم) نه فهم مان) تمرین اول هم خانواده «حاجت» را خواسته است. تقریباً همه‌ی دانش آموزان کلمه‌ی «حُجَّت» را به اشتباه به خاطر شباهت ظاهری با آن هم خانواده می‌دانستند. پس نتیجه می‌گیریم که اغلب اطلاط املائی ما مربوط به کلمات عربی هستند.

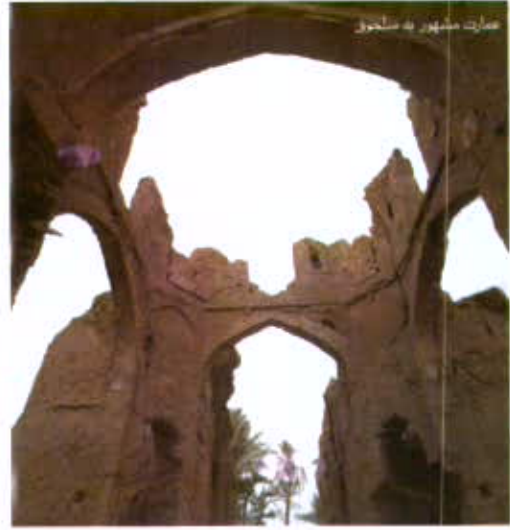
تیمور رضایی

سرگروه ادبیات فارسی راهنمایی منطقه‌ی باغداداران اصفهان

ایران قشاسی (استان یزد)



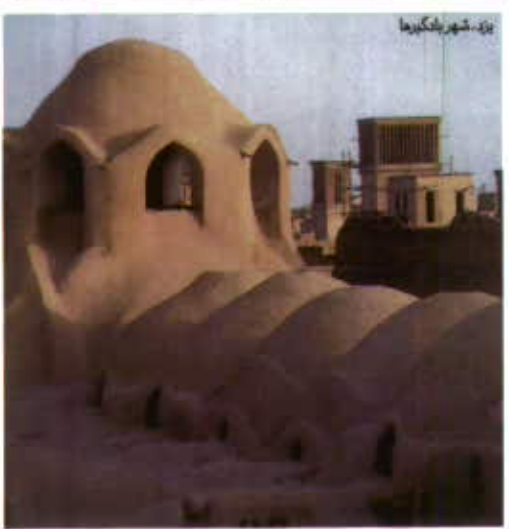
شهر بافی در یزد



عمارت مشهور به سلجوق



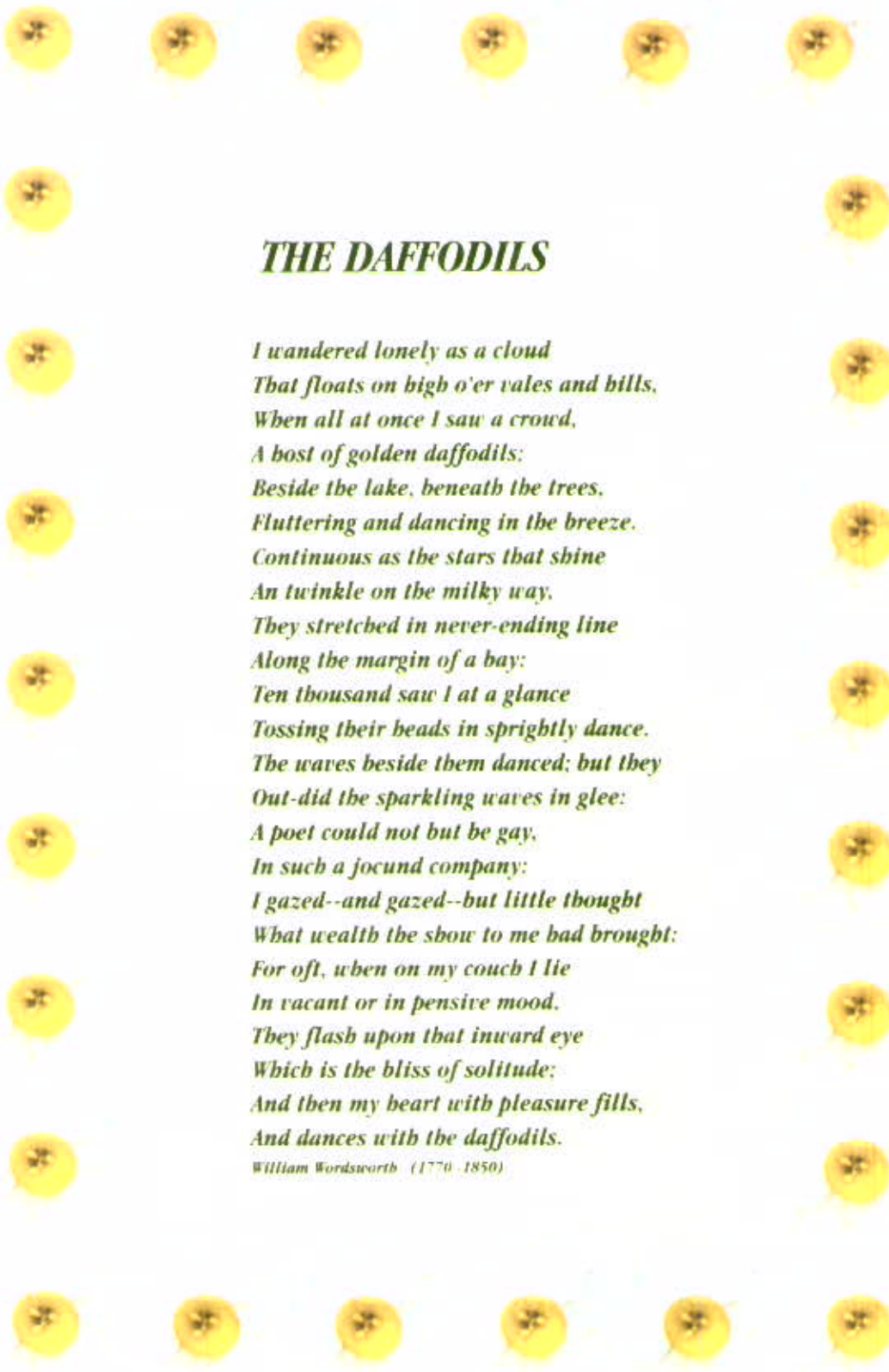
بیدار کاشی



یزد، شهر بادگیرها



کوچه ای سنگ دوازده ای خند



THE DAFFODILS

*I wandered lonely as a cloud
That floats on high o'er vales and hills,
When all at once I saw a crowd,
A host of golden daffodils;
Beside the lake, beneath the trees,
Fluttering and dancing in the breeze.
Continuous as the stars that shine
An twinkle on the milky way,
They stretched in never-ending line
Along the margin of a bay:
Ten thousand saw I at a glance
Tossing their heads in sprightly dance.
The waves beside them danced; but they
Out-did the sparkling waves in glee:
A poet could not but be gay,
In such a jocund company:
I gazed--and gazed--but little thought
What wealth the show to me had brought:
For oft, when on my couch I lie
In vacant or in pensive mood,
They flash upon that inward eye
Which is the bliss of solitude;
And then my heart with pleasure fills,
And dances with the daffodils.*

William Wordsworth (1770-1850)